

گلین تورکجه دانیشاق!

بیاید ترکی حرف بزیم!

تألیف ثمینہ باغچه بان (پیرنظر)



گلین تورکجه دانیشاق!

بیاید

۹۵-۲۴-۱

این کتاب همراه با سه نوار آموزشی است.

چاپ اول: آبان ماه ۱۳۶۰

شماره ثبت: ۲۱/۹.۶۲

قیمت کتاب با سه نوار آموزشی: ۲۷۵ تومان

همه حقوق محفوظ و مخصوص به مؤلف است.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

گلین تورکجه دانیشاق!

بیاید ترکی حرف بزیم!

تالیف: ثمینه باغچه بان (پیرنظر)

نقاشی: پرویز کلانتری

تنظیم صفحات: روشنک رضاخانلو

تقدیم به مرجان کریم که با پرسشی سنجیده  
بذر این خدمت را در فکر من کاشت.

با سپاس فراوان از همکارانی که در این  
تجربه‌ی نو پاراهنمایی‌های ارزنده و کوششهای  
بی‌دریغ خود در تهیه این کتاب و نوار  
آموزشی مرا یاری کردند.

چاپ اول: آبانماه ۱۳۶۰

این کتاب در ۳۰۰۰ نسخه در شرکت افست «سهامی عام»

چاپ و صحافی شد.

شماره ثبت ۲۱/۹۰۶۲ بتاریخ ۱۳۶۰/۸/۵

همه حقوق محفوظ و مخصوص به مؤلف است

## به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

### پیش‌گفتار

زبان آذربایجانی برخلاف تصور بعضی ناآگاهان که آن را زبانی فاقد قاعده و ضابطه می‌پندارند، از نظر ساختمان صوتی کلمات و اشکال و ترکیبات دستوری یکی از باقاعده‌ترین زبانهاست و بهمین جهت نیز آموزش موفقیت‌آمیز آن تنها در صورتی میسر است که ما فراگیری زبان را در رابطه با قواعد و قوانین رایج در آن آغاز کنیم و پایه‌های آن پیش برویم.

در اینجا ما بطور مختصر در شش قسمت به عمومی‌ترین این قوانین و ویژگیها اشاره می‌کنیم.

۱- زبان ترکی آذربایجانی يك زبان التصاقی یا پیوندی است یعنی ریشه اصلی کلمه همیشه ثابت و غیرقابل تغییر است و دگرگونیهای کلمه‌ها تنها به صورت الحاق يك رشته پیوندها به آخر ریشه انجام می‌پذیرد.

۲- الحاق پیوندها تابع توالی منطقی است و در این توالی همیشه پیوندهای توصیفی جلوتر و پیوندهای تصریفی در درجه دوم قرار میگیرند.

۳- در زبان آذربایجانی هماهنگی و تطابق گروهی آواها به صورت يك قاعده‌ی کلی بر ساختمان صوتی کلمات و الفاظ زبان حاکم است.

۴- کوتاهی مصوت‌ها از ویژگیهای این زبان است و یکی از شرایط بومی شدن لغت‌های بیگانه اینست که مصوت‌های بلند و کشیده‌ی آنها به مصوت‌های کوتاه تبدیل شوند.

۵- در این زبان اسم برحسب موقعیت خود در ترکیبات و جملات صرف می‌شود و با قبول پیوندها حالت می‌پذیرد.

۶- زبان آذربایجانی ضمن اینکه از نظر کثرت و تنوع افعال از

زبانهای بسیار غنی است همگی افعال آن بجز یکی دو مورد باقاعده هستند. در نگارش این کتاب مبنای کار زبان ادبی آذربایجان بوده است و بنابراین هرگاه در تلفظ بعضی از کلمه‌ها تفاوت‌هایی مشاهده شود این امر ناشی از فرق موجود مابین زبان ادبی و نگارشی با لهجه‌ها و شیوه‌های محلی زبان است.

آواهای رایج در زبان ادبی آذربایجان ۳۲ صوت است و اگر قبول کنیم که مناسبترین الفبای برای نوشتن این زبان الفبائی است که به همین تعداد علامت و حرف داشته باشد به این نکته پی می‌بریم که الفبای موجود برای نگارش زبان ترکی آذربایجانی ناقص است. به همین سبب و برای رفع این مشکل تصمیم گرفته شد که درسهای این کتاب در نوار ضبط و در اختیار شما گذاشته شود و توصیه می‌شود که حتماً هنگام گوش کردن به نوار به درسهای کتاب نگاه کنید و کلمه‌ها و جمله‌ها را بلند بلند نزد خود تکرار کنید.

در ضمن توجه داشته باشید که به علت محدودیت نوار متن درسها و لغت‌های آن عیناً ضبط نشده است.

این کتاب شامل سی درس است هر درس بطور مشخص از دو بخش تشکیل شده است، متن درس و قسمت دستور زبان. متن ۲۵ درس اول آن مربوط به گفتگوهای روزمره و موردنیاز همگان است. در پنج درس آخر کتاب کوشش شده است که بطور خیلی مختصر فرهنگ و ادبیات آذربایجان به شما معرفی شود.

موارد دستوری در فهرست کتاب مندرج است و رجوع به آن انجام تمرین‌های دستوری را برای شما آسانتر خواهد کرد.

در این کتاب فقط آن دسته از قوانین و قواعد دستوری که دانستن آن ضرورت کامل داشته است ذکر شده است و بهیچوجه شامل کل دستور زبان ترکی آذربایجانی نیست. لازم به تذکر است که بطور کلی کتاب مبانی دستور زبان آذربایجانی تألیف آقای فرزانه و راهنمایی‌های شخصی ایشان شالوده‌ی دستور زبان در این کتاب بوده است که جای بسی تشکر است.

در اینجا با آرزوی موفقیت، نظر شما را به فهرست کتاب‌های مرجع که در تهیه این کتاب بسیار مورد استفاده قرار گرفته است جلب می‌کند و متذکر می‌شود که با مطالعه‌ی این کتابها و دیگر کتابهای مشابه و گوش کردن به گفتگوها و حرف زدن با هموطنان ترک‌زبان خواهید توانست که این زبان را بطور کامل فراگیرید و فراموش نکنید که از قدیم گفته‌اند فارسی شکر است و ترکی هنر!

نمینه باغچه بان (پیرنظر)

## فهرست

شماره درس	عنوان درس	عنوان دستوری درسها	صفحه‌های کتاب
۱	چگونه تلفظ کنیم؟	تمرین تلفظ مصوت‌های زبان ترکی	۱
۲	آن کیست؟ این چیست؟	چیست، است، نیست	۳
۳	که آمد، کی آمد؟	ضمائر فاعلی، قانون صرف فعل در زمان گذشته	۶
۴	که آمد، با که آمد؟	کجا، از کجا، به کجا	۱۰
۵	او چه کار می‌کند؟	علامت جمع لار و لر	۱۲
۶	آشنا شدن	صرف فعل داشتن در زمان حال به صورت مثبت، ضمائر ملکی	۱۶
-----			
۷	دیدار	مکالمات روزمره	۲۰
۸	یادش بخیر!	صرف فعل بودن ایمک در زمان حال به صورت مثبت	۲۴
۹	در دفتر گاراژ	قانون صرف فعل در زمان حال	۲۸
۱۰	رونیست، سنگک‌پاست!	صرف فعل بودن و داشتن در زمان حال به صورت منفی	۳۳
۱۱	هر روزکته، هر روز قیمه؟	قانون منفی کردن افعال، تمرین از کجا به کجا؟	۴۰

شماره درس	عنوان درس	عنوان دستوری درسها	صفحه‌های کتاب
۱۲	آماده شدن برای سفر	صرف مل معین خواستن ایستمك	۴۵
		در زمان حال و گذشته به صورت مثبت و منفی	
۱۳	خرید و فروش	صرف فعل معین کردن ائله مك	۵۰
		و شدن الماق در زمان حال و گذشته به صورت مثبت و منفی	
۱۴	دستور زیان	ضمائر مفعول بی واسطه	۵۴
۱۵	بله چطور مگر؟	ضمائر استفهامی و صرف این ضمائر و اسم در شش حالت	۵۸
۱۶	چیزی نیست دیفرنسیال شکسته؟	عبارتهای مربوط به زمان	۶۳
۱۷	در قهوه‌خانه	صرف اسم با پیوند یان نزد، صرف ضمائر ملکی با پیوند ایچون	۶۸
		صرف ضمائر شخصی با پیوند حالت تأثیر، به‌که؟	
۱۸	چطور می‌توانم بروم؟	صرف فعل معین بیلمك، دانستن و توانستن در زمان گذشته و حال به صورت مثبت و منفی	۷۳
۱۹	در هتل	صفت ساده، ساختن صفت با پیوند لی و لو، صرف فعل بودن در زمان گذشته به صورت مثبت و منفی، و صرف ضمائر استفهامی کدام هانسی و کدامها هانسی لار در شش حالت	۷۷
۱۰	این از همه قشنگتر است	اشکال نسبی صفت، ماضی نقلی	۸۴
۲۱	حالتان چطور است؟	اسامی اعضاء بدن، اصطلاحات پزشکی، صرف ضمائر شخصی در حالت تخصیص، پیش که	۹۰

شماره درس	عنوان درس	عنوان دستوری درسها	صفحه‌های کتاب
۲۲	از عباس چه خبر	پیوند گیل، صرف فعل داشتن در زمان گذشته به صورت مثبت و منفی	۹۶
۲۳	در مطب دکتر	ضمیر رجعی خود اوز تمرین چرا نییه چونکه...	۱۰۱
۲۴	در کارخانه	وجه آرزو، صرف ضمائر شخصی در حالت تفکیک، از که؟	۱۰۸
۲۵	چهارشنبه‌سوری در منزل عمه‌قزی	قید حرکت، صرف فعل معین توانستن باشارماق در زمان حال و گذشته به صورت مثبت و منفی	۱۱۳
۲۶	شهر تبریز	قانون صرف فعل در زمان آینده به صورت مثبت و منفی	۱۲۰
۲۷	ملا محمد فضولی	وجه شرطی، استفاده از پیوند استفهامی می	۱۲۶
۲۸	علی اکبر صابر		۱۳۲
۲۹	استاد محمد شهریار	تمرین ماضی نقلی	۱۳۶
۳۰	ترانه‌های خلق آذربایجان	صفت فاعلی	۱۴۱

### کتاب‌های مرجع:

- ۱- م. ع. فرزانه. مبانی دستور زبان آذربایجانی جلد اول (اصوات - کلمات) انتشارات فرزانه، چاپ سوم ۱۳۵۸.
- ۲- دکتر سلام‌اله جاوید. خودآموز زبان آذربایجانی و فارسی. انتشارات دنیای دانش، چاپ دوم ۱۳۴۳.
- ۳- عباس اشراقی. می‌خواهم ترکی آذربایجانی یاد بگیرم. انتشارات شمس، چاپ اول ۱۳۵۸.
- ۴- آنادیلی، کتاب اول و دوم و سوم و چهارم کتب دبستانی. انتشارات فرزانه.
- ۵- وارلیق  
مجله ماهانه فرهنگی فارسی و ترکی آذری.

## بیرینجی درس - نتیجه تلفظ ائله یاق؟

درس اول - چگونه تلفظ کنیم؟

دوستان عزیز

گویش ترکی آذری ویژگی‌هایی دارد که در پیش‌گفتار به آن اشاره شده است. در اینجا کتاب خود را باز کنید و برای آشنا شدن با ویژگی‌های نگارش ترکی و تمرین تلفظ با ما این کلمه‌ها را تکرار کنید:

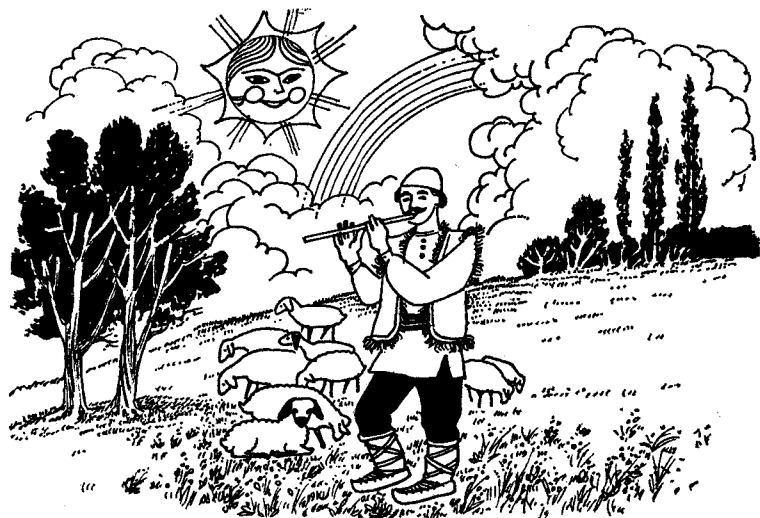
الف - مصوت‌های مشترک بین زبان ترکی و فارسی، ا، ا، آ، او، ای  
۱ - اکینچی کشاورز اسدی وزید گلدی آمد گلمهدی نیامد  
۱ - ائو خانه سترچه کنجشگک یئل باد گئتدی رفت  
۱ - اجاق، اجاق اد آتش اولدی شد چوبان چوپان  
آ - آنا مادر آتا پدر قارداش برادر آیدین روشن  
او - اوشاق بچه بولوت ابر وورده زد بویورون بفرمائید  
ای - ایستی گرما ایندی حالا ایش کار کیشی مرد

ب - مصوت‌های ویژه‌ی زبان ترکی او، او، ای  
او - گونش خورشید گولدو خندید اوچ سه اوزوم انگور  
او - اوژگه دیگری اوزوم خودم چؤل دشت دؤرت چهار  
ای - قیز دختر یاغیش باران یاغدی بارید ایلدیریم رعد

در اینجا توجه شما را به تغییراتی که بموجب قانون و اصل هماهنگی در کلمات مشترک بین زبان فارسی و ترکی حاصل میشود جلب میکنیم.

- ۱- در زبان ترکی مصوت بلند آ کوتاهتر تلفظ می‌شود:  
بازار، آدم، باغبان، چوپان
- ۲- تغییر کسره‌ی پایانی به‌فتحه  
پنجره، تخته، جوجه، ساده
- ۳- تغییر کسره به صدای مدی آ در آخر کلمه‌ها:  
خاله، کاسه، روزنامه، پارچه
- ۴- تغییر صدای فتحه به صدای مدی کوتاه  
آدم، بهار، تماشا، دوا





۵- تغییر صدای کسره به «ای» در آغاز کلمه‌ها:

اجازه، اداره، امام، اسلام

۶- تغییر صدای «ا» به «او»

گل، بلبل، دشمن، دنیا

۷- بعضی از کلمه‌های يك بخشی در دوبخش تلفظ میشود.

با ما تکرار کنید:

فکر، صبر، شهر، حوض

با اجرای مکرر این تمرین‌ها خواهید توانست که ترکی را با لهجه

ترکی صحبت کنید بقول معروف

جوینده یابنده است      آختاران تاپار

با آرزوی موفقیت شما

## ایکینجی درس - او کیم دیر، بو نه دیر؟

درس دوم - آن کیست، این چیست؟

او کیست؟

او چوپان است.

او هم چوپان است؟

نه او چوپان نیست.

پس او کیست؟

او کشاورز است.

او کیم دیر؟

او چوپان دیر.

او دا چوبان دیر؟

خیر او چوپان دگیل.

پس او کیم دیر؟

او اکینجی دیر.

این چیست؟

این بلبل است.

اینهم بلبل است؟

نه این بلبل نیست.

پس این چیست؟

بو نه دیر؟

بو بلبل دیر.

بو دا بلبل دیر؟

یوخ بو بلبل دگیل.

پس بو نه دیر؟

با توجه به تصاویر به پرسشهای زیر به ترکی جواب بدهید:



بو خروس دور؟  
یوخ بو خروس.....  
پس او نه دیر؟  
او..... دیر



او کیم دیر؟  
او.....



بو دا چوبان دیر؟  
یوخ او چوبان دگیل.  
پس او کیم دیر؟  
او.....

من.....

سن کیم سن؟

ضرب المثلها: قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود.  
آناسوزلری: داما داماکژول اولار، آخا آخا ستل اولار.

این گنجشگ است.  
آن چیست؟  
آن خروس است.

بو سترچه دیر.  
او نه دیر؟  
او خروس دور.

این چیست؟  
این باد است.  
آن چیست؟  
آن رعد است.  
این چیست؟  
این باران است.

بو نه دیر؟  
بو یئل دیر.  
او نه دیر؟  
او ایلدیریم دیر.  
بو نه دیر؟  
بو یاغیش دیر.

سحر اولدی، چوبان چوله گتندی، یئل اسدی، بولوت گلدی، ایلدیریم  
شاحدی، یاغیش یاغدی، گوش گولدو.

صبح شد، چوبان به دشت رفت، باد وزید، ابر آمد، رعد غرید، باران  
بارید، خورشید خندید.

لغت های تازه ی درس:

این  
آن، او  
چه، چه چیز  
است  
نیست  
چیست  
که، چه کسی  
چه کسی است، کیست

بو  
او  
نه  
دی، دیر، دور  
دگیل  
نه دیر  
کیم  
کیم دیر

تمرین:

بو نه دیر؟

- من معلم هستم.
- این هم معلم است؟
- نه این معلم نیست.
- پس این کیست؟
- این شاگرد است.

- من معلمم.
- بودا معلم دیر؟
- یوخ بو معلم دگیل.
- پس بو کیم دیر؟
- بو شاگرد دیر.

لغت‌های تازه‌ی درس:

کی، چه وقت	هاچان
حالا	اینندی
هم	دا، ده
بچه‌ها	اوشاقلار
اینجا	بورا
زود	تتز
بفرما	بویور
بفرمائید	بویوروز یا بویورون
هستی	سن
تو	سن
که	کیم

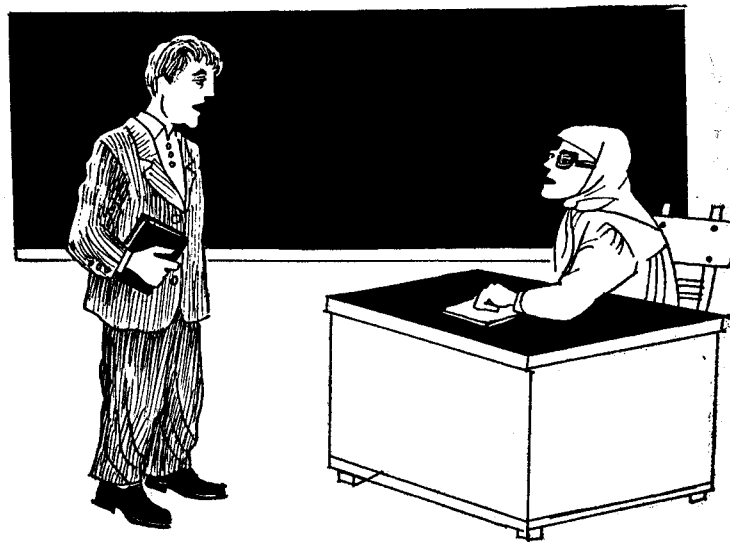
ضمائر فاعلی

ضمائر فاعلی در جواب کیم (که) و کیملر (چه کسانی) بکار برده میشود.

من	من
تو	سن
او	او
ما	بیز
شما	سیز
ایشان	اونلار

\* دستور صرف فعل در زمان گذشته

برای صرف فعل در زمان‌های گذشته با توجه به مصوت اصلی ریشه فعل، به آن بترتیب پیوندهای زیر را به آن اضافه میکنیم.



اوچونجی درس - کیم گلدی؟ هاچان گلدی؟

درس سوم - که آمد؟ کی آمد؟

- کیم دیر؟
- کیم گلدی؟
- من گلدیم.
- سن هاچان گلدین؟
- من اینندی گلدیم.
- سن تک گلدین؟
- بلی من تک گلدیم.
- سلام، سیز هاچان گلدیز؟
- بیز ایندی گلدیک.
- اوشاقلار داگلدیلر.
- بلی اونلار داگلدیلر.
- سن کیم سن؟
- کیست؟
- که آمد؟
- من آمدم.
- تو کی آمدی؟
- من حالا آمدم.
- تو تنها آمدی؟
- بله من تنها آمدم.
- سلام، شما کی آمدید؟
- ما حالا آمدیم.
- بچه‌ها هم آمدند؟
- بله آنها هم آمدند.
- تو که هستی؟

گروه الف:

دیم

دین

دی

دییق یا دیک

دیز

دیلا یا دیلا

برای بدست آوردن ریشه فعل که همان وجه امر دوم شخص مفرد است علامت مصدر را از فعل حذف می‌کنیم. در زبان ترکی علامت مصدر «مک» و یا «ماق» است.

مصدر

گلمک (آمدن)

گتتمک (رفتن)

آماق (خریدن)

وورماق (زدن)

مثال الف:

صرف فعل گلمک (آمدن) در زمان گذشته و وجه امر آن در دوم شخص مفرد و جمع بصورت مثبت و منفی.

من گلدیم

سن گلدین

او گلدی

من آمدم

تو آمدی

او آمد

بیز گلدیک

سیز گلدیز

اونلار گلدیلر

ما آمدیم

شما آمدید

ایشان آمدند

گل

گلمه

گلین

گلمه‌یین

گل، تتز گل، تتز گل بورا!

بویور چوخ خوش گلدین

بویوروز، چوخ خوش گلدیز

بیا، زود بیا، زود بیا اینجا!

بفرما خیلی خوش آمدی

بفرمائید خیلی خوش آمدید

مثال ب:

\* صرف فعل اوخوماق (خواندن) در زمان گذشته و وجه امر آن در دوم شخص مفرد و جمع بصورت مثبت و منفی.

من اوخودوم

سن اوخودون

او اوخودو

من خواندم.

تو خواندی

او خواند

اوخو

اوخوما

بخوان

نخوان

بیز اوخودوق

سیز اوخودوز

اونلار اوخودولار

اوخویون

اوخومویون

ما خواندیم

شما خواندید

ایشان خواندند

بخوانید

نخوانید

ضرب‌المثلها: بالاتر از سیاهی رنگ دگر نباشد!  
آتاسوزلری: قارادان آرتیق بو یاغ اولماز!

لغت‌های تازه‌ی درس:

که	کیم
با که	کیمین
کجا	ه‌ارا
از کجا	ه‌ارادان
به کجا	ه‌ارایا
کو	ه‌انی

تمرین:

که آمد؟	کیم گلدی؟
با که آمدی؟	کیمین گلدین؟
از کجا آمدی؟	ه‌ارادان گلدین؟
به کجا می‌روی؟	ه‌ارایا گلدیرسن؟
که رفت؟	کیم گتدی؟
با که رفتی؟	کیمین گتدین؟
از کجا آمدند؟	ه‌ارادان گلدیلر؟
به کجا می‌روید؟	ه‌ارایا گلدیرسیز؟

صرف فعل رفتن در زمان گذشته گتتمک (رفتن)، گتت (برو)

گتتدیم	رفتیم	گتتدیک	رفتید
گتتدین	رفتید	گتتدیز	رفتید
گتتدی	رفت	گتتدیلمر	رفتند

گتت	برو	گتتمه	نرو
گتتدین	بروید	گتتمه‌یین	نروید
گتت، تئز گتت، تئز گتت اورا!		برو، زود برو، زود برو آنجا!	

\* - از خصوصیات زبان ترکی آذری تغییراتی است که در مصوت‌ها و یا صامت‌های یک کلمه در هنگام صرف فعل حاصل می‌شود. با این خصوصیات بتدریج آشنا خواهید شد.

ضرب‌المثلها: آنچه که با ظلم بنیاد شود، با عدل ویران می‌شود!  
آتالارسوزی: ظلم ایله آباد اولان عدل‌ایله ویران اولار!



دوردونجی درس - کیم گلدی؟ کیمین گلدی؟

درس چهارم - که آمد؟ با که آمد؟

کیم گلدی؟	- که آمد؟
حسن گلدی.	- حسن آمد.
حسن کیمین گلدی؟	- حسن با که آمد؟
حسن اکبرین گلدی.	- حسن با اکبر آمد.
حسن ه‌ارادان گلدی؟	- حسن از کجا آمد؟
حسن مدرسه‌دن گلدی.	- حسن از مدرسه آمد.
اکبر ه‌انی؟ اکبر ه‌ارا گتدی؟	- اکبر کو؟ اکبر به کجا رفت؟
اکبر بازارا گتدی.	- اکبر به بازار رفت.
اکبر تک بازارا گتدی؟	- اکبر تنها به بازار رفت؟
یوخ اکبر اسدین بازارا گتدی.	- نه اکبر با اسد به بازار رفت.
سن ه‌اچان بازارا گتدین؟	- تو کی به بازار رفتی؟
من دون بازارا گتتدیم.	- من دیروز به بازار رفتم.

لغتمهای تازه‌ی درس:

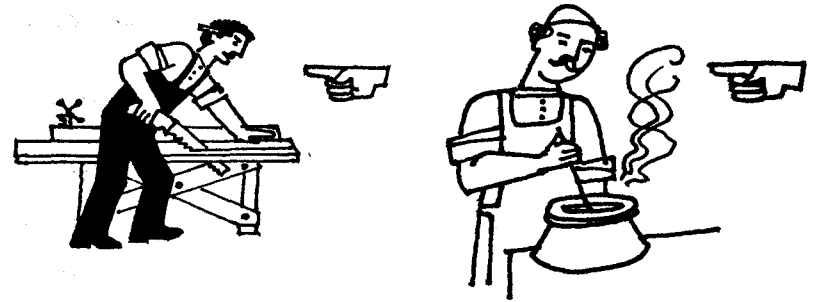
هستند	دیلر
نیست	دگیل، دیر
نیستند	دگیلر، دگیلرلر
خیر، نه	یوخ
کردن	اٹله مک، اٹمک
چه (کار) می‌کند	نه اٹله بییر
چه (کار) می‌کنند	نه اٹله بییرلر

تمرین:

این چیست؟	بو نه دیر؟
این گلدان است.	بو گلدان دیر.
آن چیست؟	او نه دیر؟
آن ساعت است.	او ساعت دیر.
اینها چیستند؟	بونلار نه دیلر؟
اینها پنجره‌ها هستند.	بونلار پنجره‌لر دیلر.
آنها چیستند؟	اونلار نه دیلر؟
آنها درخت‌ها هستند.	اونلار آغاجلار دیلار.
این تلفن است؟	بو تلفن دی؟
نه این تلفن نیست.	یوخ بو تلفن دگیل.
آنها کیستند؟	اونلار کیمدیلر؟
آنها ورزشکاران هستند؟	اونلار ورزشکارلار دیلار؟
نه آنها ورزشکاران نیستند.	یوخ، اونلار ورزشکارلار دگیلر.

در جمله‌های زیر به کار برد کلمه‌های (دی، دیر = است) و (دگیر یا دگیل = نیست) و (دیلار، دیلر = هستند) و (دگیلرلر یا دگیلر = نیستند) توجه کنید:

این سرباز است؟	بو سرباز دیر؟
نه این سرباز نیست.	یوخ بو سرباز دگیر (دگیل).
این معلم است؟	بو معلم دیر؟
نه این معلم نیست.	یوخ بو معلم دگیر.
اینها سربازان هستند.	بونلار سربازلار دیلار.
اینها معلم‌ها هستند؟	اونلار معلم‌لر دیلر.



بششینجی درس - او نه اٹله بییر؟  
درس پنجم - او چه کار می‌کند؟

- |                            |                          |
|----------------------------|--------------------------|
| - او کیمدیر؟               | - آن کیست؟               |
| - او آشپاز دیر.            | - آن آشپز است.           |
| - او نه اٹله بییر؟         | - او چه کار می‌کند؟      |
| - او آشپازلیک اٹله بییر.   | - او آشپزی می‌کند.       |
| - بو کیمدیر؟               | - این کیست؟              |
| - بو نجار دیر.             | - این نجار است.          |
| - او نه اٹله بییر؟         | - او چه کار می‌کند؟      |
| - او نجارلیک اٹله بییر.    | - او نجاری می‌کند.       |
| - بونلار کیمدیلر؟          | - اینها کیستند؟          |
| - بونلار ورزشکارلار دیلار. | - اینها ورزشکاران هستند. |
| - اونلار نه اٹله بییرلر؟   | - آنها چکار می‌کنند؟     |
| - اونلار ورزش اٹله بییرلر. | - آنها ورزش می‌کنند.     |

پونلار سربازلار دگیل لر.

اینها سربازان نیستند.

اونلار معلم لر دگیل لر.

اینها معلم ها نیستند.

علامت جمع

علامت جمع در زبان ترکی آذری پسوند «لار» و «لر» است که کاربرد آنها بستگی به مصوف اصلی کلمه ای دارد که جمع بسته میشود. اسمهایی که مصوت آخری آنها ستمبر باشند با «لار» و آنهاییکه مصوت آخرشان نازک باشد با «لر» جمع بسته می شوند.

علامت جمع لار

سرباز	سربازلار
باغ	باغلار
کتاب	کتابلار
مداد	مدادلار
رادیو	رادیولار
خیابان	خیابانلار
آغاج	آغاجلار

علامت جمع لر

معلم	معلم لر
صندلی	صندلی لر
میز	میز لر
دفتر	دفتر لر
فرش	فرش لر
عکس	عکس لر
کوچه	کوچه لر

تذکر

۱- اوکیمدیر شکل نگارشی و اوکیمدی شکل رایج تروگوشی (آن کیست؟) است و در این کتاب و نوار ضمیمه هر دو شکل بکار برده خواهد شد.

۲- در زبان ترکی آذری کلمه های مشترک فارسی و ترکی تلفظ خاص

خود را دارند که باید بتدریج با آنها آشنا شد و رفته رفته شما با این تغییرات صوتی خودبخود آشنا خواهید شد. گاهی هنگام نگارش این تغییرات مراعات میشود ولی گاهی با همان املاء فارسی نوشته میشود ولی به تلفظ ترکی خوانده میشود.

۳- مصوت های پیوندهای توصیفی و تصریفی متناسب با مصوتهای ریشه تغییر میکنند. این تغییرات تابع قواعد صوتی هستند که بمرور گوش شما با آن آشنا خواهد شد. ما یادگرفته ایم شما چرا نتوانید که یاد بگیرید؟

ضرب المثلهما: بزرگی به عقل است نه به سال.  
آتاسوزلری: عقیل یا شدا دگیل یا شدا دیر.

لغتهای تازه‌ی درس:

سن	یاش
زن و همسر	آروات - آرواد
اسم	آد
پسر	اوغلان
دختر	قیزی
چند	ننچه

ضمائم ملکی

در زبان ترکی آذری ضمیر و اسم با گرفتن پیوند ها صرف میشوند. در اینجا با صرف ضمیر و اسم در حالت ملکی آشنا میشوید.

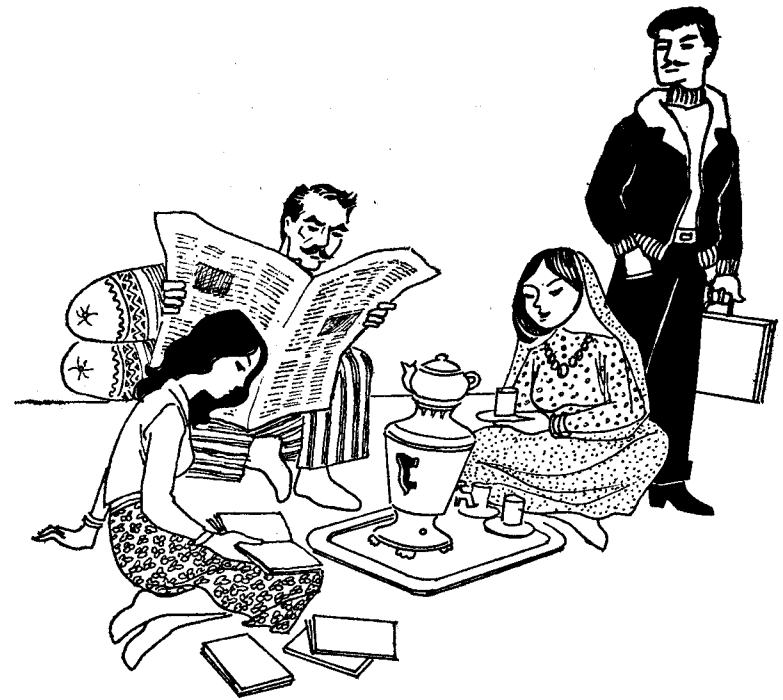
مال من	منیم
مال تو	سنین
مال او	او نون
مال ما	بیزیم
مال شما	سیزین
مال ایشان	اونلارین

کتاب من	منیم کتابیم
کتاب تو	سنین کتابین
کتاب او	اونون کتابی
کتاب ما	بیزیم کتابیمیز
کتاب شما	سیزین کتابینیز
کتاب ایشان	اونلارین کتابی

تمرین الف

این جمله‌ها را به فارسی برگردانید و پس از ما تکرار کنید:  
 بو کیمین کتابی دیر؟ این کتاب کیست؟

این	بو منیم کتابیم دیر.
.....	بو کتاب منیم دیر.
آن	او کیمین کتابی دیر.
.....	او سنین کتابین دیر؟
.....	او کتاب سنین دیر.



آلتینچی درس - تانیش اولماق

درس ششم - آشنا شدن

- بو اصغراقا توتونچی دیر.
- اونون اللی یاشی وار.
- آقای توتونچی بازنشسته دیر.
- حبیبه خانم آقای توتونچی نین آروادی دیر.
- اونلارین بیر اوغلو و بیر قیزی وار.
- اونلارین اوغلونون آدی احمد دیر.
- احمدین بیرمی بئش یاشی وار.
- احمد بیر کارخانادا ایشله بیر.
- پریچهر اونلارین قیزی دیر.
- پریچهرین بیرمی یاشی وار.
- پریچهر پرستار دیر.
- این اصغراقا توتونچی است.
- او پنجاه سال دارد.
- آقای توتونچی بازنشسته است.
- حبیبه خانم زن آقای توتونچی است.
- آنها یک پسر و یک دختر دارند.
- اسم پسر آنها احمد است.
- احمد بیست و پنج سال دارد.
- احمد در یک کارخانه کار میکند.
- پریچهر دختر آنها است.
- پریچهر بیست سال دارد.
- پریچهر پرستار است.



### شکل دوم

هنکامیکه فعل داشتن با ضمیر ملکی صرف میشود:  
 من دارم                      منیم واریمدی  
 تو داری                      سنین واریندی  
 او دارد                      اونون واریدی  
 ما داریم                      بیزیم واریمیزی  
 شما دارید                      سیزین واریزیدی (وارینیزی)  
 ایشان دارند                      اونلارین واریلیدی

### شکل سوم

هرگاه در جمله مفعول بکار برده شود چون علامت ضمیر ملکی در خود اسم مستتر است لذا علامت ضمائر در فعل حذف میگردد.

من کتاب دارم                      (منیم) کتابیم وار  
 تو کتاب داری                      (سنین) کتابین وار  
 او کتاب دارد                      (اونون) کتابی وار  
 ما کتاب داریم                      (بیزیم) کتابیمیز وار  
 شما کتاب دارید                      (سیزین) کتابیز وار  
 ایشان کتاب دارند                      (اونلارین) کتابلاری وار

### تذکر

در هنگام تأکید، ضمائر ملکی منیم و سنین و غیره را میتوان قبل از کلمه مضاف بکار برد.

منیم واقتیم یوخلور.                      من وقت ندارم.  
 سنین حوصلن وار!                      تو حوصله داری!

ضربالمثلها: پایان شب سیه سپید است!  
 آتاسوزلری: قاراگونین آغگوننی دهوار!

بو اکیرین کتابی دیر؟  
 یوخ، بو اکبرین کتابی دگیل.  
 پس بو کیمین کتابی دیر؟  
 بو علی نین کتابی دیر.

### تمرین ب

به پرسشهای زیر به ترکی جواب منفی بدهید:

بو کیمین کی دیر؟                      این مال کیست؟

بو معلمین کتابی دیر؟  
 بو اتاقین چراغی دیر؟  
 بو منیم دفتریم دیر؟  
 بو سنین مدادین دیر؟  
 بو اونون ماشین دیر؟  
 بو طاهره نین شالی دیر؟  
 بو بیزیم مدرسه دیر؟  
 بو انلارین باغی دیر؟  
 بو سیزین جورابیز دیر؟

### تذکر

همانطور که در درس اول متذکر شدیم از پسوند (دی) و (دیر) میتوان بطور یکسان استفاده کرد.

صرف فعل داشتن در زمان حال

### شکل اول

واریمدی                      دارم  
 واریندی                      داری  
 واریدی                      دارد  
 واریمیزی                      داریم  
 واریزیدی (وارینیزی)                      دارید  
 واریلیدی                      دارند



## یثدینجی درس - گوروش

درس هفتم - دیدار

- محمد - سلام، کیشی هاردا سان؟  
چو خدان دیرسنی گوژ ممیشم.  
عقیل - گتتمیشدیم شیرازا.  
م - ایندی نه ائله بیر سن؟  
ع - کارخانادا ایشلیرم، سن نه  
ائله بیر سن؟  
م - والله من ده بازاردا چابالیرام.  
ع - دتنن آدام اولانی چاپیرام!  
م - یوخ بابام، آنجاق تومنه یدی  
قران...  
ع - بیلرم، بیلرم، پس ائله لاپ  
حلال کسبیین وار!  
م - کیشی سن ده حوصله وارها!  
محمد - سلام، آقا کجائی؟ خیلی  
وقت است تو را ندیده ام.  
عقیل - رفته بودم شیراز.  
م - حالا چه کار می کنی؟  
ع - در کارخانه کار می کنم، تو  
چه کار می کنی؟  
م - والله من هم در بازار جان  
می کنم.  
ع - بگو آدم ها را می چاپم!  
م - نه بابا، همینکه تومنی هفت  
ریال...  
ع - می دانم، می دانم، پس یک کسب  
حلال داری!  
م - مرد تو هم حوصله داری ها!

- پریچهر - سلام، منیم آدیم پریچهر  
دیر، سنین آدین نه دیر؟  
شوکت - منیم آدیم شوکت دیر.  
سنین نئجه یاشین وار؟  
پ - منیم بیرمی یاشیم وار، سن نئجه  
یاشیندا سان؟  
ش - من ده بیرمی یاشیندا یام.  
پ - سن هارالیسان؟  
ش - من اردبیلیم، سن هارالیسان؟  
پ - من خوی اهلیم.  
ش - سنین ایشین نه دیر؟  
پ - من پرستارام.  
ش - سن هاردا ایشلیرسن؟  
پ - من درمانگاهدا ایشلرم، سن ده  
پرستارسان؟  
ش - خیر من معلم.  
پ - سن هانسی مدرسه ده ایشلیر  
سن؟  
ش - من فیوضات مدرسه سینده  
ایشلیرم.  
پ - معلم لیکی سئویرسن؟  
ش - البت چوخ سئویرم و ایشیم دن  
ده چوخ راضی یام.

- پریچهر - سلام، اسم من پریچهر  
است، اسم تو چیست؟  
شوکت - اسم من شوکت است. تو  
چند سال داری؟  
پ - من بیست سال دارم، تو چند سال  
داری؟  
ش - من هم بیست ساله ام.  
پ - تو اهل کجا هستی؟  
ش - من اردبیلی هستم، تو اهل  
کجا هستی؟  
پ - من اهل خوی هستم.  
ش - تو چه کار می کنی؟  
پ - من پرستارم.  
ش - تو در کجا کار می کنی؟  
ش - من در درمانگاه کار می کنم،  
تو هم پرستار هستی؟  
ش - خیر من معلم هستم.  
پ - تو در کدام مدرسه کار می کنی؟  
ش - من در مدرسه ی فیوضات کار  
می کنم.  
پ - معلمی را دوست داری؟  
ش - البته خیلی دوست دارم و از  
کارم هم خیلی راضی هستم.

چند	نتجه
در کجا	هارادا، هاردا
کجائی	هارداسان
اهل کجا	هارالی
اهل کجا هستید	هارالیسین
کدام	هانسی
مرد	کیشی
شوهر	ار
همینکه	آنچاق
می‌دانم	بیلیرم
تکیه کلام است و به معنای کاملاً	لاپ
و واقعاً بکار برده میشود	
مادر	آنا
پدر	آتا
برادر	قارداش
خواهر	باجی
در، پیش	ده

این پرسش‌ها را پس از ما تکرار کنید و به آن به ترکی جواب بدهید:

- سنین آدین نه دیر؟
- سنین نتجه یاشین وار؟
- سن هارالی سان؟
- سن هاردا ایشلیرسن؟
- سن بازاردا ایشلیرسن؟
- سنین آرواردین وار؟
- سنین ارین وار؟
- سنین اوشاغین وار؟
- سنین نتجه دانا اوشاغین وار؟
- سنین آنان وار؟
- اونون آدی نه دیر؟
- سنین آتان وار؟
- اونون آدی نه دیر؟

- سنین قارداشین وار؟
- سنین نتجه قارداشین وار؟
- سنین باجین وار؟
- سنین نتجه دانا باجین وار؟
- سنین پولون وار؟
- وار وار!
- نه قدر؟
- بیر آتبار!

این جمله‌ها را به فارسی برگردانید:

- بو منیم کتابیم دگیل، منیم کتابیم هانی؟ منیم کتابیم هاردا دیر؟
- سنین کتابین کلاسدا دیر.
- او سنین کتابین دیر. سنین نتجه کتابین وار؟
- منیم آلتی کتابیم وار.
- سنین کتابلارین کیف ده دیر.
- منیم کیفیم کیم ده دیر؟
- سنین کیفین من ده دیر.

ضرب‌المثلها: يك دست صدا ندارد.  
آتاسوزلری: تك الدن سس چيخماز.



## سگگیزینجی درس - یادی خیر اولسون

درس هشتم - یادش بخیر

- عمه قزی - نه قشنگت عکسلر دیلر،  
بوکیمدیر؟ پریچهر دیر؟  
حبیبه خانم - بلی، بوقیزیم پریچهر  
دیر.  
ع - بوکیمدیر؟  
ح - تانیمیرسان؟ بواریم اصغراقا  
دیر.  
ع - یازیخ عجب قوجا لپیدیر،  
بونلار کیمدیلر؟  
ح - بونلار همای خانیمین  
اوغلانلاری دیلار.  
ع - بونلار کیمدیلر؟  
عمه قزی - چه عکس‌های قشنگی  
هستند، این کیست؟ پریچهر است؟  
حبیبه خانم - بله این دخترم پریچهر  
است.  
ع - این کیست؟  
ح - نمی‌شناسی؟ این شوهرم اصغراقا  
است.  
ع - بیچاره عجب پیر شده است،  
اینها کیستند؟  
ح - اینها پسرهای همای خانم هستند.  
ع - اینها کیستند؟

- ح - تانیمیرسان؟ خوب بو منم، او  
داسن سن‌دا.  
ع - واء، بو نه‌عکس دیر؟ من هاواخ  
بو شکله‌یم، سن ماشاءاله چوخ  
یاخشی دوشموسن، دوغوردان  
ایندی اصغراقا نه ایش‌گورور؟  
ح - قرار دیر بیر معامله ایچون  
اردبیلله گنده.  
ع - ها واخ گنده جک‌دیر؟  
ح - گلن هفته گنده جک دیر.  
ع - الله خئیر وئرسین.  
ح - انشاء‌الله.  
ح - نمیشناسی؟ خوب این منم، آن‌هم  
توئی دیگر.  
ع - وا این چه عکسی است؟ من کی  
این شکلی‌ام، تو ماشاءاله خیلی  
خوب افتاده‌ای.  
راستی حالا اصغراقا چه کار  
میکند؟  
ح - قرار است برای معامله‌ای به  
اردبیل برود.  
ع - کی می‌رود؟  
ح - هفته آینده خواهد رفت.  
ع - خدا خیر بدهد.  
ح - انشاء‌الله.

لغت‌های درس تازه:

بیچاره	یازیق
خوب	یاخشی
آینده	گلن
عروس	گلین
داماد	کورکن
باشد	السون
پیر	قوجا
زیاد	چوخ
حالا	ایندی
سیب	آلما
خدا خیر بدهد	الله خئیر وئرسین

افعال تازه‌ی درس:

نمی‌شناسی	تانیماق، تانیمیرسان
پیر شده است	قوجالماق، قوجالپیدی
برود	گتتمک، گنده
خواهد رفت	گنده جک دیر

شما جوان هستید  
ایشان جوان هستند

سبز جوانسبز  
اونلار جوانديلار

صرف فعل پير بودن در زمان حال

توجه داشته باشید که چون کلمه قوجا (پير) به مصوت ختم شده است در اول شخص مفرد و جمع يای میانجی بکار برده میشود.

من پيرم	من قوجا يام
تو پيري	سن قوجاسان
او پير است	او قوجادير
ما پير هستيم	بیز قوجاييق
شما پير هستید	سبز قوجاسبز
ایشان پير هستند	اونلار قوجاديلار

به این پرسشها به ترکی جواب بدهید:

- سنين آتان وار؟
- سنين آنان وار؟
- سن هارالي سان؟
- کيمين اري وار؟
- کيمين آروادي وار؟
- کيمين اوشاغی وار؟

شمارش اعداد از يك تا ده:

- بیر (۱) - ايکی (۲) - اوچ (۳) - دؤرت (۴) - بشش (۵) - آلتی (۶) -
- يئددی (۷) - سکگیز (۸) - دوققوز (۹) - اون (۱۰).

دوشمك، دوشموسن  
ديشيلمك، ديشيليب دی  
نه ایش گؤرور

افتاده ای  
عوض شده است  
چه کار میکند

فعل معین (ایمك)

زمان حال فعل بودن «ایمك» شکل مستقل ندارد و فقط به صورت پیوند-های فعلی به آخر بسیاری از کلمه های وصفی اضافه شده و حالت فعلی زمان حال آنها را بوجود می آورد.  
تذکر: چون در این کتاب شرح تمام اشکال و وجوه مختلف فعل معین بودن مقدور نیست لذا برای آگاهی بیشتر به صفحه ۱۳۶ کتاب مبانی دستور زبان آذربایجانی رجوع کنید.

صرف فعل بودن «ایمك» در زمان حال

من وارام	من هستم
سن وارسان	تو هستی
او واردی	او هست
بیز واریک	ما هستیم
سبز وارسبز	شما هستید
اونلار وار ديلار	ایشان هستند

منم	منم
سن سن	توئی
اودور - اودی - اودیر	اوست
بیزیک	مائیم
سبز سبز	شمائید
اونلار ديلار	ایشانند

صرف فعل جوان بودن در زمان حال

من جوانام	من جوان هستم
سن جوانسان	تو جوان هستی
او جوان دی (دور)	او جوان است
بیز جوانیک	ما جوان هستیم



## دو ققوزونجی درس - گاراژین دفترینده

### درس نهم - در دفتر گاراژ

آقای توتونچی - خانم، لطفاً بپردازان  
 بلیط وترین.  
 آقای توتونچی - خانم لطفاً يك بلیط  
 بدهید.  
 خانم بلیط فروش - آقا، با این عجله  
 به کجا میروید؟  
 آ - به اردبیل.  
 خانم بلیط فروش - آقا، بلیط فروش - آقا با این عجله  
 هارا گنڈیرسیز؟  
 آ - نه گون گنڈیرسیز؟  
 آ - ائله بو گون.  
 آ - ائله بو گون.  
 خانم بلیط فروش - آقا، بلیط وترین.  
 آ - عیبی یوخدر، وترین، نئچه  
 اولار؟  
 آ - عیبی یوخدر، وترین، نئچه  
 اولار؟  
 آ - عیبی یوخدر، وترین، نئچه  
 اولار؟

ب - ییرمی بشش تومن.  
 آ - بویوروز، بشش، اون، اونبشش،  
 ییرمی، بودا ییرمی بشش.  
 ب - ساغ اولون.  
 آ - اوتوبوس نه ساعاتده حرکت  
 ائدیر؟  
 ب - ساعات ایکیده بوردان حرکت  
 ائدیر.  
 آ - ساعات نئچهده اردبیله یئتیشیر؟  
 ب - بشش ساعات گونورتادان سورا.  
 آ - ساغ اولون خداحافظ.  
 ب - خداحافظ، سفریز خوش.  
 ب - بیست و پنج تومان.  
 آ - بفرمائید، پنج، ده، پانزده،  
 بیست اینهم بیست و پنج تومان.  
 ب - متشکرم.  
 آ - اوتوبوس ساعت چند حرکت  
 می کند؟  
 ب - ساعت دو از اینجا حرکت میکند.  
 آ - ساعت چند به اردبیل میرسد؟  
 ب - ساعت پنج بعد از ظهر.  
 آ - متشکرم، خداحافظ.  
 ب - خداحافظ و سفر بخیر.

### لغتھا و افعال تازمی درس

بو عجله بینن  
 بو گونه  
 دالی  
 بوردان  
 گونورتا  
 گونورتادان سورا  
 آماق، آمازلار  
 حرکت ائتمک، حرکت ائلیر یا ائدیر  
 با این عجله  
 برای امروز  
 عقب  
 از اینجا  
 ظهر  
 بعد از ظهر  
 نمی خرنند  
 حرکت می کند

\* صرف فعل و ثرمک (دادن) در زمان گذشته  
 من وئردیم  
 سن وئردین  
 او وئردی  
 بیز وئردیک  
 سیز وئردیز  
 اونلار وئردیلر  
 من دادم  
 تو دادی  
 او داد  
 ما دادیم  
 شما دادید  
 ایشان دادند

وئر  
 وئرمه  
 بده  
 نده

وثرین  
وثرمهیین

بدهید  
ندهید

من گئدیرم  
سن گئدیرسن  
او گئدیر  
بیز گئدیریک  
سبز گئدیرسبز  
اونلار گئدیرلر

من میروم  
تو میروی  
او میرود  
ما میرویم  
شما میروید  
ایشان میروند

صرف فعل آلماق (خریدن و گرفتن) در زمان گذشته  
من آلدیم  
سن آلدین  
او آلدی  
بیز آلدیک  
سبز آلدیز  
اونلار آلدیلار

بخر  
نخر  
بخرید  
نخرید

آل  
آلما  
آلین  
آلمیین

من وئریرم  
سن وئریرسن  
او وئریر  
بیز وئریریک  
سبز وئریرسبز  
اونلار وئریرلر

صرف فعل وئریمک (دادن) از گروه اول در زمان حال

من میدهم  
تو میدهی  
او میدهد  
ما میدهیم  
شما میدهید  
ایشان میدهند

صرف فعل وورماق (زدن) از گروه دوم در زمان حال

من وورورام  
سن وورورسان  
او وورور  
بیز ووروریک  
سبز وورورسبز  
اونلار وورورلار

من میزنم  
تو میزنی  
او میزند  
ما میزنیم  
شما میزید  
ایشان میزنند

\* قاعده‌ی صرف فعل در زمان حال

در زبان ترکی آذری برای ساختن زمان حال ابتداء با توجه به مصوت اصلی ریشه فعل پیوند «ایر» یا «اور» را به ریشه فعل اضافه کرده و سپس با افزودن پیوندهای شخصی (آم - ام) (سان، سن) (ایق، ایک) (سینیز)، (لار، لر) فعل را صرف میکنیم.

گروه اول - به افعال زیر پیوند ایر اضافه میشود  
گلمئک، گئتمک، وئریمک، گئیریمک (آمدن - رفتن - دادن - گفتن - آوردن)  
آلماق - تانیماق - آپارماق (خریدن - شناختن - بردن)

گروه دوم - به افعال زیر پیوند «اور» اضافه میشود.  
سوپورمک - اولمک - نوشمک - قویماق - وورماق (جارو کردن - مردن - افتادن - گذاشتن - زدن).

تذکر

در بعضی موارد بنا بر ضرورت هماهنگی، حرف صامتی عوض میشود مثل گئتمک که ریشه آن گئت است ولی در هنگام صرف حرف «ت» به «د» تغییر مییابد.

\* برای اطلاع بیشتر به صفحه ۱۳۰ کتاب مبانی دستور زبان آذری مراجعه شود.

این جمله‌ها را به فارسی برگردانید.

۱- احمدین نئچه یاشی وار!

۲- احمد هاردا ایشلر؟

۳- گلن هفته حسن گئده جکدیر تبریزه.

۴- ترن نه ساعاتدا تهرانا حرکت آئدیر؟

۵- ترن نه ساعاتدا تهرانا یتیشیر؟

۶- سن بو کیشی نی تانیمیرسان؟

- این جمله‌ها را به ترکی برگردانید:
- ۱- من سه کیلو سیب خریدم.
  - ۲- او چه خرید؟
  - ۳- او کی از بازار آمد؟
  - ۴- من کتاب دارم، تو هم کتاب داری؟
  - ۵- نه من کتاب ندارم.
  - ۶- این پاکت‌ها را زود بگیر، مال من نیست.

شمارش اعداد از ده تا بیست:

- اون (۱۰) - اون بیر (۱۱) - اون ایکی (۱۲) - اون اوچ (۱۳) - اون دؤرت (۱۴) - اون بئش (۱۵) - اون آلتی (۱۶) - اون یئدی (۱۷) - اون سککیز (۱۸) - اون دو ققوز (۱۹) - بیرمی (۲۰).



## اونونچی درس - اوز دگیر، آياق‌داشی دور

درس دهم - رو نیست، سنگک پا است

- |                                                                                                                       |                                                                                                                  |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| آقای توتونچی - داداش، باش<br>آپاریرسان؟                                                                               | آقای توتونچی - داداش سر می‌بری؟                                                                                  |
| آقای محبوب - اوزون باش<br>آپاریرسان، کیشی هله لوغازدا<br>اوخویور.                                                     | آقای محبوب - خودت سر می‌بری،<br>آقا حالا متلك هم می‌گوید.                                                        |
| توتونچی - داداش سن فرعی<br>خیابان‌دان، نه فرعی خیابان،<br>بیر کوچه‌دن اصلی خیابانا وارد<br>اولورسان، ترمز ائله‌میرسن؟ | توتونچی - داداش تو از خیابان<br>فرعی، چه خیابان فرعی، از يك<br>کوچه به خیابان اصلی وارد<br>می‌شوی، ترمز نمی‌کنی؟ |
| محبوب - سن نیه ترمز ائله‌مدین؟<br>مگر گؤرم‌دین من گلیرم؟                                                              | محبوب - تو چرا ترمز نکردی؟ مگر<br>ندیدی من می‌آیم؟                                                               |
| توتونچی - باشوا دونوم من اصلی                                                                                         | توتونچی - دور سرت بگردم، من در                                                                                   |

ضرب‌المثلها: ای نور چشم من بجز از کشته ندروی!  
آتاسوزلری: نه اکرسن، اونی بیچرسن!



خیاباندا سورورم.

محبوب - خیر ائله دگیل (دیور).

توتونچی - ائله دگیل پس نجه دیر؟  
هاچاننان مصدق خیابانی فرعی  
اولوپ، کوچه غضنفری اصلی؟

محبوب - بونلار هوا سوز دور،  
مقصر سن آقا.

توتونچی - من مقصرم؟ بو اوز  
اولمادی آياق داشی اولدو!

محبوب - نییه توهین ائلیرسن؟  
توتونچی - الله آتاوا رحمت ائله سین  
- گل گئدک راهنمائی اداره سینه  
تلفن ائله یك.

محبوب - صبر ائيله آقا، اوره گیوی  
نییه سیخیرسان، یاخشی منیم  
تقصیریم دی، مخارجین وئورم.  
توتونچی - داداش اولسون دا، چراغ  
سینیپ، رادیاتور ازیلیپ،  
گلگیرده کی اوزون گورورسن  
نه اولوپ.

محبوب - بونلارین هاموسی یوز  
تومنن دوزه لر بویور، بودا  
یوز تومن.

توتونچی - یوز تومنن دوزه لر،  
داداش ائله یاخشی دئدیم کی،  
اوز دگیر آياق داشی دور.

خیابان اصلی می رانم.

محبوب - خیر، آنطور نیست.

توتونچی - آنطور نیست، پس چطور  
است. از کی خیابان مصدق  
فرعی شده، کوچه غضنفری  
اصلی؟

محبوب - اینها همه حرف هوست،  
مقصر تو ای.

توتونچی - من مقصرم؟ این رو نشد  
سنگ پا شد!

محبوب - چرا توهین می کنی؟  
توتونچی - خدا پدرت را بیامزد.  
بیا برویم به اداره راهنمایی  
تلفن کنیم.

محبوب - صبر کن آقا، چرا خلقتان  
را تنگ می کنید، خوب تقصیر  
من است، مخارجش را می دهم.  
توتونچی - داداش باشد، چراغ  
شکسته، رادیاتور له شده، گلگیر  
هم که خودت می بینی چه شده.

محبوب - همه اینها را با صد تومان  
درست می کنند بفرمائید اینهم  
صد تومان.

توتونچی - با صد تومان درست  
می کنند؟ داداش خوب گفتم،  
رو نیست سنگ پا است.

مأمور - آقا، نه خبردی؟

توتونچی - سلام جناب سروان،  
یاخشی گلدیز بو آقا منی مقصر  
بیلیر.

مأمور - خواهش ائلیرم تصدیقی زی  
شخص ثالث بیمه سینی،  
ماشینوزون کارت نی گورسدین.

توتونچی - بویورون جناب سروان،  
بو تصدیق، بو شخص ثالث  
بیمه سی، بودا ماشین کارت نی.

مأمور - ماشینزی بیمه بدنه  
ائيله ییپ سیز؟

توتونچی - بلی جناب سروان  
بویوروز، بودا کارت نی.

مأمور - آقا سیزده تصدیقی زی  
گورسدین.

محبوب - جناب سروان یوخومدور  
مأمور - شخص ثالث بیمه سی

محبوب - یوخومدور  
مأمور - ماشینین کارت نی

توتونچی - یوخومدور!

لغت های تازه ی درس:

ائيله

ائيله دیر

ائيله دگیل

نجه دیر

سوز

اؤزون

اوز

آياق داشی

هاچاننان

مأمور - آقا یان چه خبر است؟  
توتونچی - سلام جناب سروان، خوب  
آمدید این آقا من را مقصر  
می داند.

مأمور - خواهش می کنم تصدیقتان  
بیمه شخص ثالث و کارت ماشین  
را نشان بدهید.

توتونچی - بفرمائید جناب سروان،  
این تصدیق، این بیمه شخص  
ثالث، اینهم کارت ماشین.

مأمور - ماشینتان را بیمه بدنه  
کرده اید؟

توتونچی - بله جناب سروان بفرمائید  
اینهم کارت.

مأمور - آقا تصدیقتان را نشان  
بدهید.

محبوب - جناب سروان ندارم.  
مأمور - بیمه شخص ثالث.

محبوب - ندارم.  
مأمور - کارت ماشین.

توتونچی - ندارم!

آنطور

آنطور است

آنطور نیست

چطور است

حرف

خودت

صورت

سنگ پا

از کی

یوخومدور	ندارم
گۆرستمک، گۆرسدین	نشان بدهید
بیلمک، بیلیر	می‌داند
دئتمک، دئدیم	گفتم
دوزلمک، دوزه لیر	درست میشود
گل گئدک	بیا برویم
تلفن ائله‌یک	تلفن بکنیم
رحمت ائله‌سین	رحمت بکند
ائلیر سن	می‌کنی
ائله‌ییب‌سین	کرده‌اید
اولوپ (دیر)	شده است
سینیب (دیر)	شکسته است
ازیلیب (دیر)	له شده است
اولدی	شد
اولسون	باشد

در درس قبلی راه ساختن زمان حال را آموختیم. اکنون با مرور آن قاعده مصدر افعال زیر را بنویسید:

وارد می‌شوی	وارد اولورسان	وارد اولماق
می‌آیم	گلیرم	.....
می‌رانم	سورورم	.....
خواهش می‌کنم	خواهش ائلیرم	.....
می‌بینی	گۆرورسن	.....

افعال زیر در زمان ماضی بصورت مثبت و منفی آمده است. پس از مرور قاعده‌ی ساختن ماضی مصدر این افعال را بنویسید:

شد	اولدی	اولماق
گفتم	دئدیم	.....
آمدید	گلدیز	.....
ندیدید	گۆرمدین	.....
نکردید	ائله‌مدین	.....
نشد	اولمادی	.....

صرف فعل بودن در زمان حال بصورت منفی

من دگیلم	من نیستم	بیز دگیلیک	ما نیستیم
سن دگیلسن	تو نیستی	سین دگیلسین	شما نیستید
او دگیل	او نیست	اونلار دگیلر	ایشان نیستند

توجه داشته باشید که در این مورد در هنگام گفتار حرف «ل» «ر» تلفظ می‌شود.

فعل داشتن در صورت منفی در زمان حال

یوخومدور	ندارم
یوخوندور	ندارد
یوخودور یا یوخودو	نداری
یوخوموزدی	نداریم
یوخونوزدی	ندارید
یوخلاری‌دی	ندارند
شکل دوم	
منیم کتابیم یوخدور	من کتاب ندارم
سنین کتابین یوخدور	تو کتاب نداری
اونون کتابی یوخدور	او کتاب ندارد
بیزیم کتابیمیز یوخدور	ما کتاب نداریم
سینین کتابیز یوخدور	شما کتاب ندارید
اونلارین کتابلاری یوخدور	ایشان کتاب ندارند

جمله‌های زیر را به فارسی برگردانید:

- او کیم‌دیر؟
- او حسن‌دیر؟
- یوخ او حسن‌دگیل.
- پس او کیم‌دیر؟
- او صمد‌دیر.
- سن کیم‌سن؟
- سن علی‌سن؟
- یوخ من علی‌دگیلم.
- پس سن کیم‌سن؟
- من جمالم

### شمارش اعداد از بیست تا سی

ییرمی بیر (۲۱) ییرمی ایکی (۲۲) ییرمی اوچ (۲۳) ییرمی دؤرت (۲۴)  
ییرمی بشش (۲۵) ییرمی آلتی (۲۶) ییرمی یندی (۲۷) ییرمی سگگیز  
(۲۸) ییرمی دوققوز (۲۹) اوتوز (۳۰).

ضرب المثلمها: کرکک چوپان نمی شود.  
آناسوزلری: قورتدان چوپان اولماز.

اونلار معلم لردیلر؟  
یوخ اونلار معلم لردگیلر.  
پس اونلار کیم لردیلر؟  
اونلار شاگرد لردیلر؟  
من شاگرد ام؟  
یوخ سن شاگرد دگیلسن.  
پس من کیم ام؟  
سن معلم سن.  
بیز ورزشکارایک؟  
یوخ بیز ورزشکار دگیلیک.  
پس بیز کیم ایک؟  
هئج، بیز معلم و شاگردیک.

این جمله ها را به ترکی برگردانید:  
آن اتوبوس به کجا می رود؟  
آن اتوبوس به بازار می رود.  
تو ظهر بیا اینجا.  
نه من وقت ندارم، خیلی کار دارم.  
من بیکار نیستم.  
پس کی می آیی.  
هیچوقت.  
بو دا اولدی سوز؟

به این پرسشها به ترکی جواب بدهید

تو ماشین داری؟  
شما صد تومان پول دارید؟  
آن آقا یک دو ریالی دارد؟  
شما اهل کجا هستید؟  
شما ترکی می دانید؟  
ترکی آسان است؟  
البته.



## اون بیرینجی درس - هر گون کته هر گون قیمة؟

درس یازدهم - هر روز کته هر روز قیمة؟

خانم - کیمة؟	خانم - کیمدی؟
آقا - زن منم در را باز کن.	آقا - آج قاپینی آرواد منم
خانم - سلام کجا بودی؟	خانم - سلام هاردایدین؟
آقا - نگو باچه مصیبتی یک بلیط پیدا کردم.	آقا - دئمه چوخ مصیبتینن بیر بلیط تاپدیم.
خانم - برای چه روزی؟	خانم - نه گونه؟
آقا - همین امروز بعد از ظهر.	آقا - ائله بوگون ناهاردان سورایا.
خانم - پسر من زود ناهار بدهم و بعد چمدان تو را حاضر کنم.	خانم - پس من تئز ناهار وئریم و سوراسنین چمدانوی حاضر ائله ییم.
آقا - ناهار چی داریم؟	آقا - ناهارانه وار؟
خانم - کته و قیمة.	خانم - کته و قیمة.

آقا - به به، هرگون کته، هرگون قیمة!	آقا - به به، هرروز کته، هرروز قیمة!
خانم - باباجان بیز گئچن هفته کته میز واریدی.	خانم - باباجان ما هفته گذشته کته داشتیم.
آقا - چوخ یاخشی تئز وئرگوراخ باشیمیزا نه گلیر.	آقا - خیلی خوب بده بخوریم هرچه بادا باد.
خانم - آقا اوتلفونا سیز جواب وئرین.	خانم - آقا به این تلفن جواب بدهید.
آقا - اوداگو زوم اوسته، الو، سلام عمه قزی، نئجه سیز، انشاءاله یاخشی اولار سیز، خیر خانم ائوده دگیر اولسون، خدا حافظ.	آقا - آنهم به روی چشمم، الو عمه قزی سلام چطورید؟ انشاءالله خوب می شوید. خیر خانم منزل نیستند، باشد، خدا حافظ.
خانم - کیمدی؟	خانم - کی بود؟
آقا - هئچ بابا عمه قیزی ییدی! باشوندان آچدیم!	آقا - هیچ عمه قزی بود، از سرت باز کردم.
خانم - چوخ ساغ اول! الله سنه عمر وئرسین!	خانم - خیلی متشکرم! خدا عمرت بده!

## لغت های تازه درس:

روز	گون
چه روزی	نه گون
برای چه روزی	نه گونه
هرروز	هرگون
امروز	بوگون
بعد	سورا
برای بعد	سورایا
برای بعد از ناهار	ناهاردان سورایا
خانه	ائو
چه	نه
چه هست	نه وار
گذشته	گئچن
خیلی خوب	چوخ یاخشی
خیلی بد	چوخ پیس
کجا بودی	هاردا ایدون

افعال تازه‌ی درس:

(آچماق) آچ  
(تاپماق) تاپدیم

بازکن  
پیدا کردم

دستور منفی کردن افعال در زبان ترکی

علامت نفی در زمان گذشته دو پیوند (مه و ما) است که بین ریشه‌ی فعل و پسوندهای زمانها و وجوه مختلف فعل قرار می‌گیرد.  
فقط هنگام منفی کردن زمانهای بسیط پسوند نفی به صورت زیر درمی‌آید:

مرم، مزسن، مز، مریک، مزسیز، مزلر  
مارام، مازسان، ماز، ماریک، مازسیز، مازلار

مثال

گلمک (آمدن) گل (بیا) گلمه (نیا) گلمدیم (نیامدم).  
گتتمک (رفتن) گتت (برو) گتتمه (نرو) گتتمدیم (نرفتم).  
وثرمک (دادن) وثر (بده) وثرمه (نده) وثرمدیم (ندادم).  
آلماق (گرفتن) آل (بگیر) آلما (نگیر) آلما دیم (نگرفتم).  
آچماق (بازکردن) آچ (بازکن) آچما (باز نکن) آچما دیم (باز نکردم).

صرف فعل گتتمت و آلماق در زمان گذشته به صورت منفی

من گتتمدیم	من نرفتم
سن گتتمدین	تو نرفتی
او گتتمدی	او نرفت
بیز گتتمدیک	ما نرفتیم
سیز گتتمدیز	شما نرفتید
اونلار گتتمدیلر	ایشان نرفتند

من آلما دیم	من نخریدم
سن آلما دین	تو نخریدی

او آلما دی  
بیز آلما دیک  
سیز آلما دیز  
اونلار آلما دیلار

او نخرید  
ما نخریدیم  
شما نخریدید  
ایشان نخریدند

علامت نفی در زمان حال دو پیوند (میرومور) است که به ریشه‌ی فعل اضافه می‌کنیم و پس از آن با افزودن پیوندهای شخصی (آم - ام)، (سان - سن)، (ایق - ایک)، (سینیز)، (لار - لر) فعل را صرف می‌کنیم.

صرف فعل (گتتمک) رفتن و (وورماق) زدن در زمان حال به صورت منفی

من گتتمیرم	من نمی‌روم
سن گتتمیرسن	تو نمی‌روی
او گتتمیر	او نمی‌رود
بیز گتتمیریک	ما نمی‌رویم
سیز گتتمیرسیز	شما نمی‌روید
اونلار گتتمیرلر	ایشان نمی‌روند

من وورمورام	من نمی‌زنم
سن وورمورسان	تو نمی‌زنی
او وورمور	او نمی‌زند
بیز وورموریک	ما نمی‌زنیم
سیز وورمورسیز	شما نمی‌زنید
اونلار وورمورلار	ایشان نمی‌زنند

این جمله‌ها را به ترکی برگردانید:

- ۱- من امروز به بازار نمی‌روم.
- ۲- آنها شب به سینما نمی‌روند.
- ۳- من روز شنبه به مدرسه نرفتم.
- ۴- صمد برای امروز بلیط نگرفت.
- ۵- شما کتابها را به من ندادید.

این جمله‌ها را پس از ما تکرار کنید و به فارسی برگردانید:

- ۱- من بلیطی اوخانیمنان آلما دیم، او آقادان آل دیم.



## اون ايکينجی درس - سفره حاضر لاشماق

درس دوازدهم - آماده شدن برای سفر

خانم - خب نه ايستيرسن آپاراسان؟  
 آقا - ايکي جوت جوراب، ايکي دانا  
 کوئنک، بير جوت الجک قويون،  
 کراوات ايسته ميرم.  
 خانم - دستمالنان حوله ده قويوم؟  
 آقا - دستمال و حوله ده قويون،  
 دوغرودان بويون شالي ياددان  
 چيخماسين.  
 خانم - بودا بويون شالي. پالتو  
 آپاريرسان؟  
 آقا - بلي پالتودا آپاريرام، هاوا  
 سويوق دي. ياخشي چمداني

خانم - خوب، چه ميخواهي بيري؟  
 آقا - دوجفت جوراب بگذار، دوتا  
 پيراهن بگذار يك جفت دستکش  
 بگذار، کراوات نميخواهم.  
 خانم - دستمال و حوله بگذارم؟  
 آقا - بله دستمال و حوله هم بگذار،  
 راستي شال کردن يادت نرود.  
 خانم - اينهم شال کردن، پالتو  
 ميبري؟  
 آقا - بله پالتوهم ميبرم - هوا سرد  
 است خب چمدان را بده من

- ۲- تترگل قاپيني آچ!  
 ۳- اوقاپيني آچما، بوپنجره ني آچ!  
 ۴- سن بليطي هارادان آلدين؟  
 ۵- سن کيمينن مدرسه يه گتدين؟

هاردان، هارا؟  
 از کجا به کجا؟  
 بوردان، اورا  
 آوردان، بورا  
 از اينجا به آنجا  
 از آنجا به اينجا  
 بازاردان، خيابانا،  
 خياباندان، سينمايا،  
 سينمادان، مدرسه يه،  
 مدرسه دن، کيلاس،  
 کيلاسدان، باغا  
 باغدان، داغا (به کوه)  
 داغدان، داغا .....

حالا به يك شعر ساده و زيباي ترکي گوش کنيد:

### سحر سحر

داغ داليندان گونش گولر  
 يا ماجالاردا قوزو ملر  
 جيران قاچيب سوييا گلر  
 بيزيم يترده سحر سحر

چايلار آخار داشدان، داشا  
 آل گيبير چول باشدان، باشا  
 قوشلار قونار داشدان، داشا  
 بيزيم يترده سحر سحر

خورشيد از پشت کوه مي خندد  
 در دامنه کوه گله بيع بيع مي کند  
 آهو به سوي برکه مي دود  
 در ديار ما هر صبحگاه

رودها مي ريزد از سنگي به سنگي  
 صحرا سرخ مي پوشد از سرتاسر  
 مرغها مي پرند از سنگي به سنگي  
 در ديار ما هر صبحگاه

(احمد جميل)

شمارش اعداد بطور ده ده تا صد  
 اون - بيرمي - اوتوز - قيرخ - الی - آتميش - يتميش - هشتاد -  
 دوخسان - يوز.

وئرمین گئدیم.

خانم - خوش گلدین، سفرین خیر اولسون.

مهمان - خوش آمدید! آقای توتونچی باسلوق یادتان نرود!

آقا - فریده خانم یوز دفعه دئمیشم منن ترکی دانیشین!

مهمان - یاخشی آقای توتونچی، خوش گلدیز، باسلوق یادتان چیخماسین.

آقا - یوخ حتما سیزه مراغا باسلوقی گتیریرم!

لغت‌های تازه‌ی درس:

- نمنه
- دوغوردان
- دانا
- ال
- بویون
- سویوق
- چوت
- کۆینک
- الچک
- بویون‌شالی

افعال تازه‌ی درس:

- ایسته‌مک، ایستیرسن
- آپارماق، آپاراسان
- قویماق، قویوم
- قویون
- یاددان چیخماق
- یادیزدان چیخماسین
- دانیشماق، دانیشین
- دئمک، دئمیشم

بروم.

خانم - خوش آمدی، سفر بخیر.

مهمان - خوش آمدید آقای توتونچی باسلوق یادتان نرود!

آقا - فریده خانم صد دفعه گفتم با من ترکی حرف بزید!

مهمان - خوب آقای توتونچی خوش آمدید باسلوق یادتان نرود.

آقا - نه حتماً برایتان باسلوق مراغه میاورم!

- چه چیز
- راستی
- دانه
- دست
- گردن
- سرد
- چفت
- پیراهن
- دستکش
- شال‌گردن

- می‌خواهی
- ببری
- بگذارم
- بگذارید
- فراموش شدن
- فراموشان نشود
- حرف بزید
- گفته‌ام

صرف فعل معین ایسته‌مک (خواستن) در زمان حال و گذشته الف:

من ایستیرم	من می‌خواهم
سن ایستیرسن	تو می‌خواهی
او ایستیر	او می‌خواهد
بیز ایستیریک	ما می‌خواهیم
سیز ایستیرسیز	شما می‌خواهید
اونلار ایستیرلر	ایشان می‌خواهند

ب:

من ایستیردیم	من می‌خواستم
سن ایستیردین	تو می‌خواستی
او ایستیردی	او می‌خواست
بیز ایستیردیک	ما می‌خواستیم
سیز ایستیردیز	شما می‌خواستید
اونلار ایستیردیلر	ایشان می‌خواستند

اکنون برای تمرین فعل ایسته‌مک را در حالت منفی صرف می‌کنیم (تذکره - پیوند نفی می، مه پس از ریشه ایسته قرار میگیرد).

من ایسته‌میرم	من نمی‌خواهم
سن ایسته‌میرسن	تو نمی‌خواهی
او ایسته‌میر	او نمی‌خواهد
بیز ایسته‌میریک	ما نمی‌خواهیم
سیز ایسته‌میرسیز	شما نمی‌خواهید
اونلار ایسته‌میرلر	ایشان نمی‌خواهند

فعل خواستن در حال متعدی

من بو دفتری ایسته‌میرم	من این دفتر را نمی‌خواهم
من او دفتری ایستیرم	من آن دفتر را می‌خواهم

فعل خواستن در حالت فعل معین

من ایستیرم تبریزه گئدم	من می‌خواهم به تبریز بروم
حسن ایستیر سیزی گؤرسون	حسن می‌خواهد شما را ببیند
بیز ایسته‌میریک بازارا گئدک	ما نمی‌خواهیم به بازار برویم

این جمله‌ها را به ترکی برگردانید:

- ۱- من این سیب را نمی‌خواهم، آن سیب را می‌خواهم.
- ۲- حسن می‌خواهد روز جمعه به تبریز برود.
- ۳- ما می‌خواهیم يك ماشین بخریم.
- ۴- این بچه سیب نمی‌خواهد بستنی می‌خواهد.
- ۵- شما این پارچه را می‌خواهید یا آن را؟
- ۶- آنها می‌خواهند مدیر مدرسه را ببینند.

این جمله‌ها را پس از ما تکرار کنید و به فارسی برگردانید:

- ۱- سن ایستیرسن کیمینن بازارا گئدسن؟
- ۲- سن بو گوشوارانی ایستیرسن یا اوساعاتی؟
- ۳- بو نه منه دی، من بو نودا ایستیرم.
- ۴- ایسته میرسن ایسته مه.
- ۵- من ایستیرم بوگون گئدم بازارا بیرجوت‌الجک‌آلام.
- ۶- من ایستیرم ائله بو ساعات گئدم اوشاغیمی گۆرم.

شمارش اعداد از صد یوز تا هزار مین

- یوز - ایک‌یوز - اوچ‌یوز - دورت‌یوز - بش‌یوز - آلتی‌یوز - یددی‌یوز -  
 سککیز‌یوز - دوققوز‌یوز - مین.  
 بیرمین - ایک‌مین - اوچ‌مین...

مین اوچ یوز اللی دوققوز،	۱۳۵۹
اون ایک‌ی مین بس یوز قیرخ اوچ	۱۲۵۴۳
اوتوز بش‌ مین ایک‌ی	۳۵۰۰۲

تمرین

این اعداد را به رقم بنویسید:

۲۵۳

۴۲۰۰

۱۳۶۰

۷۲۳۴۵

- اوتوز آلتی‌مین ایک‌ی‌یوز اون‌بش .....  
 قیرخ بش‌ مین .....  
 بیرمین دوققوز یوز هشتادبیر .....  
 اون ایک‌ی‌مین یددی یوز اللی .....

خسته نباشید!

ضرب‌المثل‌ها: هیچ بقالی نمی‌گوید که ماست من ترش است!  
 آتاسوزلری: هیچ‌کس اوژ آیرانینا ترش دئمز!





## اون او چونجی درس - آلیش و تریش

درس سیزدهم - خرید و فروش

- مشتري - حسن آقا يا خشي پنيريز وار؟  
 فروشنده - بلي خانم واريمدی  
 نه قدر ايستيرسيز؟
- م - بير ياريم كيلو پنير و تيرين،  
 بير بسته ده سوت ايستيرم،  
 ياريم كيلودا يومورتا.  
 ف - خانيم سوتوم يو خدور.  
 م - نخود لوبيا و اريزدی؟  
 ف - بلي خانيم واريمدی.  
 م - هر سين ن ن بير كيلو و تيرين،  
 حسن آقا يا خشي دوگون وار؟  
 ف - خانم يا خشي بير دوگون وار.
- مشتري - حسن آقا پنير خوب داری؟  
 فروشنده - بله خانم، چقدر می-  
 خواستید؟
- م - نیم كيلو پنير بدهيد، يك بسته  
 هم شير می خواهم، نیم كيلو  
 هم تخم مرغ.  
 ف - خانم شير ندارم.  
 م - نخود لوبيا داری؟  
 ف - بله خانم دارم.  
 م - از هر کدام يك كيلو بدهيد،  
 حسن آقا برنج خوب داری؟  
 ف - خانم برنج خوبی دارم.

م - كيلوسی نچه دير؟

ف - كيلوسو ييرمی بئش تومن دير.

م - نه خبر دير؟ ايسته ميرم چوخ  
 باها دير.

ف - بير آیری دوگون وار كيلو

سی ييرمی تومن. ايستيرسيز

اونان و تيريم؟

م - بير بئش كيلو و تير گورك.

خوب نچه اولدی؟

ف - ياريم كيلو پنير، اون تومن،

يومورتادا اون بئش تومن، ائتر

ييرمی بئش تومن، نخود لوبيه

ده اولدو ييرمی اوچ تومن،

دوگوده كه اولدو يوز تومن،

اوستواسته ائتر يوز قيرق

سكگيز تومن.

م - بويوروز، والله هر شيشی بتر

باها لاشيب دير.

ف - خانيم صبر ائله بين ياواش

ياواش انشاءاله يا خشي اولار.

م - انشاءاله، خدا حافظ،

ف - خوش گلديز.

لغت های درس تازه:

سود، سوت

دوگون، دویو

نچه

دوئن

اولار

يومورتا

آیری

اوستواسته

اولدی، اولدو

باها لاشيب دير

م - كيلونی چند است؟

ف - كيلونی بيست و پنج تومان.

م - چه خبر است؟ نمی خواهم، خیلی  
 گران است.

ف - يك برنج ديگر هم دارم كيلونی

بيست تومن، می خواهيد از آن

بدهم؟

م - پنج كيلونی بدهيد ببينم.

خوب چند شد؟

ف - نیم كيلو پنير، ده تومان،

تخم مرغ پانزده تومان می شود

بيست و پنج تومان، نخود لوبيا

هم شد بيست و سه تومان، برنج

هم شد صد تومان، روپهم

می شود صد و چهل و هشت تومان.

م - بفرمائيد، همه چيز خیلی گران

شده است.

ف - خانم صبر كنيد يواش يواش

انشاءاله درست می شود.

م - انشاءالله، خدا حافظ.

ف - خوش آمديد.

شير

برنج

چند

ديروز

می شود

تخم مرغ

ديگر

روپهم رفته

شد

گران شده است

### افعال معین یا امدادی

در زبان ترکی فعل ائتمک یا ائلمک (کردن) و فعل اولماق (شدن) به صورت مستقل بکار برده نمی شود بلکه با کمک آنها افعال مرکب را صرف می کنیم.

مثال یک - خواهش ائتمک یا خواهش ائلمک (خواهش کردن) در زمان حال (من خواهش می کنم...)

من خواهش ائدیرم (ائله بیرم)      بیز خواهش ائدیریک (ائله بیریک)  
سن خواهش ائدیرسن (ائله بیرسن)      سیز خواهش ائدیرسیز (ائله بیریز)  
او خواهش ائدیر (ائله بیر)      اونلار خواهش ائدیرلر (ائله بیرلر)

در زمان گذشته من خواهش (کردم...)

من خواهش ائتدیم (ائله دیم)      بیز خواهش ائتدیک (ائله دیک)  
سن خواهش ائتدین (ائله دین)      سیز خواهش ائتدیز (ائله دیز)  
او خواهش ائتدی (ائله دی)      اونلار خواهش ائتدیلر (ائله دیلر)

### امر

خواهش ائله، خواهش ائلمه  
خواهش ائله یین، خواهش ائله می یین

مثال دو - اولماق (شدن) ناخوش شدن در زمان گذشته (من ناخوش شدم...)

من ناخوش اولدوم      بیز ناخوش اولدوق  
سن ناخوش اولدون      سیز ناخوش اولدوز  
او ناخوش اولدی (اولدو)      اونلار ناخوش اولدولار

در زمان حال (من ناخوش می شوم...)

من ناخوش اولورام      بیز ناخوش اولوروک  
سن ناخوش اولورسان      سیز ناخوش اولورسوز  
او ناخوش اولور      اونلار ناخوش اولورلار

امر  
اول، اولما  
اولون، اولمایین

به این گفتگو گوش کنید و این جمله ها را به فارسی برگردانید:

- من دونن بیرجوت الجک آلدیم اما پشمان اولدوم.
- ناییه پشمان اولدون؟
- چونکی چوخ باها اولدی.
- نئجه اولدی؟
- اللی دورت تومن اولدی.
- ناراحت اولما، مبارکین اولسون، عیبی یوخدور.

این جمله ها را به ترکی بنویسید:

- من دیروز رفتم بازار، یک بستنی خریدم و خوردم، ناخوش شدم.
- به آن بچه بستنی نده ناخوش می شود.
- نه ناخوش نمی شود، بچه را اذیت نکن.
- پدرم خیلی عصبانی شد، من هم پشیمان شدم.
- شما قلم دارید؟ خواهش می کنم آن را به من بدهید.
- دیروز با مادرم رفتم بازار و یک جفت کفش خریدم، خیلی گران تمام شد، پشیمان شدم.
- به من انار نده، ترش است، نمی خواهم، خواهش می کنم به من نبات داغ بده.

ضرب المثلها: دیک به دیگک می گوید رویت سیاه!  
آتاسوزلری: قازان قازانا دئییر اوزون قارا!

## اون دؤردونجی درس - گرامر

### درس چهاردهم - دستور زبان

میدانید که برای فراگرفتن هرزبانی مقداری دستور زبان باید آموخت. به اصطلاح بی‌مایه فطیر است. پس با آرزوی موفقیت شما و با اجازه شما در اینجا چند تمرین دستوری می‌دهیم و سپس یک نکته دستوری را متذکر می‌شویم.

#### تمرین یک

برای تمرین آنچه که تاکنون آموخته‌اید ریشه و مصدر اول شخص مفرد و وجه امر منفی را نوشته‌ایم. شما با توجه به این نمونه‌ها این افعال را با افزودن پیوندهای مناسب ابتداء در زمان گذشته و سپس در زمان حال بصورت مثبت و منفی صرف کنید. می‌گوئید سخت است؟ نه ائله ده چتین دگیل، کوشش کنید.

حرف بز

حرف زد

حرف زدم

حرف میزنم

حرف نزن

بیر

بردن

بردم

میبرم

نبر

بگو

گفتن

گفتم

میگویم

نگو

دانش

دانشماق

دانشیدیم

دانشیرام

دانشما

آپار

آپارماق

آپاردیم

آپاریرام

آپارما

ده

دئمک

دئدیم

دئیریم

دئمه

۵۴

گتیر

گتیرمک

گتیردیم

گتیریرم

گتیرمه

بیاور

آوردن

آوردم

می‌آورم

نیاور

#### ضمائر مفعول بی‌واسطه

با ضمائر فاعلی من، سن، او، بیز، سیز، اونلار که در جواب «کیم» بکار برده می‌شود در درسهای قبل آشنا شده‌ایم. اکنون ضمائر مفعول بی‌واسطه را که از آنها در جواب که را (کیمی) استفاده می‌شود بیاموزید.

من را

منی

تو را

سنی

او را

اونو

ما را

بیزی

شما را

سیزی

ایشان را

اونلاری

از ضمائر اشاره مفعول بی‌واسطه در جواب چه را (نئی) استفاده می‌شود.

این را

بونو

اینها را

بونلاری

آن را

اونو

آنها را

اونلاری

اکنون برای تمرین بیشتر فعل دیدن را با ضمائر مفعول بی‌واسطه در زمان گذشته صرف کنید.

#### حسن کیمی گؤردو؟

حسن من را دید

حسن منی گؤردو

حسن تو را دید

حسن سنی. . . . .

حسن او را دید

حسن. . . . .

حسن ما را دید

حسن. . . . .

حسن شما را دید  
حسن ایشان را دید

حسن. . . . .  
حسن. . . . .

پری این را دید  
پری آن را دید  
پری اینها را دید  
پری آنها را دید

پری نئی گوردو؟  
پری بو نوگوردو  
پری . . . . .  
پری . . . . .  
پری . . . . .

صرف فعل (دوست داشتن) سئومك در زمان حال بصورت مثبت و سپس منفی.

من سئویرم  
سن سئویرسن  
او سئویر  
بیز سئویریک  
سبز سئویرسبز  
اونلار سئویرلر

من دوست دارم  
تو دوست داری  
او دوست دارد  
ما دوست داریم  
شما دوست دارید  
ایشان دوست دارند

من سئومیرم  
سن سئومیرسن  
او سئومیر  
بیز سئومیریک  
سبز سئومیرسبز  
اونلار سئومیرلر

من دوست ندارم  
تو دوست نداری  
او دوست ندارد  
ما دوست نداریم  
شما دوست ندارید  
ایشان دوست ندارند

این جملهها را به ترکی برگردانید:

- ۱- مادر بچه هایش را خیلی دوست دارد.
- ۲- این شاگرد مدرسه را دوست ندارد.
- ۳- عجب، چرا دوست ندارد؟
- ۴- بلکه معلمش بد اخلاق و عصبانی است.
- ۵- برعکس دوستش مدرسه را خیلی دوست دارد.
- ۶- آقای توتونچی قیمة و کتہ را دوست ندارد.
- ۷- تو قیمة و کتہ را دوست داری؟

۸- البته که دوست دارم.

این جملهها را به فارسی برگردانید:

- ۱- ناهارا نهوار؟ ریشته آشی؟ من اصلا ریشته آشی نی سئومیرم.
- ۲- اولسون، سئومیرسین کی سئومیرسن، و ئرمنه من چوخ سئویرم.  
ربابه خانم الین آهریماسین.
- ۳- نوش جان، لطیفه نین اداسی چوخ دور.
- ۴- بوگوشوارانی آل، چوخ قشنگ دیر.
- ۵- یوخ من بو گوشوارانی سئومیرم، ایستیرم بیر ساعات آم.
- ۶- مبارک اولسون، آل.

ضرب المثلها:

تا در باغ زردآلو بود سلام عليك هم بود  
تا زردآلو تمام شد سلام عليك هم تمام شد

آتاسوزلری:

باغدا اریک واریدی، سلام عليك واریدی  
باغدا اریک قوتاردی، سلام عليك قوتاردی



مینمکیدیر	مینمکیدیر
سینیکیدیر	سینیکیدیر
اونونکیدیر	اونونکیدیر
اکنون شما جمله‌های زیر را به فارسی برگردانید.	
.....	پو سیگار کیمینکی دیر؟
.....	پو سیگار مینمکیدیر.
.....	پو کیمین سیگاری دیر؟
.....	پو مینیم سیگاریم دیر.
.....	پو سینین سیگارین دیر؟
.....	پو سیگار سینین کی دیر؟

**ضمائر استفهامی**

ضمائر استفهامی در زبان ترکی آذری بر سه گونه است. کیم و کیملر؟ (چه کسی، چه کسانی) برای انسان و نه، و نهلر (چه چیز و چه چیزها) برای تمام موجودات بغیر از انسان هانسی و هانسیلار؟ (کدام و کدامها؟) که بطور اعم از آن استفاده می‌شود. ضمائر استفهامی نیز مانند اسم با قبول پیوندها صرف میشوند.

**الف - صرف ضمائر استفهامی**

حالت	که؟	چه کسانی؟	چه؟	چه‌ها؟	کدام	کدام‌ها
حالت آزاد یا فاعلی (که؟)	کیم	کیملر	نه	نهلر	هانسی	هانسیلار
حالت اضافه «ین»	کیمین	کیملرین	نهیین	نهلرین	هانسینین	هانسیلارین
حالت تأثیر «ه»	کیمه	کیملره	نهیه	نهلره	هانسینا	هانسیلارا
حالت گرایش «ی»	کیمی	کیملری	نهیی	نهلری	هانسینی	هانسیلاری
حالت تخصیص «ده»	کیمده	کیملرده	نهده	نهلرده	هانسیندا	هانسیلاردا
حالت تفکیک «دن»	کیمدن	کیملردن	نهدن	نهلردن	هانسیندان	هانسیلاردان

**ب - صرف اسم در شش حالت**

در اینجا توجه شما را به نقش صامت میانجی (ی) و (ن) که بین دو مصوت پیوند واسم قرار می‌گیرد جلب می‌کنیم.

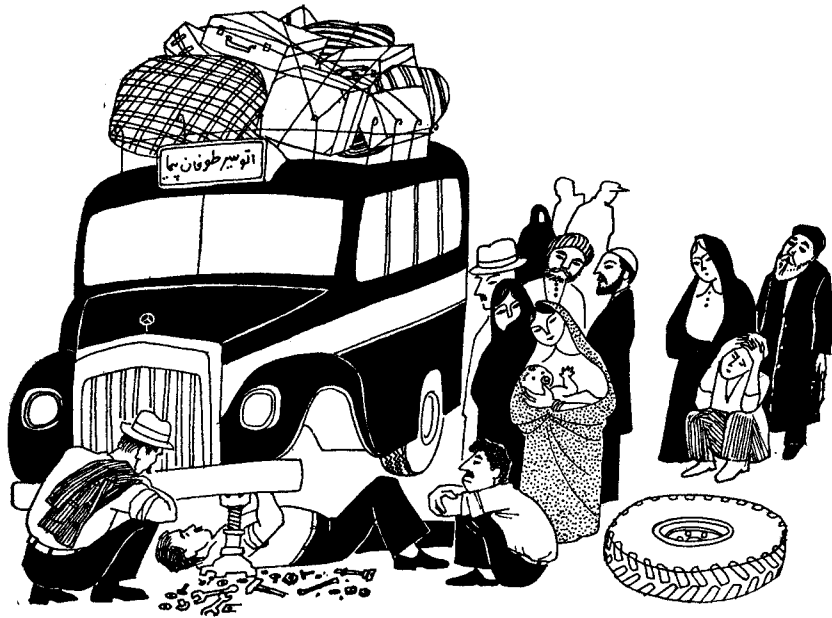
حالت	پیوند	اسم به صورت	اسم به صورت	اسم به صورت
		بیشود	بیشود	بیشود
حالت آزاد یا فاعلی	صمد	صمد	صمد	صمد
حالت اضافه (مال که)	ین، نین	صمدین	صمدین	صمدین
حالت تأثیر (به که)	ه، یه	صمده	صمده	صمده
حالت گرایش (که را)	ی، نی	صمدی	صمدی	صمدی
حالت تخصیص (پیش که)	ده، دا	صمدده	صمدده	صمدده
حالت تفکیک (از که)	دن، دان	صمددن	صمددن	صمددن

تمرین: برای تمرین تلفظ این جمله‌ها را پس از ما تکرار کنید و با استفاده از ضمائر استفهامی پرسشهای مناسب برای این جواب‌ها بنویسید:

- ۱- حسن کیمه دئدی؟ ..... ۱- حسن منه دئدی. (گفت)
- ۲- ..... ۲- بونلار حسنین کتابلاریدی (است)
- ۳- ..... ۳- حسن علی نن فاطمه نی گوردو (دید)
- ۴- ..... ۴- چائی بقالدان آلدیم (خریدم)
- ۵- ..... ۵- حسن اکبرین گتندی (رفت)
- ۶- ..... ۶- حسن اوتوبوسونان گلدی (آمد)
- ۷- ..... ۷- حسن کتابی آپاردی (برد)
- ۸- ..... ۸- حسن اونلاری وئردی (داد)

**تمرین**

- با بکار بردن این اسم‌ها به پرسشهای زیر جواب بدهید (پرویز، ربابه، هما)
- کیم گلدی؟
  - کیمنن گلدی؟
  - کیمه دئدی؟
  - کیمی گوردو؟
  - کیمده دیر؟
  - کیمدن آلدی؟
  - که آمد؟
  - با که آمد؟
  - به که گفت؟
  - که را دید؟
  - پیش کیست؟
  - از که گرفت؟



**اون آلتینچی درس - بیر شیئی دگیل دیفرانسیال سینپیدی!**  
 درس شانزدهم - چیزی نیست دیفرانسیال شکسته!

مسافر - آقا باغیشلیبیز، ساعات  
 نچه دیر؟  
 آقا توتونچی - اون بیرره قالیر  
 بیر رب.  
 مسافر - ساغ اولون پس اوچ  
 ساعاتدان سورا اردبیله  
 یتیشریک.  
 آقا توتونچی - ایندی بو آقایه  
 تعریف ائله بیردیم گئچمیشلرده  
 یعنی مین اوچ یوز اون سکگیزده  
 اون دو ققوزدا هر وقت تبریزدن  
 تهرانا یا تهران دان تبریزه  
 گئدردیک اوتوز، اوتوز سکگیز  
 مسافر - آقا ببخشید، ساعت چند  
 است؟  
 آقای توتونچی - یک ربع مانده به  
 یازده.  
 مسافر - متشکرم پس سه ساعت دیگر  
 می‌رسیم به اردبیل

- این جمله‌ها را به ترکی برگردانید
- ۱- چه کسانی آمدند؟ .....
  - ۲- تو به چه کسانی گفتی؟ .....
  - ۳- معلم چه کسانی را تنبیه کرد؟ .....
  - ۴- بلیط در کدام کیف است؟ .....
  - ۵- این کتاب را از که خریدی؟ .....
  - ۶- چه کسانی دیشب منزل شما آمدند؟ .....
  - ۷- تو کدام‌ها را می‌خواهی؟ .....
  - ۸- او کدام را دوست دارد؟ .....

هنگام منفی کردن فعل (وثرمک) در زمان گذشته پیوند «م» پس از ریشه یعنی «وثر» و در زمان حال پیوند «می» پس از ریشه قرار می‌گیرد. اکنون شما فعل (وثرمک) را در زمان گذشته و حال بصورت منفی صرف کنید.

من وثرمیرم	من وثرمدیم
سن .....	سن .....
او .....	او .....
بیز .....	بیز .....
سیز .....	سیز .....
اونلار .....	اونلار .....

ساعات چکری.

مسافر - اوتوز سگکیز ساعات؟

آقای توتونچی - بلی، باشیز ایچون، اوتوز، اوتوز سگکیز ساعات اودا بیر صورتده کی ماشین سینماییدی.

بیردفعه یادیمدا دیر تبریزدن تهرانا گئدیردیک قره چمنین یاخین- لیغیندا شوفر ماشینی ساخلادی، بالام نه اولوپ؟

شاگرد شوفر دندی ناراحت اولمایین بیرزاد دگیل دیفرانسیال سینیددی!

لغت‌های تازه‌ی درس:

قالیر

رب

اودا

یاخین

یاخین لیغیندا

باشیز ایچون

بیر صورتده کی

گئچیپ

گئچمیشلرده

کالیب

فعل‌های تازه‌ی درس:

باغیشلاماق، باغیشلییز

(سینماق) سینماییدی

سینیددی

یاددا اولماق، یادیمدا دیر

یئتیشمک، یئتیشریک

طول می‌کشید.

مسافر - سی و هشت ساعت؟

آقای توتونچی - بله به سرتان قسم سی، سی و هشت ساعت آنهم در صورتی که ماشین عیب نمی‌کرد.

یکدفعه یادم است از تبریز به تهران می‌رفتیم نزدیکهای قره چمن شوفر ماشین را نگاه داشت بابا چی شده؟

شاگرد شوفر گفت ناراحت نشوید چیزی نیست دیفرانسیال شکسته!

مانده است

رب

آنهم

نزدیک

در نزدیکهای

به سرتان قسم

در صورتی که

گذشته

در زمان‌های گذشته

مانده

ببخشید

نمی‌شکست

شکسته است

یادم است

می‌رسیم

تعریف‌ائله‌مک، تعریف‌ائله بیردیم  
ساخلاماق، ساخلادی  
ناراحت اولماق، ناراحت اولمایین  
تعریف می‌کردم  
نگاه داشت  
ناراحت نشوید

عبارت‌های مربوط به زمان

بهار

یای

پاییز

قیش

گئجه یاریسی اولوپ

گونورتا اولدی

آغشام اولدی

ایندی گونور تادان سورا دیر

ایندی گونور تادان قاباق دیر

بیررب قالیر اوچه

اوچه قالیر بیررب

آلتی دان گئچیپ اون دقیقه

ساعات اون یکی دیر

ناهار وقتی دیر، درسی گوتارین

بهار

تابستان

پاییز

زمستان

نصف شب شد

ظهر شد

غروب شد

حالا بعد از ظهر است

حالا قبل از ظهر است

یک ربع مانده است به سه

به سه مانده یک ربع

از شش گذشته ده دقیقه

ساعت دوازده است

وقت ناهار است درس را تمام کنید

گون (روز)

ایسراگون (پریروز) - دونن (دیروز) - بوگون (امروز) - صاباح

(فردا) - صاباحدان سونرا (پس‌فردا)

گئجه (شب)

ایسراگئجه (پریشب) - دونن گئجه (دیشب) - بوگئجه (امشب) -

صاباح گئجه (فرداشب) -

ایل (سال)

گئچن ایل (پارسال) - بوایل (امسال) - گلن ایل (سال آینده)

آی (ماه)

گئچن آی (ماه گذشته) - بو آی (این ماه) - گلن آی (ماه آینده)

هفته (هفته)

گئچن هفته (هفته گذشته) - بو هفته (این هفته) - گلن هفته (هفته‌ی آینده)



تمرین: قاباق، سونرا، قالمیش، گنچمیش

اوچ آی بوندان قاباق  
دورت ایل بوندان سونرا  
بشش گون بوندان قاباق  
اوچ هفته باهارا قالمیش  
ایکی آی قیشدان گنچمیش  
بیرگون عمرمون آخرینه قالمیش

سه ماه قبل از این  
چهار سال بعد از این  
پنج روز قبل از این  
سه هفته مانده به بهار  
یک ماه از زمستان گذشته  
یک روز به آخر عمرم مانده

اسم روزهای هفته و اسامی ماهها در زبان ترکی و فارسی یکیست

عبارت‌های مربوط به زمان را بخوانید و به پرسشها جواب بدهید.

بو ایل نه ایلدیر؟  
ایندی گنجه دیر؟  
ایندی گونوزدور؟  
بو آی نه آی دیر؟  
گلن آی نه آیدیر؟  
گنچن آی نه آیی دیر؟  
ایندی ساعات نئچه دیر؟  
بوگون نه گون دیر؟  
بوگون شنبه دیر؟  
نئچه گون قالیپ جمعه یه؟  
نئچه گون جمعه دن گنچپ؟

این ساعت‌ها را به ترکی بنویسید:

ساعت چهار و ربع است  
یک ربع مانده به شش  
هشت و بیست دقیقه است  
ده دقیقه مانده به هفت  
ساعت پنج و نیم است  
حالا ظهر است

.....  
.....  
.....  
.....  
.....  
.....

حالا نصف شب است

از پنج ده دقیقه گذشته است  
به هفت مانده پنج دقیقه  
این جمله‌ها را به ترکی بنویسید

.....  
.....  
.....

امروز شنبه دوازدهم ماه است. فردا یکشنبه سیزدهم ماه است.  
دیروز جمعه یازدهم ماه بود. ماه آینده خردادماه است.  
سال آینده سال ۱۳۶۱ است. دو ماه دیگر مدرسه‌ها تعطیل می-  
شود.  
ماه گذشته فروردین ماه بود. در تابستان مدرسه‌ها تعطیل است.  
در زمستان هوا سرد است. در بهار هوا ملایم است.

تمرین دستوری:

خاطرتان هست که برای منفی کردن فعل در زمان گذشته، متناسب با  
مصوت ریشه‌ی فعل پیوند «ما» یا «مه» و در زمان حال پیوند «می» یا  
«مو» اضافه می‌کردیم. اکنون اول افعال زیر را به صورت منفی بنویسید  
و سپس برای هر یک، یک جمله بسازید:  
آل - گئتدی - آلدیم - دئدیک - گلدیلر - دیر - ایستیرم - ناخوش  
اولدوم - واریمدی - اولدو - وئردیلر

مثال:

آل: منه بیر جوت جوراب آل!  
آلما - من شال ایسته‌میرم، منه شال آلما.

ضرب‌المثلها: شیره خریده‌ام، مربا درآمده!  
آتالارسوزی: دوشاب آلمیشیق، مربا چیخیب!



## اون یئدینجی درس - قهوه خانادا

درس هفدهم - در قهوه خانه

شاگرد راننده - آی بالام تتز یئنون  
چای ایچمک ایچون بیر رب  
وقتیز وار.  
خانم مسافر - آقا نه خبر دور باش  
آپاریرسان؟ آن قالمیشدی  
یخیلام.  
مسافر - داداش بیزه بیر تازه دم چای  
وئر.  
قهوهچی - بیوروز آقا!  
خانم مسافر - واه واه بودا اولدی  
چای؟ یوز رحمت حوض سوونا،  
منه بیر لیوان ایستی سوت وئر.  
شاگرد راننده - زودتر پیاده شوید  
یک ربع برای چای خوردن  
فرصت دارید.  
خانم مسافر - آقا چه خبره سر  
میبرید؟ کم مانده بود بیفتم.  
مسافر - داداش یک چای تازه دم به  
ما بده.  
قهوهچی - بفرمائید آقا.  
خانم مسافر - واه واه این هم شد  
چای صد رحمت به آب حوض،  
به من یک لیوان شیر داغ  
بدهید.

قهوهچی - سیزه نهوریم؟  
خانم مسافر - دئدیم بیر لیوان  
ایستی سوت!  
مسافر دیگر - باغیشلییون آقا اجازه  
وار سیزین یانیزدا اوتورام؟  
مسافر - بیوروز آقا.  
مسافر دیگر - سیزده آستارایا  
تشریف آپاریرسیز؟  
مسافر - خیر آقا من اردیبیله  
گئدیرم. داداش بیزیم حساب  
نئچه اولدی؟  
قهوهچی - آقا قوناق اولون، چایی  
پولو اولدو بیر تومن، سوتون  
پولودا اولدی اون بئش قران  
مسافر - خانمین حسابی آیری دیر  
شاگرد راننده - آی بالام تتز اولون  
گئج اولدی!  
خانم مسافر - نه خبر دور، قویمورلار  
آدام بیر ایستکان سوت راحت  
ایچه!

لغت های تازه ی درس:

بچه	بالا
جدا	آیری
آب	سو
داغ، گرم	ایستی
زود	تتز
زود باشید	تتز اولون
کمی	آن، آنجا
پیش شما	یانیزدا

قهوهچی - به شما چه بدهم؟  
خانم مسافر - گفتم یک لیوان شیر  
داغ.  
مسافر دیگر - ببخشید آقا اجازه  
هست پیش شما بنشینم؟  
مسافر - بفرمائید آقا.  
مسافر دیگر - شما هم به آستارا  
تشریف میبرید؟  
مسافر - خیر آقا من به اردبیل  
میروم. داداش حساب ما چند  
شد؟  
قهوهچی - مهمان ما باشید پول چای  
شد یک تومان پول شیر هم  
شد پانزده ریال.  
مسافر - حساب خانم جدا است.  
شاگرد راننده - بچه ها زود سوار  
شوید دیر شد.  
خانم مسافر - چه خبره نمی گذارند  
آدم با دل راحت یک استکان  
شیر بخورد!

یثنمک، یثنون  
بیخیلمان، بیخیلام  
ایچمک

پیاده شوید  
بیقتم، زمین بخورم  
نوشیدن

صرف اسم با پیشوند یان (نزد یا پیش)

یانیمدا	نزد من
یانیندا	نزد تو
یانیندا	نزد او
یانیمیزدا	نزد ما
یانیبیزدا - یانیزدا	نزد شما
یانلاریندا	نزد ایشان

ضمائر شخصی با گرفتن پیوندها حالت تأثیر می‌گیرند، به که؟

منه	به من
سنه	به تو
اونا	به او
بیزه	به ما
سیزه	به شما
اونلارا	به آنها

ایچون - برای

در زبان ترکی آذری کلمه‌ی «ایچون» معادل کلمه‌ی «برای» در زبان فارسی است و پس از ضمائر ملکی بکار برده میشود.

منیم ایچون	برای من
سنین ایچون	برای تو
اونون ایچون	برای او
بیزیم ایچون	برای ما
سیزین ایچون	برای شما
اونلار ایچون	برای ایشان

تمرین:

- درس را بخوانید و زیر ضمائر شخصی در حالت تأثیر يك خط بکشید.  
- جمله‌های زیر را بخوانید و با گذاشتن ضمائر شخصی مناسب آن را کامل کنید.

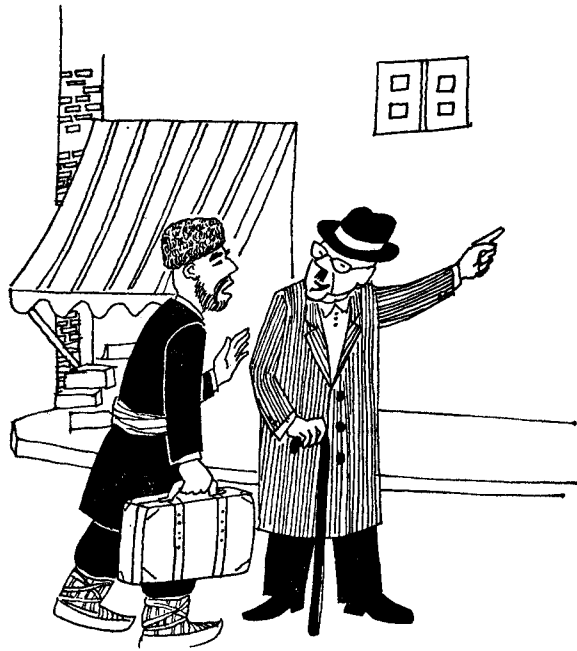
..... او نوگئوردون؟ تو او را دیدی؟  
کیم ..... دئدی بورا گلسن؟ که به تو گفت بیائی اینجا؟  
هئج کیم ..... مجبور ائله‌مدی. هیچکس تو را مجبور نکرد.  
..... کیم ووردو؟ او را که زد؟  
باپام بونو ..... آلییدی. پدرم این را برای ما خرید.  
من بونو ..... آلدیم. من این را برای تو خریدم.

این جمله‌ها را به ترکی برگردانید:

- آن کتاب را به من بده.  
- این کتاب کیست؟  
- اصغر آقا چه زود آمد.  
- من دفتر دارم اما مداد ندارم.  
- صد دفعه بتو گفتم آنجا نرو.  
- امروز بعداز ظهر به سلمانی برو.  
- جوینده یابنده است.  
- من این میز را نمی‌خواهم.  
- تو این بلوزها را می‌خواهی؟  
- نه من آنها را نمی‌خواهم.  
- این سیگار مال شماست؟  
- برای من يك سیگار بخر.  
- حسن برای تو يك استکان چای آورد.  
- مادرم برای شما ناراحت شد.

به این گفتگو گوش کنید و آن را به فارسی برگردانید:

- سن بو دویونو هاردان آلدین؟  
- اکبر آقادران آلدیم.  
- کیلوسینی نئچی یه آلدین؟  
- چوخ باها، کیلوسی بیر می‌بشش تومنه آلدیم.



اون سگگیزینجی درس - نئجه گنده بیلرم؟  
درس هجدهم - چطور می توانم بروم؟

- |                                                          |                                                             |
|----------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------|
| مسافر - آقا بیخشید، چطور می توانم<br>به هتل آستارا بروم. | مسافر - آقا باغیشلییز آستارا<br>هتلی نه نئجه گنده بیلرم؟    |
| رهگذر - با اتوبوس یا با تاکسی<br>می توانید بروید.        | رهگذر - اتوبوس ایله ویا تاکسی ایله<br>گنده بیلرسیز.         |
| - تاکسی چند می برد؟                                      | - تاکسی نئجه یه آپارار؟                                     |
| - یک تومن می برد.                                        | - بیر تومنه آپارار.                                         |
| - اتوبوس چند می برد؟                                     | - اتوبوس نئجه یه آپارار.                                    |
| - دو ریال، اما دور است شما با<br>تاکسی بروید.            | - ایکی قرانا آپارار، اما اوزاقدیر،<br>سیز تاکسی ایله گئدین. |
| - تاکسی، راهتان به هتل آستارا<br>می خورد؟                | - تاکسی، یولوژ آستارا هتلی نه<br>ییر؟                       |
| راننده - بله بفرمائید.                                   | راننده - بلی بویوروز.                                       |

- اودویونی کیم ایچون آلدین؟
- اونو باجیم ایچون آلدیم.
- ایستیرسن سنه ده آلم؟
- یوخ، ساغ اول، من ایسته میرم، بیزیم دوگوموزوار.
- خوش حالیزا!

این جمله ها را به ترکی برگردانید:

- تو چمدانت را به که دادی؟
- حسن چمدانش کجاست؟
- که از مدرسه به خانه رفت؟
- زود باشید، دیر شد ساعت نه شد.
- تو به من چه گفتی؟
- من به تو گفتم برای من از بازار سه کیلو سیب بخر.
- من نمی خواهم به مدرسه بروم.
- خیلی کار دارم باید زود بروم.

شعری از حکیم لملی:  
غریبال چون اندر حرکت هرج و مرج اولار  
باخما او هرج و مرجه، آریتماق خیالی وار!

یتمك، یییر  
گلمك، گلیرسین  
گلیپسین  
می خورد  
می آید  
آمده آید

فعل بیلیمك (دانستن و توانستن)

فعل بیلیمك به دو صورت یكار برده میشود.

۱- به معنای دانستن و بلد بودن، من می دانم...  
من بیلیرم  
سن بیلیرسن  
او بیلیر  
بیز بیلیریک  
سین بیلیرسین  
اونلار بیلیرلر

۲- بصورت فعل معین یا امدادی توانستن

در این صورت فعل اصلی در حالت صفت مفعولی می آید و فعل معین بیلیمك صرف می شود.

الف - در زمان گذشته، من توانستم بروم...

من گنده بیلدیم  
سن گنده بیلدین  
او گنده بیلدی  
بیز گنده بیلدیک  
سین گنده بیلدین  
اونلار گنده بیلدیلر

ب - در زمان حال، من می توانم بروم...

من گنده بیلیرم  
سن گنده بیلیرسن  
او گنده بیلیر  
بیز گنده بیلیریک  
سین گنده بیلیرسین  
اونلار گنده بیلیرلر

پ - برای منفی کردن فعل علامت نفی به فعل معین اضافه می شود.

من نتوانستم بروم  
او نمی تواند برود  
من گنده بیلمدیم  
او گنده بیلمیر

اکنون این افعال را صرف کنید

- زحمت اولماسا بو یوکوده  
گویون تاکسییه، ساغ اولون،  
الیز آغری ماسین.  
راننده - آقا هاردان گلیرسین؟  
- سرابدان.  
راننده - اردبیله خوش گلپسین.  
- بی زحمت این بار را هم بگذارید  
در تاکسی، سلامت باشید،  
دستتان درد نکند.  
راننده - آقا از کجا می آئید.  
- از سراب.  
راننده - به اردبیل خوش آمدید.

مسافر - خانیم باغیشلییز، شیخ  
صفییه هاردان گندر؟  
رهگذر - واللله خانم من ده بوشهرده  
غریبم او آقادران سوروشون.  
مسافر - آقا باغیشلییز، شیخ  
صفییه هاردان گندر؟  
آقا - خانیم دوزگنت، او چونجوخیا-  
بانندان چون ساغا، سورا دوز  
گنت چاتارسان شیخ صفییه.  
مسافر - ساغ اولون، خدا حافظ  
مسافر - خانم ببخشید به مقبره  
شیخ صفی از کجا می روند؟  
رهگذر - واللله خانم من هم در این  
شهر غریبم از آن آقا پرسید.  
مسافر - آقا ببخشید به شیخ صفی  
از کجا می روند؟  
آقا - خانم مستقیم بروید در  
خیابان سوم پیچید به راست،  
بعد مستقیم بروید میرسید به  
شیخ صفی.  
مسافر - سلامت باشید، خدا حافظ

لغت های تازه ی درس

دوز  
ساغ  
سورا  
ایله  
اوزاق  
یوک  
مستقیم، راست، حقیقت  
به سمت راست  
بعد  
با  
دور  
بار

افعال درس تازه:

سوروشماق، سوروشون  
چونمك، چون  
چاتماق، چاتارسان  
آپارماق، آپارار  
پرسید  
پیچید  
می رسید  
می برد



## اون دو ققوزونجی درس - هتل ده

### درس نوزدهم - در هتل

آقای توتونچی - آقا بیرتک نفره  
 اتاق ایستیرم.  
 مدیر هتل - نئچه گنجه قالاجاقسینز؟  
 آقای توتونچی - دورت بنش گنجه.  
 مدیر هتل - حاماملی اوتاق ایستیر  
 سیزی حاما مسیز؟  
 آقای توتونچی - حاماملی اوتاق  
 ایستیرم، گنجه سی نئچه دیر؟  
 مدیر هتل - گنجه سی آتمیش تومن.  
 آقای توتونچی - ناهار خوروزوار؟  
 دارید؟  
 مدیر هتل - بلی ناهار خوروموز وار،  
 می خواهم.  
 مدیر هتل - چند شب میمانید؟  
 آقای توتونچی - چهار پنج شب.  
 مدیر هتل - اوتاق حمامدار  
 میخواهید یا بی حمام.  
 آقای توتونچی - اتاق حمامدار  
 میخواهم شبی چند است؟  
 مدیر هتل - شبی شصت تومان.  
 آقای توتونچی - سالن غذاخوری  
 دارید؟  
 مدیر هتل - بله سالن غذاخوری

۱- من گنده بیلمدیم  
 سن .....  
 اونلار .....  
 بیز .....  
 سیز .....  
 اونلار .....  
 ۲- من گنده بیلمیرم..  
 سن .....  
 اونلار .....

این جمله ها را پس از ما تکرار کنید و به فارسی برگردانید:

- من سنه کتاب آلا بیلمرم.  
 - حسن سنه کتاب آلا بیلمر.  
 - سن شنبه گونو مدرسه یه گنده بیلمرسن؟  
 - بیز یای دامازندرانا گنده بیلمریک؟  
 - هرکیم، پول و ترسه بوماشینی آلابیلمر.  
 - حسن بوآئوی آلابیلمز، چوخ باها دیر.  
 - او بیلمیر کی بوکتابهار دادیر.  
 - سن بیلمیرسن حسنهارا گتتدی؟

این جمله ها را به ترکی برگردانید:

- من نتوانستم دیروز به مدرسه بروم.  
 - شاید فردا بتوانم به بازار بروم.  
 - تو فردا نمی توانی به بازار بروی چونکه بازار تعطیل است.  
 - بازار چرا تعطیل است؟  
 - من نمی توانم با توبه مهمانی بروم.  
 - تو می دانی اسم این پسر چیست؟  
 - تو می دانی پریچهر در کدام بیمارستان کار می کند؟  
 - نه من نمی دانم، شوکت می داند.

ضرب المثلها: با حلوا حلوا گفتن دهان شیرین نمی شود!  
 آتالارسوزی: حالوا حالوا دئمک ایله آغیز شیرین اولماز!

شام‌دا حاضیردی، بویوروز.

داریم حالا هم شام حاضر است  
بفرمائید.

آقای توتونچی - داداش شامانه وار؟

آقای توتونچی - داداش برای شام  
چه دارید؟

گارسن - چلوکباب، جوجه کباب،  
بالیق دولما، قارابادمجان،  
قیمه پلو، کوفته....

آقای توتونچی - خوب خوب برای  
من يك دست چلوکباب بیاور  
گوجه فرنگی ودوغ و تخم مرغ  
هم بیاور، داداش کراهش  
فراوان باشد.

آقای توتونچی - یاخشی، یاخشی،  
منه بییرال چلوکباب گتیر،  
قیرمیزی بادیمجان و ایران و  
یومورتا داگتیر، داداش کره  
سی‌ده بوللو اولسون.

گارسن - گوژوم اوسته آقا.

گارسن - گوژوم اوسته آقا.

آقای توتونچی - داداش ساغ اول  
کباب خوبی بود.

آقای توتونچی - داداش ساغ اول  
غریبه کبابیدی.

گارسن - بله آقا چلوکباب ما در  
اردبیل تک است.

گارسن - بلی آقا بییزیم چلوکباب  
اردبیلده تکدی.

آقای توتونچی - حسابیم چند شد؟  
گارسن - حسابتان شد سی و پنج  
تومان.

آقای توتونچی - حسابیم نچه اولدو؟  
گارسن - حسابیز اوتوزبیش تومن  
اولدی.

آقای توتونچی - بابا قیمتتان هم  
تک است.

آقای توتونچی - بالام انلله قیمتیزده  
تک دیر!

گارسن - اختیار دارید!

گارسن - اختیاریزوار!

لغت‌های تازه‌ی درس:

نچه

چند

بالیق

ماهی

بییرال

یک دست

قارابادیمجان

بادمجان سیاه

قیرمیزی بادیمجان

گوجه فرنگی

ایران

دوغ

بوللو

فراوان

حمام

حمام

اوزاق

دور

آغیر

سنگین

یونگول

سبک

افعال تازه‌ی درس:

قالماق، قالاجاقسیز

خواهید ماند

اولماق، اولدی، اولدو

شد

توتماق، توتون

بگیرید

به این گفتگو گوش کنید و پس از ما تکرار کنید:

سیزی صاباح ساعات نچه‌ده اویادیم؟

شما را فردا صبح ساعت چند بیدار  
کنم؟

منی صاباح ساعات یددی‌ده اویادین.

من را صبح ساعت هفت بیدار کنید.  
آقا یک هتل خوب سراغ دارید؟

آقا بییر یاخشی هتل سراغیزوار؟

هتل یاخین‌دی یا اوزاق‌دیر؟

هتل نزدیک است یا دور است؟  
هتل دور است تاکسی بگیرید.

هتل اوزاق‌دیر تاکسی توتون.

لطفاً منی هتل شرقه آپارین.

لطفاً من را به هتل شرق ببرید.

صفت

همانطور که تا بحال دیده‌اید در زبان ترکی آذری صفت قبل از موصوف  
می‌آید و همیشه مفرد است و پیوند تصریفی ندارد.

مثال

شیرین انار

شیرین انارلار

گوزل قیز

گوزل قیزلار

علاوه برصفت‌های ساده از قبیل گوزل (زیبا) ایستی (گرم) باها (گران)  
اوجوز (ارزان) و غیره با افزودن پیوندهائی به اسم صفت مرکب ساخته  
میشود. در این‌جا شما با پیوند مثبت (لی) و پیوند منفی (سین) آشنا میشوید.  
می‌دانیم که یکی از خصوصیات زبان ترکی آذری هماهنگی و تطابق  
گروهی اصوات است. لذا در هنگام تلفظ، مصوت‌های پیوندهای مختلف با  
توجه به خصوصیات صوتی کلمه اصلی تغییر می‌کند که متأسفانه بعلمت  
محدودیت الفبای فارسی نمیتوان آنها را نوشت. لذا توصیه میکنیم که به

تلفظ کلمه‌ها و عبارات و جمله‌ها همیشه خیلی دقت کرده و حتماً با صدای بلند آن را تکرار کنید. بخاطر داشته باشید که هنگام تقلید تلفظ به طبیعت آن بهتر پی میبرید تا شنیدن آن.

ساختن صفت با افزودن پیوند مثبت لی و لو (معادل پیشوند با در زبان فارسی)

حامام	حاماملی
(پدر) آتا	آتالی
(بچه) اوشاق	اوشاقلی
(روغن) یاغ	یاغلی
(خیر) خیر	خیرلی
(پول) پول	پوللو
(گل) گول	گوللو
(نمک) دوز	دوزلو
(دوست) دوست	دوستلو
(آب) سو	سولو

ساختن صفت با افزودن پیوند منفی سی و سو (معادل پیشوند بی در زبان فارسی)

حامام	حامامسیز
آتا	آتاسیز
اوشاق	اوشاقسیز
ال	السیز
یاغ	یاغسیز
خیر	خیرسیز
پول	پولسوز
گول	گولسوز
دوز	دوزسوز
دوست	دوستسوز
سو	سوسوز

این کلمه‌ها را پس از ما تکرار کنید و این صفت‌ها را در جمله‌های زیر بکار ببرید

گوزل - اوجوز - باها - قیرمیز (قرمز) - ساری (زرد) - پیس (بد)

یاخشی - یاشیل (سبز) - پولسوز - یاغلی - چتین (سخت) - هاساد (آسان)

بوپلو چوخ ..... دیر.  
 بوشال ..... دیر اوشال ..... دگیل.  
 بوقیزچوخ ..... دیر.  
 بوگول ..... دیر.  
 بوپارچا ..... دیر.  
 بوواشاقچوخ ..... دیر.  
 بوآدام ..... دیر.  
 بوآغاجلار ..... دیلار.  
 بوماشینلار چوخ ..... دیلار.

صرف فعل بودن در زمان گذشته (من بودم....)

من ایدیم	بیز ایدیک
سن ایدین	سیز ایدیز
او ایدی	اونلار ایدیلر

صرف فعل بودن در زمان گذشته در حالت منفی (من نبودم....)

من دگیلدیم	بیز دگیلدیک
سن دگیلدین	سیز دگیلدیز
او دگیلدی	اونلار دگیلدیلر

این جمله‌ها را به ترکی برگردانید:

- این تو بودی تنها به بازار رفتی؟
- نه من نبودم، من تنها به بازار نرفتم، من با برادرم به بازار رفتم.
- کدام معلم‌ها بودند که دیروز به مدرسه نیامدند؟ آنها بودند؟
- نه آنها نبودند.
- پس کدام‌ها بودند؟
- من نمی‌دانم.
- تو می‌توانی تنها به‌خانه بروی؟
- تو آدرس من را می‌دانی؟
- نه نمی‌دانم، آدرس را به من بده



به این گفتگو گوش کنید و این جمله‌ها را به فارسی برگردانید:

- سن دونن هاردا ایدین؟
- من دونن مدرسه ده ایدیم.
- رشیده اوردا ایدی؟
- بلی رشیدنن احمدده اوردا ایدیلر.
- سیزده اوردا ایدین؟
- بلی بیزده اوردا ایدیک.

هانسی و هانسیلار - کدام و کدامها  
ضمیر استفهامی هانسی و هانسیلار مانند کیم و کیملر و نه و نه لر یا پذیرفتن پیوندها به حالات مختلف صرف می‌شود شما برای هر یک از آنها دوجمله ترکی بنویسید.

هانسی	کدام
هانسیین	مال کدام
هانسینا	به کدام
هانسینی	کدام را
هانسیلار	کدامها
هانسیلارین	مال کدامها
هانسیلارا	به کدامها
هانسیلاری	کدامها را
هانسیندا	در کدام
هانسیندان	از کدام
هانسیینان	با کدام
هانسیلاردا	در کدامها
هانسیلاردان	از کدامها
هانسیلارینان	با کدامها

این جمله‌ها را به ترکی برگردانید:

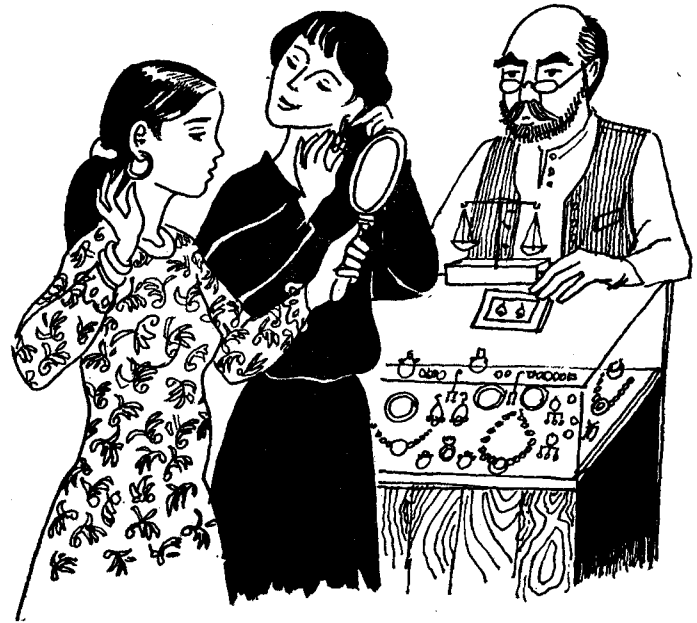
- ۱- تو با کدام ماشین آمدی؟
- ۲- آقا کدامها را خریدند؟
- ۳- کتاب را به کدام شاگرد دادی؟

- ۴- گل را در کدام گلدان گذاشتی؟
- ۵- از کدام می‌خواهید؟
- ۶- با کدام به تبریز می‌روید؟
- ۷- کدام را خریدی؟

به این پرسشها به ترکی جواب بدهید و پس از ما تکرار کنید:

- سن بیلیرسن یا پراق نه رنگتدیر؟
- سن بیلیرسن هانسی گوشوارا چوخ باهالی دیر؟
- سن تورکی بیلیرسن؟
- سنین دوستون تورکی بیلیر؟
- تورکی چتین دیر یا هاساد دیر؟
- هانسی ماشین لاپ باهالی دیر؟
- هانسی ماشین اوچوز دور؟
- سن ایستیرسن گلن ایل مسافرته گئدسن؟

ضرب‌المثلها: صد دوست کم است و یک دشمن بسیار!  
آتاسوزلری: دوستین مین ایسه‌آز، دشمنین بیرایسه چوخ دور!



- ساعات نئچه دیر، هئچ یئددی دن
- گئچپ اون دقیقه، هئچ بیلسن
- بوردان ائوه نقدر یول وار؟
- یوخ بیلمیرم، نقدر یول وار؟
- آزی یاریم ساعات یول وار.
- هاواداکی چوخ سویویو پدی، نه
- بتریئل اسیر، یاغیش دایاغیر.
- لاپ گئج اولدو ایندی بیز نئجه
- ائوه گئداخ تاکسی داگلمیر.
- بوراباخ، بیر تاکسی گلیر،
- تاکسی، تاکسی
- سنین خیردا پولون وار؟
- واریمدیر.
- پس کرایه نی سن ور.
- اولسون دا! همیشه کی ایشین دیر!
- ساعات چند است، هیچ از هفت ده
- دقیقه گذشته، هیچ میدانی از
- اینجا تا منزل چقدر راه است؟
- نه نمیدانم چقدر راه است؟
- دست کم نیم ساعت راه است.
- هوا هم که خیلی سرد شده، پادیدی
- میوزد، باران هم میبارد.
- کاملاً دیر شده حالا ما چطور به
- منزل برویم، تاکسی هم که نمیباید.
- نگاه کن، یک تاکسی می آید،
- تاکسی، تاکسی
- تو پول خرد داری؟
- دارم.
- پس کرایه را تو بده.
- باشد دیگر! همیشه کارت همین
- است!

### بیرمینجی درس - بولاپ قشنگ دی

درس بیستم - این از همه قشنگتر است

- مارال - وای بوگوشوارا یاباخ، نه
- قشنگ دیر!
- جیران - او بیرسی دها قشنگ دیر!
- هانس؟
- او قیزیل گوشوارا.
- اونلارا باخ اونلار لاپ قشنگ
- دیله!
- هانسیلار؟
- اونلار.
- باباکل گئدک چوخ گئج اولدو.
- مارال - وای به این گوشواره ها نگاه
- کن چقدر قشنگ هستند!
- جیران - ان یکی قشنگتر است!
- کدام؟
- آن گوشواره طلا.
- به آنها نگاه کن آنها از همه
- قشنگتر هستند.
- کدامها؟
- آنها.
- بابا ولکن بیا برویم خیلی دیر
- شد.
- مگر ساعات نئچه دیر؟
- مگر ساعت چند است؟

### لغت های تازه ی درس:

- آن دیگری
- ول کن
- طلا
- دیر
- راه
- بدجوری، خیلی
- باران می بارد
- باد می وزد
- پول خرد
- ببینم آیا
- او بیرسی
- ولله
- قیزیل
- گئج
- یول
- بتر
- یاغیش یاغیر
- یئل اسیر
- خیردا پول
- گورسن

### افعال تازه ی درس:

- سویویو پدی
- کلمک، گلیر
- گلمیر
- سرد شده است
- می آید
- نمی آید

در زبان ترکی آذری اشکال نسبی صفت بعضاً با همراه شدن صفت با یکی از ادات زیر ساخته میشود:  
 از (کم) آزاراخ (کمتر) داهای (بیشتر) لاپ (از همه بیشتر)

بو گوشوارا قشنگ دیر.  
 بو گوشوارا چوخ قشنگ دیر.  
 بو گوشوارا داهای قشنگ دیر.  
 بو گوشوارا لاپ قشنگ دیر.

این گوشواره قشنگ است.  
 این گوشواره خیلی قشنگ است.  
 این گوشواره قشنگ تر است.  
 این گوشواره واقعا قشنگ است.  
 (قشنگترین است)

بو گوشوارا هامیدان قشنگ دیر.

این گوشواره از همه قشنگ تر است.

بو گول اوگولدن گوزل دیر.  
 بو ماشین او ماشیندان باهالی دیر.

این گل از آن گل زیباتر است.  
 این ماشین از آن ماشین گرانتر است.

بو ماشین او ماشیندان داهای باهالی دیر.

این ماشین از آن ماشین هم گرانتر است.

هاوا نجه دیر؟

هاوا چطور است؟

هاوا سووخ دور.  
 هاوا چوخ سووخ دور.  
 هاوا بیر آز سووخ دور.  
 هاوا ایستیدیر.  
 هاوا بیر آز ایستیدیر.  
 هاوا لاپ ایستیدیر.  
 هاوا یاخشی دیر.  
 هاوا پیس دیر.

هاوا سرد است.  
 هاوا خیلی سرد است.  
 هاوا یک کمی سرد است.  
 هاوا گرم است.  
 هاوا کمی گرم است.  
 هاوا خیلی گرم است.  
 هاوا خوب است.  
 هاوا بد است.

حالین نجه دیر؟ نجه سن؟  
 مگر نجه دیر؟ نجه مگر؟  
 رنگت وروفون نثیه بئله دی؟  
 رنگین چوخ سارالیدی.

حالت چطور است؟ چطوری؟  
 مگر چطور است؟ چطور مگر.  
 رنگت ورویت چرا اینطور است؟  
 رنگت خیلی زرد شده است.

نگرانام، گورسن نجه اولاجاق. نگرانم نمی دانم بالاخره چه خواهد شد.

نگران اولما ایشلر دوزه لر، الله نگران نباش کارها درست میشود  
 کریم دیر. خدا کریم است.

ماضی نقلی

برای صرف فعل در زمان ماضی نقلی با توجه به ساخت صوتی فعل به ریشه آن پیوندهائی متناسب با اصول هماهنگی اصوات می افزائیم.

الف - میسم، میسن، میس، میشیك، میشین، میشلر

ب - میسام، میسان، میس، میشیق، میشین، میشلر

مثال الف - صرف فعل رفتن (گتتمك) در زمان ماضی مطلق (رفته ام...)

گتتمیشم	گتتمیشیک
گتتمیشن	گتتمیشین
گتدیپ	گتدیپلر

مثال ب - صرف فعل خریدن یا گرفتن (آلماق) در زمان ماضی مطلق (خریده ام...)

آلمیشام	آلمیشیق
آلمیشان	آلمیشین
آلمیش (دیر)	آلمیشلر

برای منفی کردن فعل در زمان ماضی مطلق پیوند نفی «م» یا «ما» به ریشه اضافه میشود.

مثال الف - صرف فعل رفتن (گتتمك) در زمان ماضی مطلق به صورت منفی (من نرفته ام...)

من گتتمه میشم	بیز گتتمه میشیك
سن گتتمه میسن	سین گتتمه میشین
او گتتمه میس (دیر)	اونلار گتتمه میشلر

مثال ب - صرف فعل خریدن یا گرفتن (آلماق) در زمان ماضی نقلی به

صورت منفی (من نخریده‌ام...)

من آلمایشام  
سن آلمایشسان  
او آلمایش (دیر)  
بیز آلمایشیق  
سیز آلمایشسین  
اونلار آلمایشلار

برای آگاهی بیشتر و دقیق‌تر از قوانین صرف افعال باید به کتاب‌های مرجع که نام آنها در پایان کتاب ذکر شده است رجوع کنید.

به این گفتگو گوش کنید و آن را به فارسی برگردانید:

- من ایندی مدرسه‌دن گلمیشم، حله (منوز) آنامی گؤرمه‌میشم.
- سیز هاچان تبریزدن گلمیشسین (یا گلیپسین)؟
- بیز دونن تبریزدن گلمیشیک.
- سیز ناهار یئیبیسین یا حله یئمه‌یبیسین؟
- یوخ بیز حله ناهار یئمه‌میشیک.
- اونلار چای ایچیپلر یا حله ایچمه‌یبیلر؟
- خیر اونلار دا حله چای ایچمه‌یبیلر.
- سیز بو فیلمی گؤروپسوز یا حله گؤرمویوپسوز؟
- من بو فیلمی گنچن ایل گؤرموشم.
- سن حسنین کاغذ آلیپسان؟
- بلی من حسنین کاغذینی آلمیشام، اما حله جواب وئرمه‌میشم.
- سن بو گلی کیم ایچون آلمیشسان؟ (یا آلیپسان).
- من بو گلی سنین ایچون آلمیشام، بویور.
- سن بو شالی کیم ایچون توخویوپسان؟
- من بو شالی قارداشیم ایچون توخوموشام.

جمله‌های زیر را به ترکی برگردانید:

- تو این لباس را کی خریده‌ای؟
- من این لباس را تازه خریده‌ام.
- تو به مادرت گفته‌ای که من آمده‌ام؟
- بچه‌ها به مدرسه رفته‌اند؟
- شهلا امروز غائب است او به مدرسه نیامده است.
- چرا شهلا امروز به مدرسه نیامده است؟
- چونکه ناخوش است.
- این کتاب‌ها را برای تو نخریده‌ام، برای خودم خریده‌ام، دست نزن.

ضرب‌المثلها: هرچین تازه‌اش، دوست کهنه‌اش!  
آتاسوزلری: هرشیین تزه‌سی، دوستون کهنه‌سی!



بیر ذره منہ گویماخ وئر،  
اورگیم گنجیر!

خوردہ بہمن کچی بدہ دلم غش  
می رود!

لغتهای تازهی درس:

گل، گولر  
رنگت وروف  
سلامتدیک  
یورقان  
اوست  
اوستومه  
سوز  
گرگت  
گویماخ

افعال درس تازه:

وورماق، وورورام  
وورماسام  
اولمک، آلورم  
اولدورمک، اولدوردو  
وئرمک، وئرسین  
چکمک، چکیرم  
گتتمک، گتدیپسین  
گتدیپلر  
گولاق آسماق، گولاق آسمیر  
یتمک، یتمییه  
یتمک، یتمی یسین  
اولماز

تمرین:

مروری بر صرف فعل در زمان حال. (خواستن) ایستمک، ایسته (بخواه)،  
ایستیر (می خواهد)  
من می خواهم...

ایستیریک  
ایستیرسین

ایستیرم  
ایستیرسن

ایستیر

ایستیرلر

این فعلها را در زمان حال صرف کنید:

خوردن، دیمک، ده، دئییر  
گفتن، یتمک، یه، یئییر  
زدن، وورماق، وور، وورور  
خندیدن، گولمک، گول، گولور  
دیدن، گورمک، گور، گورور

اسامی اعضاء بدن

باش  
گوز  
قولاق  
دیل  
دیش  
آغیز  
بویون  
اوز  
ال  
ایاق  
بارماق  
گارین  
اورک  
بئل  
دال

اصطلاحات پزشکی:

ناخوشلوق  
گیزدیرما  
اوسگورمه  
آغری

بیماری  
تب  
سرفه  
درد

باش آغریسی  
دیش آغریسی  
گارین آغریسی  
آغرییر  
رژیم ساخلاماق  
آریخلماق  
کوکلماق

سر درد  
دندان درد  
دل درد  
درد می‌کند  
رژیم نگاه داشتن  
لاغر شدن  
چاق شدن

هاران آغرییر؟  
باشین آغرییر؟

یوخ باشیم آغرییر. باشیم گنجئلنیر.  
دیشین آغرییر؟  
یوخ دیشیم آغرییر، قولاقیم آغرییر

کجایت درد می‌کند؟  
سرت درد می‌کند؟  
نه سرم درد نمی‌کند. گیج می‌رود.  
دندان درد می‌کند؟  
نه دندانم درد نمی‌کند گوشم درد می‌کند.

قیزدیر مان وار؟

بلی گیزدیر میشام، قیزدیرمام وار.  
اورگیم گنجیر.  
(قیزیشماق) قیز یشیرام.  
(اوشوماق) اوشویورم.  
(تیتیرماق) تیتیرییرم.  
(تررماق) ترییرییرم.  
آغریدان اؤلورم.  
الله انله مسین.  
انشاءاله تنز یاخشی اولارسان.

تب داری؟  
بله تب کرده‌ام، تب دارم.  
دلیم ضعف می‌رود.  
گرم می‌شود، گرمی گیرم.  
سردم می‌شود.  
می‌لرزم.  
عرق می‌کنم.  
از درد می‌میرم  
خدا نکند  
انشاءاله زود خوب می‌شوی

کیمه‌دیر، پیش کیست؟

ضمائرشخصی زیر در حالت تخصیص در جواب کیمه (پیش که) بکار برده می‌شود.

پیش من  
پیش تو  
پیش او  
پیش ما

منده  
سنده  
اوندا  
بیزده

سیزده  
اونلاردا

پیش شما  
پیش ایشان

این جمله‌ها را به فارسی برگردانید:

- منیم کتابیم کیمه‌دیر؟
- حسنین چمدانی کیمه‌دیر؟
- سیزین کوپونلار کیمه‌دیر؟
- سن بیلییرسن منیم کیفیم کیمه‌دیر؟
- اوبیلییرسنین کتابین کیمه‌دیر؟
- دفترلر کیمه‌دیر؟

این جمله‌ها را پس از ما تکرار کنید:

- سیزین بلیط بیزده‌دیر، بویوروز.
- اونلارین بلیطلری منده‌دیر.
- سیزین کوپونلاری وئردییم اوخانیما.
- من بیلمیرم سنین عکسین اونلاردا دیر یا یوخ.
- سن بیلییرسن اونون پولو کیمه‌دیر؟
- بیز بیلمیرییک سیزین چمدان لاریز کیمه‌دیلر.



## بیرمی ایکینجی درس - عباس دان نه خبر؟

درس بیست و دوم - از عباس چه خبر؟

سارا خانم - سلام، سلام نه خبر سارا خانم - سلام چه خبره؟ دیر؟

صفیه خانم - سارا خانم سلام خوش گلدیز بویورون، انشاءالله سفر خوش گئچدی؟

س - بلی باجیم گیلی گوردوم، خوش گئچدی، یثریز بوش، هامی بوردا بیغی شیب سیز، نه خبر دیر، نه ائیله بیرسیز؟  
ص - قند سیندریریریق، یورگان تیکیریك، مربا دوزلدیریك، توخوما توخویوروق.  
صفیه خانم - سارا خانم سلام خوش آمدید بفرمائید، انشاءالله سفر خوش گذشت؟  
س - بله خواهرم را دیدم خوش گذشت جایتان خالی، چطور شده همه اینجا جمع شده اید چه خبر است؟ چه کار می کنید؟  
ص - قند می شکنیم، لحاف می دوزیم، مربا درست می کنیم، بافتنی می بافیم.

س - کیم اوچون؟

ص - اوشاخلاریمیز ایچون، اونلار ایچون کی جببهده ووروشورلار، اونلار ایچون کی جببه نین دالی سیندا خدمت ائیله بیرلر.  
هما - بیزده بوجور، جنگتده شرکت ائیله بیریک.

س - ساغ اولون، ربابه خانم سیز نجه سیز؟

اوغلوزدان نه خبر؟  
ربابه خانم - الحمدالله خبرسین دگیلم، هامی جببهده ال اله وثریب ووروشورلار. الله هامی اوشاقلاری ساخلا سین و موفق ائله سین.

س - هامی نین دعاسی بودو، انشاءاله بیرگون عباسین تو یو ایچون بوردا بیغی شاریک و ایشلیه ریک، خوب ایندی من نه ائله بییم؟

ص - سارا خانم سن قندلری بسته بسته ائله.

ربابه خانم - کیمیدی زنگت وورور؟ پستچی - آچ گاپینی خانیم، پستچی دیر.

ص - پستچی دیر عباسدان کاغذ گتیریپ!

ربابه خانم گوژون آیدین، سارا خانم همیشه خوش قدم دیر.  
س - همیشه خیر خبر اولسون.

لغت‌ها و افعال تازه‌ی درس:

توی

س - برای که؟

ص - برای بچه هایمان، برای آنها که در جببه می جنگند و برای آنها که در پشت جببه خدمت می کنند.

هما - ما هم اینطور در جنگت شرکت می کنیم

س - سلامت باشید ربابه خانم شما چطورید؟

از پسران چه خبر؟  
ربابه خانم - الحمدالله بی خبر نیستم، همه در جببه دست به دست هم داده می جنگند.  
خدا همه بچه ها را حفظ و موفق کند.

س - ربابه خانم دعای همه همین است. انشاءاله روزی برای عروسی عباس اینجا دورهم جمع میشویم و کار می کنیم، خوب حالا من چه کار کنم؟

ص - سارا خانم تو قندها را بسته بندی کن.

ربابه خانم - که زنگت میزند؟ پستچی - در را باز کن خانم، پستچی است.

ص - پستچی است از عباس کاغذ آورده است!

ربابه خانم چشمت روشن، سارا خانم همیشه خوش قدم است.  
س - همیشه خبرها خوش باشد.

عروسی



توخوما

یئریز بوش

ییغیشماق، ییغی شیب سیز

ییغی شاریق

ووروشماق، ووروشورلار

سیندیرماق، سیندیریریق

تیکمک، تیکیریک

دوزتمک، دوزلدیریک

توخوماق، توخویوروک

ایشله مک، ایشله بیریک

ال ال وئرمک، ال ال وئریپ

بافتنی

جایتان خالی

جمع شده اید

جمع می شویم

جنگت می کنند

می شکنیم

می دوزیم

درست می کنیم

می باقیم

کار می کنیم

دست به دست داه

پیوند گیل

پیوند گیل به معنای گروه خانوادگی یا جمع دوستان است. در اینجا

به بعضی از موارد استعمال پیوند گیل اشاره می کنیم:

گیل

اینها، آنها

گیله

به خانه‌ی اینها یا به خانه آنها

بیز

ما

بیزه

به خانه ما

سیزه

به خانه شما

این جمله‌ها را پس از ما تکرار کنید و به فارسی برگردانید:

— حسن گیل گلدیلر.

— بیز حسن گیله گئتدیک.

— دائیم گیل ماشین آلدیلار.

— پریچهر گیل بی بیم گیله گئتدیلر.

— سیز صاباح گلین بیزه.

— سیز نییه هئچ بیزه گلیمیر سیز؟

— مرجان گیل دونن بیزه گلیمیشدیلر.

— من صاباح گئجه گله‌جاغام سیزه. (خواهم آمد)

این جمله‌ها را به ترکی برگردانید:

— ما روز جمعه رفته بودیم منزل هماینها، منزل نبودند، خیلی بد شد.

— شما کجا هستید؟ چرا هیچ منزل ما نمی آئید؟

— بیائید هفته آینده برویم (گئداخ) منزل علی اینها.

— علی اینها در تبریز نیستند، آنها هفته‌ی گذشته رفتند تهران منزل

صمدانینها.

— دیشب آمدم منزل شما نبودید، کجا بودید؟

به این پرسشها به ترکی جواب بدهید:

— کیمنن کاغاذ گلدی؟

— کیم اوچون کاغاذ گلدی؟

— خانیملار کیملر اوچون ایشله بیرلر؟

— سن هاردا ایشله بیرسن؟

— سن کیم اوچون ایشله بیرسن؟

— ربابه خانیم کیم اوچون شال توخویور؟

صرف فعل داشتن در زمان گذشته به صورت مثبت (من داشتم....)

شکل اول

منیم واریم ایدی

سینین وارین ایدی

اونون واری ایدی

بیزیم واریم ایزیدی

سیزین وارین ایزیدی

اونلارین وارلاری ایدی

شکل دوم (من کتاب داشتم....)

منیم کتابیم واریدی

سینین کتابین واریدی

اونون کتابی واریدی

بیزیم کتابیمیز واریدی

سیزین کتابیز واریدی

اونلارین کتابلاری واریدی

صرف فعل داشتن در زمان گذشته بصورت منفی (من نداشتم....)

منیم یوخوم ایدی

سینین یوخون ایدی

اونون یوخی ایدی

بیزیم یوخوم ایزیدی

سیزین یوخوز ایدی

اونلارین یوخولار ایدی

شکل دوم (من کتاب نداشتم....)

منیم کتابیم یوخ ایدی  
سنین کتابین یوخ ایدی  
اونون کتابی یوخ ایدی  
بیزیم کتابیمیز یوخ ایدی  
سیزین کتابیز یوخ ایدی  
اونلارین کتابلاری یوخ ایدی

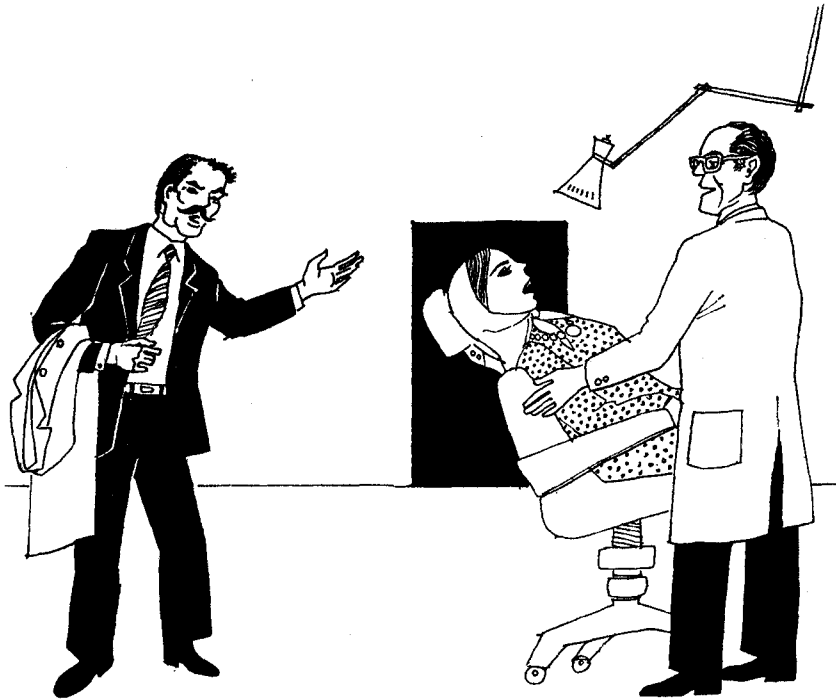
به این پرسشها به ترکی جواب بدهید:

- منیم پولوم یوخدور، کیمین پولو وار، سنین پولون وار؟
- معلمین دوچرخهسی یوخدور، اونون ماشینی وار؟
- کیملرین ماشینی وار؟
- هئچ کیمین ماشینی یوخدور؟
- حسنین مدادی یوخدور، کیمین ایکی مدادی وار؟

این جملهها را پس از ما تکرار کنید و به فارسی برگردانید:

- منیم جورابیم یوخدو، گئتدیم بازارا، پول وئردیم، ایکی جوت تزه جوراب آلدیم.
- دونن گنجه بیزه قوناق (مهمان) گلدی، ائوده چورک (نان) یوخ ایدی، من حسنه پول وئردیم، او گئتدی تئز چورک آلدی گلدی.
- جمعه گونو طلعت گیل گلدیلر بیزه، چوخ خوش گنجدی، یئریز بوش.
- شمسی نین قلمی یوخدور، سن بو قلمی وئر اوئا.
- سنین تزه بیر جوت باشماقین (کفش) واریدی، اونو وئر منه، بو گنجه قوناقام.
- اوز دگیل آیاق داشی دیر ماشالله.

ضرب المثلها: ترحم بر پلنگ تیز دندان، ستمکاری بود بر گوسپندان!  
آتالارسوزی: ظالمه رحم اتمک مظلوما خیانت اتمک دیر!



بیرمی او چونچی درس - دکتیرین مطبینه

درس بیست و سوم - در مطب دکتیر

- |                                                                                                                    |                                                                                                                         |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| منشی - بلی خانم؟                                                                                                   | منشی - بلی خانم؟                                                                                                        |
| عسگر آقا - خانم میخواستیم دکتیر را ببینیم.                                                                         | عسگر آقا - خانم ایستیردیک دکتیرو گؤرک.                                                                                  |
| منشی - قبلا وقت گرفته اید؟                                                                                         | منشی - قاباجادان وقت آلمیسیز؟                                                                                           |
| ع - نخیر خانم، دندان خانم من یک دفعه درد گرفت.                                                                     | ع - خیر خانم، بیزیم خانیمین دیشی بیردن بتر آغریدی.                                                                      |
| منشی - بسیار خوب، اتفاقاً یک مریض نیامده و دکتیر وقت آزاد دارند، بفرمائید روی این صندلی بنشینید، اینهم آقای دکتیر. | منشی - چوخ یاخشی، اتفاقاً بیر مریض گل می بیپ دکتیرون آزاد وقتی وار، بویورون بو صندلین اوستونده اتورون، بودا آقای دکتیر. |
| دکتیر - سلام خانم نئجه سیز؟                                                                                        | دکتیر - سلام خانم نئجه سیز؟                                                                                             |

هانسی دیشیز آغریبیر؟  
ع - آقای دکتر بئله کی دئیر....

دکتر - آقا اجازه وئرین خانیم  
اؤزو دئیسین.

حبیه - بو دالی دیشیم دیر.

دکتر - نه واخلدان آغریبیر؟

ح - بیر ایکی اوچ آی وار اما  
آغریسی گئچدی بودفعه آغریسی  
منی لاپ ایاقدان سالدی!

دکتر - آغریزی یاخشی آچین، گرک  
بو دیش اول، من یاواش دیشین  
اوستونه وورورام دتگین گوروم  
بو دیش دیر؟

ح - سن الله یاواش، بلی بلی،  
اؤزودو آقای دکتر نه منه  
ایلیه جاخ سیز، من چوخ  
گورورام.

دکتر - خانیم گورخ میسون، من  
ایندی بیر ایینه وورارام  
آغریسی گئچر. بیر آز اوزوزو  
ساخلیون. دیشیزی پیسجوره  
گورت یییبیدیر.

من گرک دیشیزی چرخ ائلیم و  
چوروموش قسمتی نی تمیزلیم  
و سورا دولدورام، اگر  
بیر آز گئچ گلسیدیز مجبور  
اولاردیک دیشی ریشه دن چکک.

ع - آروات نئچه دفعه سنه دئمی شم  
دیشلرینن مواظبت ائله،  
یوخسا بیر ایکی ایلدن سورا  
آغزیندا بیر دیش ده...

دکتر - آقا خواهش ائلیرم سیز  
بو یورون اتاق انتظارا، هر

دندانان درد می کند؟

ع - آقای دکتر از قراری که  
میگوید....

دکتر - آقا اجازه بدهید خانم  
خودشان بگویند.

حبیه - این دندان عقبی ام است.

دکتر - از کی درد می کند؟

ح - یکی دو سه ماهی است ولی  
دردش ساکت شد ایندفعه دردش  
مرا از پا انداخت.

دکتر - دهانتان را خوب باز کنید،  
باید این دندان باشد، من  
آهسته روی دندان میزنم بگوئید  
ببینم این دندان است؟

ح - ترا بخدا یواش، بله بله،  
خودش است آقای دکتر چه کار  
خواهید کرد، من خیلی می ترسم.

دکتر - خانم نترسید من حالا یک  
آپول میزنم همه دردها تمام  
می شود. کمی خودتان را نگاه  
دارید. دندانتان را بسجوری  
کرم خورده است.

باید من دندانتان را چرخ کنم و  
قسمت پوسیده اش را تمیز کنم  
بعد پر کنم، اگر کمی دیر  
می آمدید مجبور می شدم که  
دندان را از ریشه بکشم.

ع - زن چند دفعه به تو گفتم از  
دندان مواظبت کن، اگر نه  
تا یکی دو سال دیگر یک دانه  
دندان در.....

دکتر - آقا خواهش می کنم بفرمائید  
به اتاق انتظار هر نصیحتی که

نصیحت کی دیشه لازم اولسا  
من خانیم وئریم.

ع - آقای دکتر سیز منیم خانیمی  
تانمیرسیز...

دکتر - آقا خواهش ائلیرم بو یورون.

خانم آغریزی آچین من دیشیزی  
چرخ ائله ییم و دولدوروم  
چوخ چکمز اما نئچه دانا دیشیز  
وار کی گورت یییبیدی و  
لازیمدی کی اونلاری داگن  
دفعه لرده دولدوراق، خوب  
بو یورون گوتاردی، ایکی  
ساعاتا تکین بیر شیئی  
یئمی یین.

ح - آقای دکتر ساغ اولون، الیز قولوز  
وار اولسون. چوخ ممنون.

لغت های تازه ی درس:

بیردن

بئله کی

گرک

چوروموش

گورت

گن دفعه لرده

تکین

ایینه

قاباخجا، قاباخ

قاباخجادان

افعال درس تازه:

اوتوماق، اوتورون

درباره دندان لازم باشد من  
به خانم می کنم.

ع - آقای دکتر شما خانم من را  
نمی شناسید....

دکتر - آقا خواهش می کنم بفرمائید.

خانم دهانتان را باز کنید من  
دندانتان را چرخ کنم و پر  
کنم. اما چند دندان کرم خورده  
دارید که آنها را دفعه های  
آینده پر می کنم، خوب بفرمائید  
تمام شد تا دو ساعت چیزی  
نخورید.

ح - آقای دکتر متشکرم، دست و  
پنجه تان درد نکند، خیلی  
ممنونم.

یکدفعه

آنطور که

باید

پوسیده

کرم

در دفعه های آینده

تا

سوزن، آپول

قبل

قبلا

بنشینید

اۋزونوز (اۋزون)  
اۋزلىرى  
خودشان  
خودتان

اين پرسش و جوابها را به ترکی بنویسید:

اين حسن است؟ بله خودش است.  
تو خودت رفتی؟ بله من خودم رفتم.  
بچه‌ها خودشان آمدند؟ نه بچه‌ها خودشان نیامدند معلم آنها را آورد.  
شما خودتان اين کتاب را خریدید؟ بله ما خودمان اين کتاب را خریدیم.  
تو خودت ديروز به منزل اصغر آقا رفتی؟ نه من نرفتم من در منزل بودم.  
پس که رفت؟ برادرم رفت.  
روز جمعه شما خودتان در دانشگاه سخنرانی کردید؟ نه من سخنرانی نکردم.  
پس چه کسانی سخنرانی کردند؟ نمی‌دانم.  
نمی‌دانم راحت جانم!

نییه (چرا)؟

اونون اوچون کی، اوننان اوتری کی، اوناگوره کی (برای اینکه، زیرا، چونکه) در جواب نییه می‌آید.

به این گفتگو گوش کنید و پس از ما تکرار کنید:

- سن نییه دونن گنجه بیزه گلمدین؟ - اونون اوچون کی ماشینیم یوخودو.  
- او آقا نییه عینک وورپ دور؟ - اونون اوچون کی گۆزو ضعیف دیر.  
- بی بی قیزی نییه دکتره گتندی؟ - اوننان اوتری کی بتر ناخوشی دیر.  
- سن نییه بوکلاسا گلیرسن؟ - اونا گۆره کی ترکی اوگرشم.  
- سن قاباخجادیان تورکی بیلیردین؟ - یوخ، من قاباخجادیان ترکی بیلیمیردیم.  
- نییه بیلیمیردین؟ - چونکی من تهراندا آنادان اولمو شام.

اچماق، آچین  
دئمک، دئین  
دئمی شم  
یئمک، یئمه یین  
گورخماق، گورخ مییون  
گورخورام  
گۆرمک، گۆرک  
گۆروم  
چکمک، چکک  
دولدورماق، دولدوراک  
آلماق، آلمیسیز  
گئچمک، گئچر  
وئرمک، وئررم  
تانیماق، تانیمیرسیز  
مجبور اولماق، مجبور اولاردیک  
ایسته مک، ایستردیک  
چرخ ائله مک، چرخ ائلی ییم  
تمیز ائله مک، تمیزلی ییم  
دولدورماق، دولدورام  
آغریماق، آغریدی  
گلمک، گل می ییپدی  
گلسیدیز  
یئمک، یی ییپدیر  
بیلمک، بیلیرسن  
سوروشماق، سوروش

باز کنید  
بگوئید  
گفته ام  
نخوریید  
نترسید  
می ترسم  
ببینم  
ببینم  
بکشیم  
پرکنیم  
گرفته اید  
می گذرد  
می دهم  
نمی شناسید  
مجبور می شدید  
می خواستیم  
چرخ کنم  
تمیز کنم  
پر کنم  
درد گرفت  
نیامده است  
میامدید  
خورده است  
می دانی  
پپرس

ضمیر رجعی

در زبان آذربایجانی ریشه عمومی ضمیر رجعی «اۋز» (خود) است که هنگام تصریف پیوندهای تصریفی اسم را میپذیرند. در این جا حالت فاعلی ضمیر رجعی را می آموزید.

اۋزوم  
اۋزون  
اۋزو  
اۋزوموز  
خودم  
خودت  
خودش  
خودمان

می دانیم  
می نویسیم  
دوست داریم  
می آئیم  
رفتم  
پرسیدم

بیلیریک  
یا زیریک  
سئویریک  
کلیریک  
گتتدیم  
سوروشدوم

- جمعه گونی گل بیزه.  
- نییه گله بیلمزسن؟  
- ایش گوتولان دگیل، ایشی وئله گل.  
- سن بیلرسن بو سئوالین جوابی نه دیر؟  
- حسن ده سوروشدوم، اودا بیلمیر.  
- چونکی اودا بیزیم تکین درس اوخومویویدی؟  
- گله بیلرم.  
- اونا گوره کی ایشیم وار، ایشیم چوخ دور.  
- گو زوم اوسته.  
- یوخ، من ده بیلمیرم، اوزون حسنن سوروش.  
- حسن نییه بیلمیر؟  
- پس ایشمیز چوخ خرابدیر!

این جمله‌ها را به ترکی برگردانید:

دندان شما درد می‌کند؟  
دندان شما از کی درد می‌کند؟  
پیش دکتر رفته‌اید؟  
شما چند تا دندان پر کرده‌اید؟  
دندانهای این بچه را کرم خورده و پوسیده است.  
من از آپول می‌ترسم به من آپول نزنید!  
نترسید درد ندارد، باید تحمل کنید.  
یک اسپیرین بخورید دردش آرام می‌شود. (توخداماق، توخدویار)

تمرین

ابتداء مصدر افعال زیر را بنویسید و سپس طبق نمونه آن‌ها را با توجه به زمان فعل صرف کنید.

مثال

می‌دوزیم  
مصدر

تیکیریک  
تیکمک

بیز تیکیریک  
سیز تیکیرسین  
اونلار تیکیرلر

من تیکیرم  
سن تیکیرسن  
اوتیکیر

ضرب‌المثلها: چه مکن که خود افتی!  
آتالارسوزی: باشقاسنیا قویوقازان اوزودوشر!



## بیرمی دور دونجی درس - کارخانادا

درس بیست و چهارم - در کارخانه

- آقا بوردا کارگر ایستیردیلر؟
- بلی بویورون دفتره.
- سلام آقابیز ایستیریك بوردا
- ایشلیهك، دئدیلمر بودفتره گللك.
- آقا اینجا کارگر میخواستند؟
- بله بفرمائید دفتر.
- سلام آقا ما میخواستیم اینجا
- مشغول کار شویم. گفتند به
- این دفتر بیایم.
- گل ایچری اوغلوم. آدین نه دیر؟
- رمضانعلی قوریانی.
- نئچه یاشینوار؟
- بیرمی بئش یاشیموار.
- سرباز لیخ ائله میسن؟ پایان
- خدمتینوار؟
- بلی آقا بویورون.
- بیاتو پسر، اسمت چیست؟
- رمضانعلی قربانی.
- چند سال داری؟
- بیست و پنج سال دارم.
- خدمت کرده‌ای؟ پایان خدمت
- داری؟
- بله آقا بفرمائید.

- چوخ یاخشی بوندان قاباخ هاردا
- ایشلی بیردین؟
- قزوینده. ماشین کارخانه سینده.
- نییه ایشیوی وئللدین؟
- ائولن میشم، عیالیم تبریزی دی
- مجبورم تبریزده ایشلی یم.
- خوب گرگک هامی مدارك وسابقه
- لریوی اوکارخانادان آلاسان و
- گتیرسن.
- گتیرمیشم بویورون.
- اوردا نه ائله بیردین؟
- مونتاز قسمتینده ایدیم.
- خوب پس ساییقن وار. بیزدهسنی
- بوردا مونتاز قسمتینه گویاریك
- صاباح رونوشت شناسنامه،
- ایکی قطعه عكس و آیری
- مدارکین رونوشتینی گتیر
- دفتره منیم یانیم.
- ساغ اولون مطمئن اولون که
- منیم استخدامیمنن پشمان
- اولمیاجا خسوز.
- انشاءاله اوغلوم گئت الله قوت.
- انشاءاله پسرم برو خداقوت.
- خیلی خوب قبلا کجا کار می
- کردی؟
- در قزوین در کارخانه ماشین
- سازی.
- چرا کارت را ول کردی؟
- ازدواج کرده‌ام، زنم تبریزی
- است مجبورم در تبریز کارکنم.
- خوب باید همه مدارك و سابقه‌ات
- را از آن کارخانه بگیری و
- بیاوری.
- آورده‌ام بفرمائید.
- در آنجا چه کار میکردی؟
- در قسمت مونتاز بودم.
- خوب پس سابقه داری ما هم تو
- را در اینجا در قسمت مونتاز
- میگذاریم. فردا رونوشت
- شناسنامه، دو قطعه عكس و
- رونوشت مدارك دیگر را بیاور
- دفتر پیش من.
- متشکر، مطمئن باشید که از
- استخدام من پشیمان نمیشوید.

لغت‌های تازه‌ی درس:

- |              |            |
|--------------|------------|
| ایچری        | داخل، تو   |
| بوندان قاباخ | قبل از این |
| ایش          | کار        |
| بویوک        | بزرگ       |
| کیچیک        | کوچک       |

ائلهك - ائيله پيردين  
 اتولنك - اتولن ميشم  
 خدمت ائلهك - خدمت ائله ميسن  
 گتيرماق - گتير ميشم  
 گتير  
 گتيرسن  
 ايشلهك - ايشله پيردين  
 ايشلهيم  
 ايشليك  
 ايستهك - ايستيرديلر  
 ايستيريك  
 گويماق - گوياريق  
 پشمان اولماق -  
 پشمان اولماجا خسوز  
 دئتمك - دئديلر  
 آلماق - آلاسان  
 گلمك - گلك

ميكردى  
 ازدواج كردهام  
 خدمت كردهام  
 آوردهام  
 بياور  
 بياورى  
 كار ميكردى  
 كار بكنم  
 كار بكنيم  
 ميخواستند  
 مي خواهيم  
 مي گذاريم  
 پشيمان نمى شويد

گفتند  
 بگيرى  
 بياييم

وجه آرزو

در این درس دو فعل مشغول اولماق (مشغول شدن) و گلمك (آمدن) در وجه آرزوست.  
 علامت وجه آرزو پیوند دو شکلی آ و ا است که به ریشه فعل اضافه و سپس با افزودن پیوندهای شخصی صرف میشود.

مثال

گويماق - گوى - گويا  
 گويام بگذارم  
 گوياسان بگذارى  
 گويالار بگذارند  
 گويماق بگذاريم  
 گوياسينيز بگذاريد  
 گويالار بگذارند

گؤندرمك - گؤندر - گؤندره  
 گؤندرم بفرستم

گؤندرك بفرستيم

گؤندرسن بفرستى  
 گؤندره بفرستد

گؤندره سيز بفرستيد  
 گؤندره لر بفرستند

در صورتیکه ریشه فعل به مصوت ختم شده باشد یاى میانجی بکار برده می شود.

مثال:

ايستهك - ايسته - ايستيك  
 دئتمك - ده - دئيك

وجه آرزو اغلب با فعل خواستن صرف می شود (من می خواهم کاغذ بنویسم...)  
 من ايسته ييرم کاغذ يازام  
 سن ايسته ييرسن کاغذ يازاسان  
 او ايسته يير کاغذ يازا  
 بيز ايسته ييريك کاغذ يازاق  
 سيز ايسته ييرسيز کاغذ يازاسيز  
 اونلار ايسته ييرلر کاغذ يازالار

جمله های زیر را به ترکی بنویسید:

من می خواهم تو را ببینم.  
 تو می خواهی که را ببینی؟  
 او می خواهد به مدرسه برود.  
 ما می خواهیم ترکی یاد بگیریم.  
 شما هم می خواهید ترکی یاد بگیرید؟  
 ایشان می خواهند فارسی یاد بگیرند.

ضمائر شخصی در حال تفکيك

این ضمائر در جواب کيملدن (از که) کيملردن (از چه کسانی) و نهدن (از چه) ونهلردن (از چه چیزهائی) بکار برده می شود.  
 مندن از من  
 سنلن از تو  
 اوندان از او  
 بيزدن از ما  
 سيزدن از شما  
 اونلاردان از ایشان

این جمله ها را به ترکی بنویسید:

من نوشتن را از تو یاد گرفتم.  
 تو حساب را از که یاد گرفتی؟  
 ما حساب را از ایشان یاد گرفتیم.  
 کبری کتاب را از من گرفت به تو داد.  
 کبری کتاب را به من نداد به او داد.  
 معلم ورقه‌ها را از ما زود گرفت.  
 از شما؟  
 بله از ما.



### بیرمی بئشینجی درس - آخیر چرشنبه عمه قیزی گیلده درس بیست و پنجم - چهارشنبه سوری در منزل عمه قیزی

علی - اوشاقلار تئز اولسون،  
 اودیاندیرین، عجب الوالدی،  
 ماشاءاله آی قیز گزرتده دو-  
 شرسن اودا.  
 طاهره - گئچ او طرفه ایندی منیم  
 نوبتیم دیر.  
 کبری - طاهره ائله سن هامیدان  
 واجیب سن، آتیل گؤراخ بلکه  
 بختین آچیل!  
 پریچهر - آتیل ماتیل چرشنبه، آینه  
 تکین بختیم آچیل چرشنبه!  
 علی - گؤزتده، آز قالمیشدی دوشم

علی - بچه‌ها زود باشید، آتش  
 روشن کنید، عجب الوی شد،  
 ماشاءالله، دختر مواظب باش  
 می‌افتی در آتش.  
 طاهره - برو آن طرف، حالا نوبت  
 من است.  
 کبری - طاهره واقماً تو از همه  
 واجب‌تر هستی، پسر ببینیم  
 بلکه بخت باز شود!  
 پریچهر - پریچهر چهارشنبه، مثل  
 آینه بختم باز شو چهار.  
 علی - بپا، کم مانده بود بیفتم در

ضرب‌المثل‌ها:  
 از پل نامرد گذر مکن ولو اینکه سیل  
 تو را ببرد.  
 در سایه‌ی روباه پناه مگیر ولو اینکه  
 شیر تو را بدرد.

آتالار سوزی:  
 گئچمه نامرد کو پرو سیندن گر آپار سا  
 سئل سنی.  
 یاتما تولکی کؤلگه سینده گر یشه  
 اسلان سنی.



اودا، نه خبریندی؟

مهمانها - ساریلیغیم سندن، قیر-  
میزلیغین مندن!

جمال - آی اوشاقلارتت اولسون،  
اصغراقا چرشنبه یتمیشینی  
گوتاردی!

کثری - نوش جانی اولسون، اصغر  
آقا بویورون بودا شیرین چای!  
توتونچی - کبری خانم ساغ اول  
گینه خالاقیزیم.

طاهره - عمه قیزی، دئیین گورک  
سیز جوانلیقدا آخیر چرشنبه  
نشینردیز؟

عمه قیزی - بالام ائله بیزده اودان  
آتیلاردیخ قیزیم اوووقت ایندی  
کیمی آیاغیم آغیریمازدی، سورا  
چرشنبه یتمیشی بیهردیگ، اودا  
نه یتمیش!

طاهره - عمه قیزی سورمه ده چکردیز؟  
رسم رسومی نه ایدی؟

عمه قیزی - هیچدا قیزیم، سحر  
تتزدن اوشاقلار گئدردیله  
یاخین بیریولاقا یاچایا اول  
ال اوزلرینی اوتیمیزسیرین سودا  
یویاردیلار.

توتونچی - دئنن کسی اوغلانلار  
بولاقین اوستوندن نئجه آتیلار-  
دیله، جوانلیخ هاردا قالدین!  
عمه قیزی - جوان گلین لرده بولاق  
کینارینده آلاگوزلرینه سورما  
چکردیلر.

توتونچی - بلسی اوشاقلار کوزه  
لرینی اوسیرین باهار سویوندان

آتش، چه خبرت است؟!

مهمانها - زردی من از تو، سرخی  
تو از من.

جمال - آی بچه ها زودباشید، اصغر  
آقا آجیل چهارشنبه را تمام  
کرد!

کبری - نوش جانن باشد، اصغراقا  
بفرمائید این هم چای شیرین!  
توتونچی - کبری خانم زنده باشی،  
بازهم دختر خاله ام.

طاهره - عمه قزی بگوید ببینیم  
شما در جوانی در چهارشنبه-  
سوری چه کار می کردید؟

عمه قزی - خوب ما هم از روی آتش  
می پریدیم، دخترم آنوقتها پایم  
درد نمی کرد، بعد آجیل چهارشنبه  
می خوردیم، آنهم چه آجیلی!

طاهره - عمه قزی سورمه هم می-  
کشیدید؟ رسم و رسوم آن چه  
بود؟

عمه قزی - دخترم هیچی، صبح زود  
بچه ها می رفتند به کنار نهر  
یا چشمه نزدیک، اول دست و  
رویشان را با آن آب خنک  
می شستند.

توتونچی - بگو که پسرها چطور  
از روی نهر می پرند، جوانی  
کجا ماندی!

عمه قزی - عروسهای جوان هم در  
کنار چشمه به چشمهای شهلای  
خود سرمه می کشیدند.

توتونچی - بله، بچه ها هم کوزه-  
هایشان را از آن آب خنک

دولدولاردیلار، توتک چالاچالا  
دانشا دانیشا، گوله گوله ائوه  
گئدردیله.

عمه قیزی - بلی اوزمانلار آخیر  
چرشنبه نین بیرآیری صفاسی  
واریدی.

کبری - خانیم جان ایندی ده پیس-  
دگیل، جوانلارا خوش گئچیر،  
بیز قوجالمیشیق!

عمه قیزی - قیزیوز دفعه دئیشیم  
آغزیواگوره دانیش. بویورون  
اوشاقلار جیب لریزی  
دولدورون!

لغت های تازه ی درس:

اود

آزقالمیشدی

گینه

دئیین گوراخ

چرشنبه یتمیشی

یاخین

بولاق

چای

آلاگوز

سیرین

نشینردیز

فعل های درس تازه:

یاندیرماق، یاندیرین

گوزتمک، گوزتده

گنچمک، گنچ

آتیلماق، آتیل

بهاری پر می کردند، در حالیکه  
توتک می زدند، حرف زنان،  
خندان به خانه می رفتند.

عمه قزی - بله آن زمانها چهارشنبه  
سوری صفای دیگری داشت.

کبری - خانم جان حالا هم بد  
نیست، به جوانان خوش می-  
گذرد، ما پیر شده ایم!

عمه قزی - دختر صد دفعه گفته ام  
باب دهانت حرف بز. بچه ها  
بفرمائید جیبهایتان را پر کنید!

آتش

کم مانده بود

بازهم

بگوئید ببینیم

آجیل چهارشنبه سوری

نزدیک

چشمه

نهر

چشم شهلای

خنک

چه کار می کردید

روشن کنید

مواظب باش

ردشو

بپر

دئمك، دئيين

دئن

دولدورماق، دولدورون

دوشمك، دوشرسن

يئمك، يئيرديك

وورماق، وورارديق

آتيلماق، آتيلارديق

آتيلارديلار

دولدورماق، دولدولارديلار

گئتمك، گئئرديلر

گوتارماق، گوتاردی

قوجالميشيق

بگوويد

بگو

پرکنيد

می افتي

می خوردیم

می زدیم

می پریدیم

می پریدند

پر می کردند

می رفتند

تمام کرد

پیر شده ایم

قید حرکت:

در زبان ترکی آذری قید حرکت بر سه نوع است:

ساده، مثل یاواش، پیوندی مثل یاواشجا و مرکب مثل یاواش یاواش.

در این درس شما با چند قید مرکب آشنا شدید.

چالاچالا

دانیشا دانیشا

گوله گوله

برای ساختن اینگونه قیدها به آخر ریشه فعل پیوند آ یا ا اضافه میشود و

البته در صورتیکه ریشهی فعل به مصوت ختم شده باشد یای میانجی

یکار برده می شود مثل آغلییا آغلییا.

اکنون با استفاده از این قاعده با افعال زیر قید حرکتی بسازید:

البته بخاطر دارید که برای بدست آوردن ریشهی فعل علامت مصدری را

برمی داریم.

تمرین:

وورماق

گؤرمك

گئتمك

دوشمك

آلماق

زدن

دیدن

رفتن

افتادن

خریدن یا گرفتن

باغلاماق

آچماق

ییلمك

چكمك

بستن

باز کردن

دانستن

کشیدن

حالا برای هر يك از این قیده های حرکتی يك جمله به زبان ترکی بنویسید:

وورا وورا

ایشلیه ایشلیه

گورخا گورخا

دئیینه دئیینه

گاچا گاچا

گئیره گئیره

در حالیکه می زدند

در حالیکه کار می کرد

در حالیکه می ترسید

در حالیکه غرغر می کرد

در حالیکه می دوید

در حالیکه می آورد

صرف فعل معین باشارماق (توانستن)

در زمان حال (من می توانم... من بلدم...)

من باشاریرام

سن باشاریرسان

او باشاریر

بیز باشاریریک

سیز باشاریرسیز

اونلار باشاریرلار

در زمان حال به صورت منفی (من نمی توانم... من بلد نیستم...)

من باشارمی رام

سن باشارمیرسان

او باشارمیر

بیز باشارمی ریک

سیز باشارمیرسیز

اونلار باشارمیرلار

در زمان گذشته (من می توانستم... من بلد بودم...)

من باشاریردیم

سن باشاریردین

او باشاریردی

بیز باشاریردیک

سیز باشاریردیز

اونلار باشاریردیلار

در زمان گذشته به صورت منفی (من نمی توانستم... من بلد نبودم...)

من باشارمیردیم  
سن باشارمیردین  
او باشارمیردی

بیز باشارمیردیک  
سبز باشارمیردیز  
اونلار باشارمیردیلار

وجه الزامی

برای ساختن وجه الزامی با توجه به مصوت ریشه‌ی فعل به ترتیب به آن پیوندهای (آم، سان، آ، آق، سوز، لار) و یا (ام، سن، ه، اک، سیز، لر) را اضافه می‌کنیم.

مثال اول

یازماق، یاز (نوشتن، بنویس) من بنویسم...

من یازام  
سن یازاسان  
او یازا

بیز یازاق  
سبز یازاسیز  
اونلار یازالار

مثل دوم - گۆرمک، گۆر (دیدن، ببین) من ببینم...

من گۆرم  
سن گۆرسن  
او گۆره

بیز گۆرک  
سبز گۆره‌سبز  
اونلار گۆره‌لر

با استفاده از قاعده ساختن وجه الزامی فعل راندن و رفتن را در وجه الزامی در زمان حال و گذشته صرف کنید.

سورمک، سور (راندن، بران) و گتتمک، گتت (رفتن، برو)

به این پرسشها به ترکی جواب دهید:

من باشارمیرام بو ماشینی سورم.  
سن باشاریرسان بو ماشینی سوره‌سن؟  
کیم باشاریر بو ماشینی سوره؟  
بیز باشارمیریک بازارا گتدک.  
سبز باشاریرسبز بازارا گتده‌سبز؟

کیملر باشاریرلار بازارا گتدسینلر؟

این جمله‌ها را به ترکی برگردانید:

من نمی‌توانم فردا به منزل شما پیام کارم زیاد است.  
شما می‌توانید این چمدان را تا ایستگاه ببرید؟ (آپارماق، بردن).  
من نمی‌توانم این چمدانها را تا ایستگاه ببرم چونکه چمدانها خیلی سنگین هستند.

تو می‌توانی فرداشب منزل ما بیائی و مواظب مادر بزرگ باشی؟  
(مواظب اولماق)

نه من نمی‌توانم فرداشب پیام منزل شما چونکه باید بروم منزل دخترخاله‌ام به او کمک کنم. (کمک ائله‌مک).

چطور می‌توانی به دخترخاله‌ات کمک کنی اما نمی‌توانی به مادر بزرگت کمک کنی، بگو می‌خواهم بروم تفریح.

من نمی‌توانم این در را باز کنم (آچماق، بازکردن) که می‌تواند این در را باز کند؟

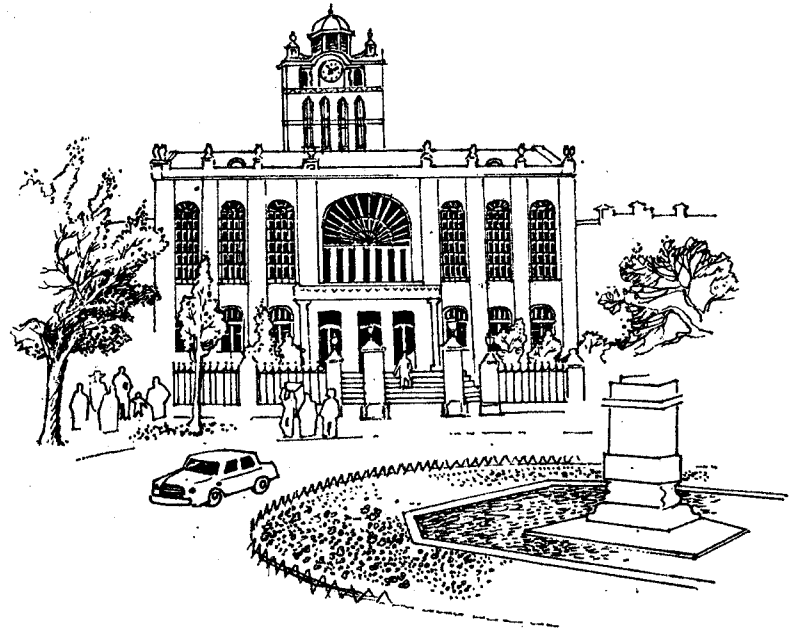
بابا هیچکس نمیتواند این در را باز کند، خیلی سخت است.  
می‌توانی آن کیف را به من بدهی؟ متشکرم، دستتان درد نکند.

ضرب‌المثلها:

با آب حمام دوست پیدا می‌کند!

آتالار سوزی:

حمام سویو ایله دوست دوتور!



## بیر می آلتینجی درس - تبریز

درس بیست و ششم - تبریز

علی زاده - آه، ایلردی کی اؤرگیم  
ایستیردی تبریزه گلم. همیشه  
عزیز آذربایجانین مرکزی اولان  
تبریزه.

محبوبه خانم - منده بو عظمتلی و  
تاریخی شهرین و همشهریلرین  
طرفیندن سیزه خوش گلدین  
دیگیم.

توتونچی - بلی بشریوز ایل بوندان  
قاباق بو اولکه لری گزن  
فرانسه لی سیاح شاردن اؤز  
کتابیندا او زماندا تبریزین

علی زاده - آه سالها بود که دلم  
می خواست به تبریز بیایم، به  
تبریزی که همیشه مرکز  
آذربایجان عزیز بوده است.

محبوبه خانم - منم از طرف این  
شهر با عظمت و تاریخی و  
همشهری ها به شما خوش آمد  
می گویم.

توتونچی - بله شاردن سیاح فرانسوی  
که پانصد سال قبل، از این خطه  
دیدن کرده است در کتاب خود  
نوشته که در آن زمان تبریز

یاریم میلیون جمعیتی اولدوغونو  
یازیدیر.

جمال آقا - هئج بیلیردیز کی خواجه  
رشیدالدین قازان خانین وزیر  
حدوداً سگیز یوز ایل بوندان  
قاباق تبریزده رشیدیه دارا -  
العلمینی تیک میشدی؟

محبوبه خانم - بلی، ایندی ده اونون  
خرابه لری گالیر، بیز اونا  
رشیدیه قلعه سی دیریک.

توتونچی - بلی تاریخی سندلره گؤره  
بو دارالعلم ده، هر ایل چوخلو  
طلبه اسلام اولکه لریندن تحصیل  
ایچون گلیردی لر.

علی زاده - حقی ده ائله بویوموش.  
اؤز محبتلی قوجاغیندا خطیب  
تبریزی، شمس تبریزی،  
قطران، نسیمی همام کیمی عالم  
و شاعر لر بئجتمیش تبریز  
گرگده بئله بیر مرکزیتی  
اولیدی.

جمال آقا - من مشروطیت تاریخی  
او خودوغوم زمان آذربایجانلی -  
لارین قهرمانیغلا رینا اورکدن  
مینلرجه آفرین دئگیم.

- بلی بئله بیر خلق، ستارخان و  
باقرخان کیمی سرداری اولان  
تبریز، حقله آزادلیق سنگری  
اولماق آدینی آیبیدیر.

لغت های تازه درس:

اورگ

دل

نیم میلیون جمعیت داشته است.

جمال آقا - هیچ می دانستی که  
خواجه رشیدالدین وزیر قازان  
خان در حدود هشتصدسال پیش  
در تبریز دارالعلم رشیدیه را  
ساخته است؟

محبوبه خانم - هنوز هم خرابه های  
آن باقی است و ما به آن  
قلعه ی رشیدیه می گوئیم.

توتونچی - بله طبق اسناد تاریخی در  
این دارالعلم هر سال طلبه های  
بسیاری از کشورهای اسلامی  
برای تحصیل می آمده اند.

علی زاده - حقی هم این بوده است.  
تبریزی که در آغوش پرمهر  
خود علما و شعرائی چون خطیب  
تبریزی، شمس تبریزی،  
قطران، نسیمی، همام را  
پرورش داده است باید هم که  
چنین مرکزیتی می داشت.

جمال آقا - من وقتی که تاریخ  
مشروطیت را می خوانم به  
قهرمانی های آذربایجانی ها از  
صمیم دل هزاران آفرین می -  
گویم.

بله تبریز با داشتن مردمی این چنین  
و با داشتن سردارانی چون  
ستارخان و باقرخان به حق  
لقب سنگر آزادی گرفته است.

قوجاق  
اولکه  
گرك  
دایر  
بئله  
گۆره

آغوش  
دیار، سرزمین  
باید  
مربوط، درباره‌ی  
اینطور  
طبق

فعل‌های تازه‌ی درس:

یازماق، یازپیدیر  
گۆرستمک، گۆرسدیر  
بیلمک، بیلردین  
تیکمک، تیکمیشدی  
دئمک، دیبیریک  
دئبیرم  
گلمک، گلیردیلم  
گۆرمک، گۆردوم  
آلماق، آلیپدیر  
بئچتمک، بئچتمیش  
اخوماق، اخودوغوم زمان  
مطالعه ائتمک، مطالعه ائتدیگیم زمان  
گزمک، گزن زمان

نوشته است  
نشان می‌دهد  
می‌دانستی  
ساخته بود (دوخته بود)  
می‌گویم  
می‌گویم  
می‌آمدند  
دیدم  
گرفته است، خریده است  
پرورش داده  
وقتی که می‌خواندم  
وقتی که مطالعه می‌کردم  
وقتی که گردش می‌کرد

صرف فعل در زمان آینده

برای صرف فعل در زمان آینده با توجه به ساخت صوتی فعل به ریشه‌ی آن پیوندهای زیر افزوده می‌شود:

الف - اجیم، اجکسی، اجک، اجبیک، اجکسین (یا اجکسینین) اجکلر.  
ب - آجاغام، آجاقسام، آجاق، آجاغیق، آجاقسین (یا آجاقسینین) آجاقلار.

مثال الف

صرف فعل یادگرفتن در زمان آینده (اؤگرمک، اؤگرش، اؤگرشه)  
من یاد خواهم گرفت...

من اؤگرشه‌جیم  
سن اؤگرشه‌جکسن  
او اؤگرشه‌جک

بیز اؤگرشه‌جیبیک  
سین اؤگرشه‌جکسین  
اونلار اؤگرشه‌جکلر

مثال ب

صرف فعل خریدن در زمان آینده (آلماق، آل، آلا) من خواهم خرید یا من خواهم گرفت...

من آلاجاغام  
سن آلاجاقسان  
او آلاجاق

بیز آلاجاغیق  
سین آلاجاقسین  
اونلار آلاجاقلار

توجه

هرگاه حرف «ق» بین دو مصوت قرار بگیرد به صدای «غ» تلفظ و نوشته می‌شود.

این جمله‌ها را پس از ما تکرار کنید و به فارسی برگردانید:

- من صباح سحر تهرانا گئدجیم.
- سن هاجان تبریزه گله‌جکسن؟
- آتام بیزه تزه پالتار (لباس) آلاجاق.
- بیز درسی یاخچی اورگه‌شه‌جیبیک.
- معلم بیزه یاخچی نمره وئره‌جک.
- اونلار سرا‌بدا تزه بیرائو آلاجاقلار.
- آنام منه بیر جاکت توخویاجاق.

برای منفی کردن فعل در زمان آینده ابتداء پیوند نفی «می» را به ریشه فعل اضافه و سپس با افزودن پیوندهای زمان آینده فعل را صرف می‌کنیم.

مثال الف: من یاد نخواهم گرفت...

من اؤگرشمیه‌جیم  
سن اؤگرشمیه‌جکسن  
او اؤگرشمیه‌جک

بیز اؤگرشمیه‌جیبیک  
سین اؤگرشمیه‌جکسین  
اونلار اؤگرشمیه‌جکلر

مثال ب: من نخواهم گرفت یا نخواهم خرید...

من آلمیاجاغام  
سن آلمیاجاقسان  
او آلمیاجاق

بیز آلمیاجاغیق  
سبز آلمیاجاقسبز  
اونلار آلمیاجاقلار

تذکر:

هرگاه ریشه فعل به مصوت ختم شده باشد بین پیوندهای زمان آینده و ریشه فعل یای میانجی بکار می‌رود (مثال - ایسته مک (خواستن) که به این شکل صرف می‌شود:

من خواهم خواست	من ایسته‌یه‌جیم
تو خواهی خواست	سن ایسته‌یه‌جکسن
او خواهد خواست	او ایسته‌یه‌جک
ما خواهیم خواست	بیز ایسته‌یه‌جاغیق
شما خواهید خواست	سبز ایسته‌یه‌جاقسبز
ایشان خواهند خواست	اونلار ایسته‌یه‌جاقلار

این جمله‌ها را به ترکی برگردانید:

من آن کفش قهوه‌ای را نخواهم خرید آن کفش سیاه را خواهم خرید.  
من به حسن این کتاب را نخواهم داد آن کتاب را خواهم داد.  
تو به منزل خالات نخواهی رفت به منزل ما خواهی آمد.  
تو از این حرفها نخواهی زد خوب نیست.  
پدرم به تبریز خواهد رفت به مراغه خواهد رفت.  
ما سال آینده به کارخانه خواهیم رفت به مزرعه خواهیم رفت.  
شما کی به منزل خواهید آمد؟

این گفتگو را به فارسی برگردانید:

- من داما پریچمپرینن دانیش‌میاجاغام، چونکه کوسموشم. (کوسماق -  
قهر کردن)  
- نیه کوسموسن؟  
- اونه گوره‌کی چهارشنبه گونو منه دئدی جمعه گونو سیزه گله‌جاغام اما

گلمدی.

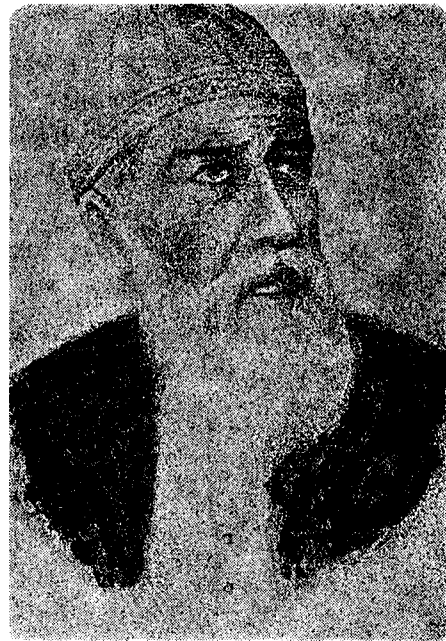
- اتفاقاً بوگنجه من پریچمپرگیله گنده‌جاغام و اونو گوره‌جاغام. اگر  
ایستیرسن اونا دئییم سیزه گلین.  
- ایسته‌مز، او گلین‌جک اللبین خیروبرکتی گلین.  
- واه واه عجب کینه‌لی آدام‌سان.  
- به نهمه‌نه؟!  
- الله گورستمسین!

این گفتگو را پس از ما تکرار کنید و به فارسی برگردانید:

- سن صاباح کارخانایا گنده‌جکسن؟  
- یوخ، گتتمی‌یجگم.  
- نییه گتتمی‌یجکسن؟  
- چونکی کارخانا تعطیل‌دیر.  
- نییه گوره تعطیل‌دیر؟  
- اونا گوره کی صاباح فیطر بایرامی‌دیر.  
- سن اوروج (روزه) توتا بیلدین؟  
- البته.  
- عبادتین قبول اولسون!

ضرب‌المثل‌ها:

آتالار سوزی:  
وقتی که زمین سخت باشد گاو شخم‌زن  
از چشم گاو دیگر می‌بیند.  
یئربرک اولاندا اوکوز اوکوزدن  
گورر.



## بیرمی یئدی دینچی درس - بویوک تورک شاعری ملا محمد فضولی

درس بیست و هفتم - شاعر بزرگ ترک ملا محمد فضولی

عمه قزی - حبیبه سیزده هنج ترکی صفحه وار؟  
 حبیبه خانم - بلی بیرگوزل صفحه وار، شعری ده فضولی دن دیر.  
 قولاق آسین.  
 منی جانندان اوسان دیردی، جفا دان یار اوسانمازمی؟  
 فلکلری اندی آهیمدن، مرا دین شمع یی نمازمی؟  
 شب هجران یانار جانیم، توکر قان چشم گریانیم،  
 او ییادار خلقی افغانیم، قارا بختیم

عمه قزی - حبیبه خانم شما صفحه ترکی دارید؟  
 حبیبه خانم - بله، یک صفحه زیبا هست، شعرش هم از فضولی است. گوش کنید.  
 یار مرا از جانم سیر کرد، آیا هرگز از جفا سیر نمی شود؟  
 فلکها از آه من سوختند، آیا هرگز شمع مرادم روشن نخواهد شد؟  
 جانم در شب هجران می سوزد، چشمهایم خون می بارد فغانم مردم را بیدار می کند، آیا

## اویانمازمی؟

هرگز بخت سیاهم بیدار نخواهد شد؟

توتونچی - فضولی شعری هم قالبو هم مضمون باخیمیندان مگاماتلا اتکیز دیر.  
 هما خانم - دوغرو داند اضا فضولی شعرینی مگاماتسیز و مگاماتی فضولی سیز تصور ائتمک اولماز.  
 جمال آقا - فضولی شعرینه بیر باخیش چوخ آیدین گوستریرکی فضولی نین دیلی بوگونکی آذربایجان دیلیندن فرقله نیر.  
 توتونچی - دوز دور، مثلا بوشهره قولاق آسین:  
 دوست بی پروا، فلک بی رحم، دوران بی سکون.  
 درد چوخ، همدرد یوخ، دشمن قوی، طالع زبون  
 علی زاده - بلی بونونلا بئله خلق فضولی شعرینین وورغونودور، بونون سری هاردادیر؟  
 جمال آقا - بونون سری اوردادیر کی، خلق آیری آیری سؤزلری باشا دوشمه سه ده، فضولی روحونو، فضولی احساسینی یاخشی باشا دوشور.  
 توتونچی - عشق و محبت فضولی شعرینین مایاسی و جانی دیر فضولی بو عشق ائله دوشو نور، حس ائدیر کدر لنییر و یاشاییر.  
 محبوبه خانم - فضولی ایچون عشق هر شیندیر او عشقین گوجو -

توتونچی - اشعار فضولی از نظر قالب و مضمون با مقامات موسیقی ترکی همراه است.  
 هما خانم - راستی که نمی توان مقامات را بدون اشعار فضولی و اشعار فضولی را بدون مقامات تصور کرد.  
 جمال آقا - نگاهی به شعر فضولی روشن می کند که زبان ادبی فضولی با زبان امروزه آذربایجان تفاوت بسیار دارد.  
 توتونچی - درست است، مثلا به این شعر گوش کنید:  
 دوست بی پروا، فلک بی رحم، دوران بی سکون.  
 درد بسیارست و همدردی نیست، دشمن قوی است و بخت زبون.  
 علی زاده - بله با وجود این مردم دلبسته اشعار فضولی هستند، سر این در چیست؟  
 جمال آقا - سرش در این است که اگر هم مردم معنای کلمه به کلمه گفتارش را نفهمند روح و احساس فضولی را خوب درک می کنند.  
 توتونچی - عشق و محبت مایه و جان شعر فضولی است، فضولی با این عشق می اندیشد، حس می کند، متاثر می شود و زندگی می کند.  
 محبوبه خانم - برای فضولی عشق همه چیز است. او با نیروی

ایله، حیاتین معناسینی،  
 کائناتین سرینی اویره نیر.  
 توتونچی - فضولی عشق سیز حیاتی،  
 حیات سایمیر و دیگر:  
 «ترك عشق ائيله دئدين، ترك دل  
 و جان ائتدیم!»

عشق معنای حیات و سر  
 کائنات را درمی یابد.  
 توتونچی - فضولی زندگی بدون  
 عشق را به حساب زندگی  
 نمی گذارد و می گوید:  
 «گفتی که ترك عشق کنم، ترك دل  
 و جان کردم!»

### توضیح

ملا محمد فضولی از شعرای بزرگ آذربایجان است که در زمان شاه اسمعیل صفوی به عراق تبعید شد. فضولی اشعارش را به سه زبان ترکی و فارسی و عربی سروده است. اشعار فضولی فریاد روح حساس و دردمند این شاعر و حاصل ناکامیهای اوست. اشعار فضولی چشمه لایزال نغمه هائی است که ترك زبانها يك عمر از آن می نوشتند و هرگز سیراب نمی شوند. بعلت وجود لغت های فارسی و عربی در اشعار فضولی و همچنین در دیگر آثار کلاسیک شعرای قدیم آذربایجان، درک اینگونه اشعار برای فارسی زبانها آسان است. باشد که شما باخواندن اشعار فضولی در آستانه ادبیات آذربایجانی و زبان ترکی قدم بگذارید. مقدمتان مبارک.

### لغتهای تازهی درس:

باخیش  
 باخیمیندا  
 مقامات  
 انگیز

نگاه  
 از دیدگاه  
 مقامات موسیقی  
 دوقلو - همزاد

دوغرو  
 دوغرونداندا  
 آیدین  
 بوگونکی  
 سؤز  
 بونونلا بئله  
 آیری، آیری  
 گوج

راست، حقیقت  
 به راستی که  
 روشن  
 امروزه  
 حرف، گفتار  
 باوجود این  
 یکی یکی، جدا از هم  
 نیرو

### افعال تازهی درس:

اوسانماق، اوساندیردی  
 اوسانمازمی  
 یانماق، یاندی  
 یانار  
 یانمازمی  
 اویانماق، اویانمازمی  
 اویادار  
 گوسترمک، گوستریرکی  
 ایشلمک، ایشله نیر  
 قولاق آسماق، قولاق آسین  
 توکمک، توکر  
 وورغون اولماق، وورغونودور  
 باشا دوشمک، باشا دوشمه سه  
 باشادوشور  
 دوشونمک، دوشونور  
 کدرلنمک، کدرلنیر  
 یاشاماق، یاشاییر  
 اویرنمک، اویره نیر  
 سایماق، سایمیر

از جان سیر کرد  
 آیا از جان سیر نمی شود؟  
 سوخت  
 می سوزد  
 آیا نمی سوزد  
 آیا بیدار نمی شود  
 بیدار می کند  
 نشان می دهد  
 بکار برده می شود  
 گوش کنید  
 می ریزد  
 دل بسته اش هستند  
 اگر متوجه نشود  
 متوجه می شود  
 می فهمد، درک می کند  
 مکدر می شود  
 زندگی می کند  
 یاد می گیرد  
 به شمار نمی آورد

### وجه شرطی

برای ساختن وجه شرطی با توجه به ساخت صوتی فعل به ترتیب پسوندهای زیر افزوده میشود:

الف - سم، سن، سه، سک، ستیز، سلر  
 ب - سام، سام، ساء، ساق، سانیز، سالار.

### مثال الف

صرف فعل رفتن (گتتمک) در وجه شرطی (اگر بروم...)

گتتم  
 گتسن  
 گتسه  
 گتتسک  
 گتسنیز  
 گتتسلر



مثال ب

صرف فعل حرف زدن (دانشماق) در وجه شرطی (اگر حرف بز نم....)

دانشسام	دانشساق
دانشسان	دانشسانیز
دانشسا	دانشسالار

برای منفی کردن فعل در وجه شرطی پس از ریشه‌ی فعل به گروه افعال دسته اول پیوند نفی «م» و به گروه افعال دسته دوم پیوند نفی «ما» اضافه میکنیم.

مثال الف (اگر نروم....)

گئتمه سم	گئتمه سک
گئتمه سن	گئتمه سنیز
گئتمه سه	گئتمه سلر

مثال ب (اگر حرف نزنم....)

دانشما سام	دانشما ساق
دانشما سان	دانشما سانیز
دانشما سا	دانشما سالار

ابتداء درس هیجدهم و بیست و پنجم را مرور کنید و سپس دو تمرین زیر را انجام دهید:

تمرین اول - این جمله‌ها را به فارسی برگردانید:

- ۱- اگر سن جمعه گونو بیزه گلسن منده شنبه گونو سننن بازارا گله‌رم.
- ۲- اگر من حسنی گوژسم اونا بو خیری وئررم.
- ۳- اگر اوبوسوزودئشه من اونان کوسرم.
- ۴- اگر بیز پول وئرسک بلیط آلا بیلریک.
- ۵- کبریت وورما، اگر کبریت وورسان بورا اود توتار.
- ۶- اگر بوکتابی اوخوساق یاخچی امتحان وئر وئر بیلریک.

- ۷- اگر درس اوخوماسان یاخچی نمره آلا بیلمزسن.
- ۸- هر کیم زحمت چکسه موفق اولار.

تمرین دوم - این جمله‌ها را به ترکی برگردانید:

- اگر از من پیرسی (سوروشماق) جواب می‌دهم.
- اگر باران ببارد (یاغماق) هوا خوب می‌شود.
- اگر بیایند با هم به بازار می‌رویم.
- اگر بروید پشیمان می‌شوید.
- اگر خودت با او حرف بزنی شاید قبول کند.
- اگر به مسافرت نروم در این کارخانه کار خواهم کرد.
- اگر او را نبینم به برادرش پیغام خواهم داد.
- اگر امسال قبول نشود خیلی ناراحت می‌شود.

این گفتگو را به ترکی برگردانید:

- تو می‌توانی با این بچه به سلمانی بروی؟
- نه من نمی‌توانم.
- چرا نمی‌توانی؟
- زیرا من گرفتار هستم، کار دارم، کارم زیاد است، بیکار نیستم.
- جانم این هم یک کار است دیگر.
- این کار من نیست، من دارم درس می‌خوانم.
- این هم شد یک بهانه.

ضرب‌المثل‌ها:

آتالار سوزی:

کسی که زیانش را نگاه دارد سرش دیلینی ساخلایان، باشینی ساخلار!  
را هم نگاه می‌دارد!



## بیرمی سگگیزینچی درس - صابر

درس بیست و هشتم - صابر

جمال آقا: بو کیمین کتابی دیر؟  
توتونچی - بو علی اکبر صابرین  
کتابی دیر.

جمال آقا - صابرین اجتماعی و  
تنقیدی شعرلرینی اوخویان  
اونون مهارتینی اورکدن  
تحسین ائدر.

توتونچی - دوغروسو من نئچه دفعه  
صابرین بو شعرینی خانیمیم -  
ایچون اوخوموشام که البته  
خانیم دا چوخ عصبانی

اولوبدور!

جمال آقا - این کتاب کیست؟  
توتونچی - این کتاب علی اکبر صابر  
است.

جمال آقا - وقتی آدم اشعار انتقادی  
و اجتماعی صابر را می خواند  
مهارت او را تحسین می کند.

توتونچی - راستش من چندین دفعه  
این شعر صابر را به شوخی  
برای خانم خوانده ام که البته  
خانم هم سخت عصبانی شده  
است.

آی باشی داشلی کیشی دینمه  
اوشاقدیر اوشاغیم  
نه ادب وقتیدی، قوی سوغسون  
اوفادور اوشاغیم  
بیر سوغوشدن توتته ری ائتمه اذیت  
بالاما کوکره ییب جوشما، اوتان  
قونشالاری بیغما دامما  
سنه سوغلدوکلری گئتسین باشی  
باتمیش آنامما  
قیشقریب باغرینی یارما که  
اوشاقدیر اوشاغیم  
نه ادب وقتیدی قوی سوغسون  
اوفادیر اوشاغیم!

جمال آقا - دوغرودان دا بوندان  
یاخچی بیسر ساده آنا ایله  
دانشماق و اونو خطاسینه  
متوجه ائلمک اولماز.

هماخانم - بلی صابر تون شعرلرینی  
ساده خلق دیلینده و خلق  
روحیندا یازاردی و اونا گوره  
هامی اونی اوخویوب باشا  
دوشردیلر.

توتونچی - صابرین شعرلری بیسر  
چوخ تورک شاعرلرینه الهام  
وئرن اثرلر دیر، مثلامعجز کیمی  
بویوک بیسر شاعره اکثرأ  
صابردن الهام آلاردی تون  
خلقینی کسکین شعرلری ایله  
آییلدیردی.

خفه شو، هیچی نگو، مردک، بچه  
است بچهم!  
نیست وقت ادبش، طفلک، بچه است  
بچهم!  
می دهد فحش اگر، جوش نزن، باش  
آرام!  
آخه بچه است، بروح پدرم، روح  
بابام!  
تازه جنخ پانزدهش می شود امسال  
تمام.  
عقل او والا کمه، بچه ی بچه است  
بچم،  
نیست وقت ادبش، طفلکی بچه است  
بچهم!\*

جمال آقا - راستی که بهتر از این  
نمیشود با یک مادر ساده حرف  
زد و او را متوجه خطایش کرد.

هماخانم - بله صابر اشعار خودش  
را به زبان ساده مردم و با توجه  
به روحیه مردم مینوشت و به  
این سبب همه آن را می خواندند  
و می فهمیدند.

توتونچی - اشعار صابر الهام بخش  
بسیاری از شعرای ترک دیگر  
نیز هست مثلاً معجز که او هم  
از شعرای بزرگ ماست اغلب  
از صابر الهام می گرفت و با  
اشعار برنده خود مردم را بیدار  
می کرد.

صابر یکی از شعرای بزرگ ترک‌زبان است که با زبانی ساده و طنزی کوبنده برای بیداری خلقهای تحت‌ستم کوشش بسیار کرده است و به اینجهت همواره مورد آزار و اذیت دولتمردان بوده است. صابر در زادگاهش شهر شماخی مدفون است و آرامگاهش زیارتگاه دوستداران این شاعر مبارز است.

لغتهای تازه‌ی درس:

قوی	بگذار
اوافق	کوچولو
سوغوش	فحش
بالا	بچه
قونشو	همسایه
باشی باتمیش	سربه‌نیست شده
آراسیندا	بین
پارا	بعضی، پاره‌ای
باغیر	جگر
کسکین	برنده
باغیرین یارما	زهره‌ترکش نکن

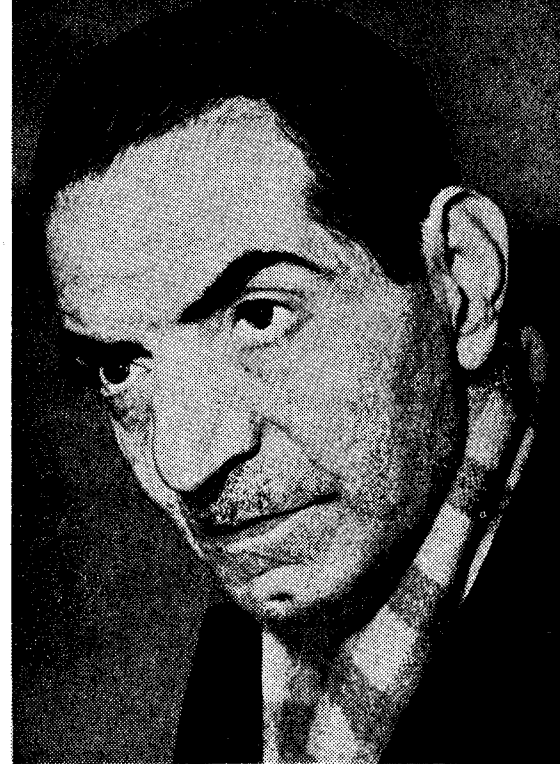
فعلهای تازه‌ی درس:

دئمک، دینمه	ساکت باش
اٹتمک، اٹتمه	نکن
جوشماق، جوشما	جوش نیاور
بیغماق، بیغما	جمع نکن
اوتانمان، اوتان	خجالت بکش
یازماق، یازاردی	می‌نوشت
باشا دوشمک، باشا دوشردیلر	متوجه می‌شدند
آییلدیردی	بیدار می‌کرد
اوخوماق، اوخوموشام	خوانده‌ام
اوخویوب	خوانده است
اوخویاندا	وقتی که می‌خواند،

عصبانی اولماق، عصبانی اولوپدور	عصبانی شده است
کوکره‌مک، کوکره‌ییب	غضب کرده
سوغمک، سوغسون	فحش بدهد
گتتمک، گتتسین	برود
قیشقیرماق، قیشقیریب	فریاد زده
گؤورمک، گورموشدوسه	دیده بود

\* ترجمه‌ی اشعار صابر از کتاب «هوپ‌هوپ‌نامه» ترجمه‌ی احمد شفائی برداشته شده است.

ضرب‌المثل‌ها:  
کار امروز را به فردا می‌فکن!  
آتالار سوزی:  
بوگونون ایشینی صاباحا گویم!



## بیرمی دو ققوزونجی درس

درس بیست و نهم

اوستاد محمد شهریار - استاد محمد شهریار

جمال آقا - صمد، شهریارین حیدر -  
 باباسینی اوخویوپسان؟  
 صمد - البت کی اوخوموشام،  
 دوغرودان دا گوژل بیر اثر دیر.  
 توتونچی - ائوین آباد، حیدر بابا،  
 شهریار بیر ماهر نقاش کیمین  
 خشگنابین طبیعی منظره لرینین  
 و خلقین حیاتینان بدیع تابلولار  
 ترسیم ائدیر.  
 صمد - نجه دیر ایندی شهریارین  
 اوز سسینه قولاق آساق؟  
 طلعت - چوخ یاخچی دیر، اولسون!  
 جمال آقا - صمد، حیدر بابای شهریار  
 را خوانده ای؟  
 علی زاده - البته که خوانده ام، واقعا  
 اثر زیبایی است.  
 توتونچی - خانه ات آباد، شهریار در  
 قطعه حیدر بابا چون نقاش  
 ماهر از مناظر طبیعی خشگناب  
 و از زندگی مردم تابلوی بدیعی  
 رسم می کند.  
 صمد - چطور است حالا به صدای  
 خود شهریار گوش کنیم؟  
 طلعت - خوب است، باشد!

بیرامیدی، گنجه قوشو اوخوردی  
 آداخلی قیز، بیگت جورابین توخوردی  
 هرکس شالین بیر باجادان سوخوردی

ای نه گوژل قایدادی شال سالاماق

بیگت شالینا بیراملغین باغلاماق

شال ایستهدیم من ده ائوده آغلادیم

بیر شال آلوپ تتز بتلیمه باغلادیم  
 غلام گیله قاشدیم شالی سالادیم

فاطمه خالامنه جوراب باغلادی

خان ننه می یادا سالوب آغلادی

عید بود، مرغ شب می خواند  
 دخترک جوراب شاه دامادش را می یافت  
 هرکس شالش را از سوراخ بامی  
 آویزان می کرد

آه که چه رسم زیبایی بود شال  
 آویختن ها

و به پرشال تازه داماد عیدی بستن ها

من هم در خانه گریه کردم و شال  
 خواستم

یک شال گرفتم و زود به کمرم بستم  
 به منزل غلام دویدم و شالم را آویزان  
 کردم

خاله فاطمه ام به شال من یک جوراب  
 بست

و یاد مادرم افتاد و گریست.

جمال آقا - به به، وار اول، وار اول  
 واقعا چوخ گوژل دئییر!

توتونچی - الله شهریارا اوزون  
 بهره لی عمر وئرسین.

اونون اینجه روحو قانلی محاربه لر دن  
 یاس و ماتم گون لریندن، گوژ  
 یاشلاریندان متأثر اولور فغان  
 ائدیر:

حیدر بابا شیطان بیزی آزدیرپ

محبتی اورکلردن قازدیرپ

جمال آقا - به به زنده باشی، زنده  
 باشی واقعا خیلی خوب بیان  
 می کند.

توتونچی - خداوند به شهریار یک  
 عمر طولانی و پربار بدهد.  
 روح ظریف او از جنگهای خونین و  
 روزهای یأس و ماتم و اشک  
 چشمها متأثر می شود و فغان  
 می کند.

حیدر بابا، شیطان ما را گمراه کرده  
 است

محبت را از دلها ریشه کن کرده  
 است

قره گونون سرنوشتین یازدیریب

سرنوشت، روزهای سیاهی برای ما  
نوشته است

سالوب خلقی بیریرنون جانینا  
باریشینی بلشدیروپ قانینا

مردم را بهجان هم انداخته است  
و صلح را بهخون خودش آغشته است

گوژ یاشینا باخان اولساقان آخماز

اگر نگاهی به اشک چشمها بکنند که  
خون ریخته نمی شود

انسان اولان خنجر بئلینه تاخماز

کسی که خودش را انسان می خواند  
که خنجر به کمر نمی بندد

اما حیف کور توتدوغون بوراخماز

اما افسوس که کور آنچه را که گرفته  
رها نمی کند

بهشتیمیز جهنم اولماقدادور

خدایا بهشت ما دارد جهنم می شود.  
و ذیحجه ما محرم.

ذیحجه میز محرم اولماقدا دور

هما خانم - بلی شهریار حیدربابانی

هما خانم - بله شهریار هنگام نوشتن  
حیدربابا بینهایت متأثر و از

یازدیغیندا غایت متأثر و

وضعیت دن متأسف ایدی.

اوضاع متأسف بوده است.

### توضیح

استاد محمد شهریار شاعر بزرگ آذربایجان علاوه بر آثار بسیار زیبای فارسی اش با سرودن منظومه سلام بر حیدربابا اثری جاویدان در ادبیات ترکی بوجود آورده است. حیدربابا نام کوهی است نزدیک خشکتاب از قراء قره چمن که استاد شهریار طفولیت خود را در آنجا گذرانده است. در این منظومه شهریار همه درد و اندوه خود را که با خاطرات شیرین دوران کودکی اش بهم آمیخته است با زبانی آشنا با دل و به بهترین وجهی بیان کرده است. این منظومه چون بارش بی اختیار یک ابر سنگین بهاری در ۷۶ قطعه آبشاروار فرو می ریزد و انسان را غرق خاطرات معصوم طفولیت و یادهای تلخ و شیرین گذشته می کند. افسوس که ترجمه این شاهکار هنری به زبان فارسی امری اگر محال نباشد بس مشکل است و ما امیدواریم شما دوستان عزیز روزی بتوانید این منظومه پراحساس و انسانی را به زبان ترکی بخوانید.

### لغت های تازه ی درس:

بایرام

عید

قاباق

جلو، مقابل

قاباغیندا

مقابل

گئجه قوشی

مرغ شب

واراول

زنده باشی

قان

خون

قان توکولمه

خون ریزی

گوژیاشی

اشک چشم

اولکه

دیار

اورک

دل

بیریرنون جانینا

بهجان یکدیگر

باریشی

صلح و آشتی

باخان

نگاه کننده، متوجه، توجه کننده

### فعل های تازه ی درس:

سالاماق، سالادیم

آویزان کردم

باغلاماق، باغلاادیم

بستم

باغلادی

بست

آغلامان، آغلاادیم

گریه کردم

آغلادی

گریه کرد

قاشماق، قاشدیم

دویدم

قویماق، قویور

می گذارد

آلماق، آلیب

گرفته، خریده

ئینمک، یتنوب

پیاده شده

سالماق، سالوب

انداخته

قولاق آسماق، قولاق آسین

گوش کنید

ساخلاماق، ساخالاسین

نگاه دارد

قان آخماق، قان آخماز

خون ریزی نمی شود

تاخماق، تاخماز

آویزان نمی کند

بوراخماق، بوراخماز

ول نمی کند

اولماق، اولماقادیر

دارد می شود



## او توزونجی درس - آذربایجان خلق ماهنیلاری

درس سی ام - ترانه های خلق آذربایجان

فریده خانم - ترانه های غنائی خلق آذربایجان از انواع ترانه های است که در روستا و شهر دهان به دهان گشته و در بین ایل و قبیله از زبانی به زبانی رفته است.

جمال آقا - اولین خصوصیت بدیع این نغمه های زیبا در این است که گفتار غنائی با موسیقی یکی شود.

فریده خانم - آذربایجانین غنائی خلق ماهنیلاری کندلرده و شهر لرده آغیزدان آغیزا دولاشان و ائل - اویا آراسیندا دیلدن دیله گزه ن نوعلریندن بیریدیر.

جمال آقا - بو گوژل نغمه لرین بیرینجی بدیعی خصوصیتی اوندادیر کی، بورا دا سوز غنائی شکلده موسیقی ایله بیرلشیر.

علی زاده - غنائی ترانه لرده ایشله علی زاده - برگردانهائی که در

آزدریماق، آزدریپ  
گمراه کرده  
قازدریماق، قازدریپ  
ریشه کن کرده  
یازدریماق، یازدریپ  
نویسانده است  
بلشدریمک، بلشدریپ  
آغشته کرده است

## تذکری درباره ماضی نقلی

گاهی ماضی نقلی در دوم و سوم شخص مفرد و جمع به جای پسوند هائی که در درس ۲۰ ذکر شده است می تواند پسوند های (یپس، یپسان، وپسن، وپان)، (یپسینیز، وپسونوز، پسونوز)، (یپ و وپ) و (یپلر، یپلار، وپلر، وپلار) را نیز بگیرد.

پس از مرور درس بیستم و با توجه به تذکر فوق گفتگوهای زیر را بخوانید و به فارسی برگردانید:

- ۱- سن شهریارین حیدر باباسینی اوخویوپسان؟
- ۲- یوخ، متأسفانه من ایندی یه قدر بو منظومه نی اوخوما میشام.
- ۳- حتماً گرگ اوخویاسان دوغرودان بیر گوژل اثردیر.
- ۴- سن هئچ ایندی لیکده اردبیله گئدپسن؟
- ۵- یوخ من هئچ وقت اردبیله گئتمه میشم.
- ۶- اردبیل بیر تاریخی شهردیر، گرگ گئدسن و گورسن.
- ۷- کیم گلیپ و قاپینی آچیق گویوب دور؟
- ۸- تنز اول قاپینی باغلا، هوا سویوخ دیر.

این جمله ها را به ترکی بنویسید:

- ۱- شما به بازار رفته اید؟
- ۲- نه من بازار را بلد نیستم (تانیماق) و تا به حال به بازار نرفته ام.
- ۳- این شیشه را که شکسته است (سیندیرماق)؟
- ۴- من نشکسته ام و نمی دانم که شکسته است.
- ۵- من کمی ترکی یاد گرفته ام (اوگرشمک) اما کافی نیست.
- ۶- من این کتاب را خوانده ام خیلی جالب است تو هم حتماً بخوان.
- ۷- ما تازه از تهران آمده ایم شما کی آمده اید؟
- ۸- من آمده ام بچه ها را ببرم (آپارماق) به مدرسه.

دیلکن نقرات لار اونلارین  
جانلانماسینا یاردیم ائدر.  
توتونچی - بو اصیل و گوژل نغمه لر  
و انلارین موسیقی ایله اولان  
الفتی چوخدان بری آذربایجانین  
مشهور آهنگسازلاری و  
خواننده لری اوچون بیر قایناق  
اولموشدور.

مریم خانم - ایندی آذربایجانین  
بیر غنائی و گوژل ماهنی سی نا  
برابر قولاق آساق.

لغت های تازه ی درس:

ماهنی	ترانه
کند	ده
آرا	بین
آراسیندا	در بین
نقرات	برگردان
چوخدان بری	از زمانهای قبل

فعل های تازه ی درس:

بیرلشمک، بیرلشیر  
ایشلتمک، ایشله دیلن  
یاردیم ائتمک، یاردیم ائدر

صفت فاعلی

یکی می شود  
بکار برده شده  
کمک می کند

برای ساختن صفت فاعلی با توجه به ریشه ی فعل، پیوند (آن یا ان) را  
اضافه می کنیم.

(خریدن) آلماتق، آل، آلان  
(دویدن) قاجماق، قاج، قاجاق  
(پیچیدن، گردش کردن) دولاشماق، دولاش، دولاشان

(گردش کردن) گزماک، گز، گزه ن  
(آمدن) گلماک، گل، گلن  
(خندیدن) گولماک، گول، گولن

این جمله ها را به ترکی برگردانید:

- خانمی که این لباس را می خرید رفت.  
- پسری که می دوید رسید. (یتیشمک)  
- آن خانمی که می آید دوست من است.  
- آن دختری که می خندد خواهر من است.

این جمله ها را پس از ما تکرار کنید و به فارسی برگردانید:

- دانیشما اوشاق تزه یاتیب. (یاتماق - خوابیدن)

- سن با جاریرسان تور کجه دانیشاسان؟

- سن کیمنن تور کجه نی اوگر نیپ سن؟

- سن تورک ماهنی لارینی سئورسن؟

- سن هانسی ماهنی نی چوخ سئورسن؟

- من چوخدان بری تبریزه گتتمه میشم، گرک گئدم و دوستلاریمی گورم.

این جمله ها را به ترکی برگردانید:

- اگر تو زود بیائی با هم به روستا می رویم و کمی سبزی می خریم.

- این کتاب مال کیست، دو روز است که اینجا مانده است. (قالماق)

- گوش کن، این یکی از ترانه های ترکی است.

- من ترانه های ترکی را دوست دارم و این یکی را خیلی دوست دارم.

- تو می توانی ترکی خوب حرف بزنی؟

- البته کمی بلدم اما باید به ترکی گوش کنم و با ترکها ترکی حرف بزنم

تا خوب یاد بگیرم.

- باید به این نوار بارها گوش کنی تا تلفظ ترکی را خوب یاد بگیری.

- البته همین کار را خواهم کرد.

\*\*\*

در اینجا يك ترجمه از رباعیات خیام را به زبان ترکی آذری می‌خوانید:

سر ازلی نه سن بیلرسن نه‌ده من،  
بو بیلمه‌جه‌نی نه سن اوخورسان نه‌ده من،  
بیز پرده‌نین آرکاسیندا سویلشمه‌ده‌بیز،  
تا پرده دوشور، نه سن قالیرسان نه‌ده من!

(جبار باغچه‌بان)

موفق باشید!

موفق اولاسیز!

پایان